



گروه حقوق

رساله دکتری حقوق عمومی

مطالعه تطبیقی تکالیف دولت نسبت به حقوق شهروندی در حقوق ایران و فقه اسلامی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر احمد اسدیان

استاد مشاور

جناب آقای دکتر نادر مردانی

پژوهشگر

خدابخش آوره

آذرماه ۱۳۹۷

کتابخانه علمی

تقدیم به:

محضر مبارک، نورانی و ملکوتی شیران روز و زاهدان شب، قهرمانان بی ادعا شهیدان گلگون کفن عزیز و گرانقدر سرزمین ایران اسلامی و خصوصاً شهدای مظلوم مدافع حرم و قهرمان نامدار خون و شهادت، اسوه ایثار و مقاومت شهید محسن حججی که در پس غبارهای دنیای مادیات و مقام پرستی با بصیرت و دشمن شناسی بموقع و با احساس تکلیف الهی، به ندای امام و مقتدای خویش (ولایت فقیه) لبیک گفته و جان شیرین خود را جهت حفاظت و پاسداری از اسلام ناب محمدی تقدیم نمودند.

همچنین به محضر پدر بزرگوار و ارجمند، مادر عزیز و گرانقدر، همسر فداکار و مهربان و فرزندان دلبندم که همواره با توسلات و دعاهای خالصانه و حمایت‌های بی دریغ خود مشوق اینجانب در مسیر کسب علم بوده اند.

تقدیر و تشکر

سپاس ، لطف و عنایت خداوند سبحان را که توسلات و دعاهاى شبهای قدر در حرم مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) را محقق فرمود تا موفق به نوشیدن جرعه ای از اقیانوس بیکران علم از محضر دانشمندان و اساتید بزرگوار علم حقوق ایران اسلامی گردیدم . به پاس این نعمت بزرگ الهی در برابر خالق خویش سر تعظیم فرود آورده و سجده شکر بجای می آورم .

با تقدیر و تشکر شایسته از محضر مبارک فقیه و مرجع عالیقدر جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظلّه) مؤسس و رئیس هیأت امناء و بنیانگذار دانشگاه که معظم له با تأسیس این مکان علمی موجبات فراهم شدن ادامه تحصیل با بهره مندی از محضر دانشمندان، اساتید فرهیخته و حقوقدانان برجسته کشور را برای دانشجویان و فرهیختگان فرزندان ایران اسلامی را فراهم فرمودند که در این راستا توفیق الهی حاصل شد تا اینجانب بعنوان دانشجو ، دانش آموخته و فارغ التحصیل این دانشگاه قرار بگیرم . همچنین از محضر حضرت آیت الله دکتر محمدحسین بیاتی ریاست محترم دانشگاه و جناب آقای دکتر احمد اسدیان استاد محترم راهنما و جناب آقای دکتر نادر مردانی استاد محترم مشاور که با نکته ها و گفته های علمی و تخصصی خویش، صحیفه های سخن را علم پرور نمودند و راهنما و راه گشای اینجانب در اتمام واکمال پایان نامه بوده اند .

در پرتو عنایات الهی و با توسلات به اهل بیت (ع) و همچنین حمایتهای اساتید محترم ، دفاع پایان نامه اینجانب در آذر ماه ۱۳۹۷ شمسی مصادف با ماه ربیع الاول ۱۴۴۰ هجری قمری در ایام ولادت با سعادت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت رسول اکرم محمد مصطفی (ص) انجام پذیرفت .

چکیده

از نظر قانون تمام افراد و اشخاص یک جامعه در برابر قانون یکسان هستند و از دیدگاه انسانی هیچ امری موجب برتری نمی باشد. ممکن است به لحاظ رعایت برخی ملاحظات اجتماعی و سیاسی، مرجع و مکان رسیدگی به ادعاها از مراجع عادی جدا باشد. و یا قانون در اعمال مجازاتها جهت شخصی سازی ضمانت اجراها اختیاری را به قضات داده باشد. لکن باید در نظر داشت که تفاوت در مرجع و مکان رسیدگی نه تغییری در وصف موضوع ایجاد می کند و نه در ماهیت امر موثر می باشد. دفاع از تمام این حقوق وظیفه جامعه می باشد. زیرا زمانی که انسان زندگی اجتماعی را پذیرفت از استفاده حداکثری از حقوق خود گذشت و قواعد زندگی جمعی را پذیرفت. البته این محدودیت آگاهانه، این انتظار را از حکومتها ایجاد میکند که بی دلیل حقوق شهروندان را محدود نکنند و به آنها احترام بگذارند. قوانین حمایتی باید آنچنان مستحکم باشند که انسان اضطراب تغییر هر چند گاه آنها را با تغییر ساختار سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی و فرهنگی نداشته باشد. در ایران قانون اساسی با شرع مقدس اسلام که به شرحی که خواهد آمد به نحو مبسوط به تصریح و تایید حقوق شهروندی پرداخته، منطبق می باشد و بر حقوق بنیادی و قراردادی بشر تاکید شده است و در قوانین جانبی دیگر نیز حمایتهای قانونی و ضمانت اجرای مناسب بیان شده. ولی در اجرا و اعمال بسیاری از اصول دقت لازم وجود ندارد و یا به آنها توجه نمی شود که با تلاش جهت رفع خلاهای موجود بی تردید فضای عادلانه تری در زندگی کلیه شهروندان حاکم خواهد شد. امروزه حقوق شهروندی از دغدغه های اندیشمندان علوم اجتماعی و از موضوعات مورد تاکید جوامع مدنی است. نگرشی بر مفاهیم این حوزه مبین این است که می توان به جای تکرار ادبیات غرب با تکیه بر قرآن و کتب دیگر اسلامی مفهومی عمیق تر از حقوق شهروندی و ساز و کارهای اجرای موضوعات مربوط به آن را در اجتماع حاکم ساخت. تحقق حقوق شهروندی مستلزم شناخت آحاد مردم جامعه از کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مدنی و سیاسی می باشد. نوشتار حاضر بر آن است که با بررسی شرایط قانونی و مقایسه تطبیقی فقه اسلامی با تاکید بر منابع اصلی آن همچون قرآن، نهج البلاغه تلاشی باشد جهت رفع حلقه های مفقود و ارتقا سطح زندگی شهروندان متناسب با این اصول.

کلید واژه ها : شهروند، حقوق شهروندی، قانون اساسی، فقه اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه	۱
الف- بیان مسئله	۴
ب- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۴
پ- پیشینه تحقیق	۵
ت- جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق	۵
ث- اهداف مشخص تحقیق	۶
ج- سؤالات تحقیق	۶
چ- فرضیه‌های تحقیق	۷
ح- ساماندهی پژوهش	۷
بخش اول	۱۰
مبانی تئوری حقوق شهروندی	۹
فصل اول: کلیات (تعاریف، مفاهیم و مبانی، تاریخچه و...)	۱۰
مبحث اول: تعریف حقوق	۱۰
حق در لغت	۱۰
حق در معنای اصطلاحی	۱۱
مبحث دوم: توصیف شهروند و حقوق شهروندی	۱۲
گفتار اول- شهروند	۱۲
گفتار دوم- حقوق شهروندی	۱۷
مبحث سوم- تقسیم بندی کلی حقوق شهروندی	۲۰
مبحث چهارم- اهداف حقوق شهروندی	۲۲

فصل دوم - تاریخچه حقوق شهروندی	۲۵
مبحث اول - حقوق شهروندی در دوران باستان	۲۵
بند اول - قرون وسطی	۲۶
بند دوم - دوره رنسانس	۲۶
بند سوم - دوران معاصر	۲۷
مبحث دوم - تاریخچه حقوق شهروندی در ایران	۲۹
مبحث سوم - تاریخچه حقوق شهروندی در اسلام	۳۳
گفتار اول - خاستگاه حقوق شهروندی در اسلام	۳۶
گفتار دوم: مقایسه حقوق شهروندی اسلامی و حقوق شهروندی غیر اسلامی	۳۷
مبحث سوم - تفاوت حقوق بشر و حقوق شهروندی	۴۴
فصل سوم - بررسی ابعاد حقوقی حقوق شهروندی و منابع قانونی آن	۵۱
مبحث اول - حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران	۵۲
گفتار اول : تکالیف شهروندی در قانون اساسی ایران	۶۰
بند اول - مصادیق تکالیف شهروندی	۶۲
مبحث دوم - حقوق شهروندی در سند چشم انداز	۶۷
مبحث سوم - حقوق شهروندی در قانون برنامه پنجم توسعه	۶۹
مبحث چهارم - قانون حفظ آزادیهای مشروع و دستور العمل اجرایی آن	۷۱
گفتار اول - انتقادات وارد بر قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی	۷۳
مبحث پنجم - منشور حقوق شهروندی	۷۹
گفتار اول - مسئولیت رئیس جمهور در اجرای حقوق شهروندی مقرر در قانون اساسی	۸۱
گفتار دوم - ماهیت حقوقی منشور حقوق شهروندی	۸۲
بند اول - مقام صلاحیت دار صادر کننده حقوق شهروندی	۸۳

بند دوم- تکلیف دولت برای تدوین منشور حقوق شهروندی در برنامه چهارم توسعه	۸۵
بند سوم- ارزیابی محتوایی منشور حقوق شهروندی (مزایا و معایب)	۸۶
گفتار سوم- محیط زیست در منشور حقوق شهروندی	۸۸
گفتار چهارم- حقوق زنان و کودکان در منشور حقوق شهروندی	۹۱
بند اول- پیش نویس منشور	۹۱
بند دوم- انتقادات وارد بر بخش‌های مربوط به حقوق زنان در نسخه اولیه منشور	۹۳
بند سوم- مفاد حقوق زنان در نسخه نهایی منشور حقوق شهروندی	۹۶
گفتار پنجم- انتقادات وارده بر منشور حقوق شهروندی	۹۹
بند اول- عدم جایگاه قانونی منشور در نظام حقوقی ایران	۹۹
بند دوم- تکراری بودن مواد منشور	۱۰۰
بخش دوم- حقوق شهروندی در اسلام	۱۰۴
فصل اول: حقوق شهروندی در قرآن	۱۰۷
گفتار اول- آزادی	۱۱۱
گفتار دوم: حق حیات	۱۱۴
گفتار سوم: حق برابری	۱۱۴
گفتار چهارم- برابری و عدالت	۱۱۵
فصل دوم: حقوق شهروندی در نهج البلاغه	۱۱۷
مبحث اول: مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه	۱۱۹
گفتار اول- وحدت و انسجام	۱۲۰
گفتار دوم- انصاف و برابری	۱۲۰
گفتار سوم- پاسخگو بودن و پذیرش مسئولیت به طور متقابل	۱۲۱
گفتار چهارم- شناسایی حقوق و تکالیف و رعایت آنها	۱۲۱

- گفتار پنجم-همه چیز باید بر مدار قانون باشد ۱۲۲
- گفتار ششم-رعایت حقوق مردم و بذل محبت ۱۲۲
- گفتار هفتم-آگاهی دادن به مردم و افزایش میزان مشارکت مردم ۱۲۳
- فصل سوم-حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی ۱۲۴
- مبحث اول-آزادی و اقسام آن ۱۲۵
- گفتار اول-آزادی اندیشه ۱۲۷
- گفتار دوم- آزادی مذهب ۱۲۷
- گفتار سوم-آزادی بیان ۱۲۸
- گفتار چهارم-آزادی سیاسی ۱۳۰
- مبحث دوم-حق عدالت اجتماعی ۱۳۰
- مبحث سوم-حق امنیت ۱۳۱
- گفتار اول- حق حیات ۱۳۲
- گفتار دوم-حق حریم خصوصی ۱۳۴
- گفتار سوم-حقوق قضایی ۱۴۰
- مبحث سوم-حقوق شهروندی یکتاپرستان از دیدگاه امام خمینی ۱۴۲
- گفتار اول-زندگی کردن در رفاه و امنیت ۱۴۲
- گفتار دوم-آزادی انجام مناسک دینی و مدنی ۱۴۳
- گفتار سوم-آزادی بیان ۱۴۴
- مبحث پنجم:حقوق شهروندی اقلیتهای دینی از منظر فقه امامیه ۱۴۵
- گفتار اول-مفهوم اقلیتهای دینی ۱۴۵
- گفتار دوم-حقوق اقلیتها در پرتو قرارداد ذمه ۱۴۷
- بند یک-مصونیت امنیتی ۱۴۸

بند دو-امنیت مالی اهل ذمه	۱۴۸
بند ۳-آزادی مذهبی و امکان اقامه شعائر دینی و داشتن معابد	۱۴۹
بند ۴-استقلال قضایی	۱۵۱
بند ۵-حق آزادی	۱۵۲
بند ۶-برخورداری از عدالت اجتماعی	۱۵۳
بند ۷-حقوق مالی و اقتصادی	۱۵۴
بند ۸-حقوق شخصی و مدنی	۱۵۴
بند ۹-آزادی فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی	۱۵۴
فصل چهارم-حقوق شهروندی در بیانات آیت الله هاشمی شاهرودی	۱۵۶
مبحث اول-لزوم حفظ حقوق شهروندی در تشریفات اداری،انتظامی،امنیتی،قضایی	۱۵۷
مبحث دوم-نقش شهرداریها در حفظ حقوق شهروندی	۱۵۸
آسیب شناسی حقوق شهروندی در ایران و پیشنهادات	۱۵۹
پیشنهادات و راهکارهای افزایش استانداردهای حقوق شهروندی	۱۶۲
نتیجه گیری	۱۶۷
منابع	۱۷۱
جداول و پیوستها	۱۷۹

مقدمه

در تمامی جوامع از ابتدای خلقت تا کنون بر حسب درک انسانها همواره بر مفاهیمی چون آزادی و رعایت حقوق شهروندان تاکید شده است. لکن در طول اعصار از زمانی که بشر برای زندگی بهتر، حکومت و کشور تشکیل داد و پذیرفت بخشی از آزادی مطلق خود را محدود کند، دیگر نوع بشر نبود که برای آزادی و حقوق و نحوه ی زندگی اش قاعده وضع می کرد بلکه این حکومت بود که براساس سیاست و بینش خاص حاکم تعریف خود را از آزادی و حقوق شهروندی در قالب قواعد حقوقی به شهروندان اعلام و اجرا می کرد و متعهد بود که از آن قواعد هم دفاع کند.

این قواعد در طول زمان همیشه مورد تایید کلیه شهروندان یا ساکنین کشورها نبود به نحوی که نوع بینش حاکم ممکن بود به علت محدودیت هایی که ایجاد مینمود منتهی به انقلاب گردد. در واقع حرکت و تکامل حکومتها از خودکامه و سلطنتی به سمت حکومتهای دموکراتیک و جمهوری و شرطه ناشی از توجه حکومتها به همین حقوق و آزادیها بوده است در حال حاضر هم هر سبک حکومت و رهبری برای اشخاص، حقوق و آزادیهایی را در نظر گرفته است که نسبت به گذشته بهتر، بیشتر و مترقی تر اعمال و اجرا می گردد. حقوق و آزادی های انسانی در یک تقسیم بندی به حقوق و آزادیهای طبیعی یا ذاتی یا بنیادی و قراردادی تقسیم می شود. حقوق و آزادیهای نوع اول در تمام جوامع و ادیان مورد حمایت بوده و هست مثل حق حیات -مالکیت- دین -مذهب و غیره... لکن حقوق نوع دوم یعنی قراردادی حقوقی بوده که هر جامعه بسته به نوع حکومت و مذهب و سلايق و عرف و عادت بوسیله حکومت قانونگذاری کرده است، که متناسب با زمان و نیازهای جامعه تغییر و تکمیل و رو به سوی تکامل دارند. مثل آزادی بیان -حق شغل- انتخاب کردن و انتخاب شدن و غیره.

حقوق اولیه یا بنیادی خاص قوم یا ملتی نیست بلکه برای همه یکسان می باشد و در تمام قوانین کشورها بر آنها تاکید شده است. اما حقوق نوع دوم بر اساس عوامل متعددی مثل مذهب، سیاست، اقتصاد و فرهنگ و غیره از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت می باشد و به همین دلیل در قانونگذارها هم این حقوق ممکن است متفاوت باشد. لذا آنجا که صحبت از حقوق بشر می باشد، یعنی حقوق بنیادی و اولیه بشر که از قدیم الایام تا کنون مورد حمایت جامعه جهانی و قوانین داخلی و بین المللی بوده است ولی در خصوص نوع دوم از حقوق چون بر اساس عواملی که ذکر شد تعیین می شوند متفاوت هستند و در نوع و استفاده از آنها نیز اختلاف نظر وجود دارد و بر اساس همین تفاوتها و متغیرها حقوق شهروندی کشورها بر اساس معیارهای حاکم بر جامعه متفاوت می باشد. و این تفاوتها سبب شده برخی کشورها دیگران را متهم به نقض حقوق بشر نمایند. کما اینکه کشورهای غربی بر اساس معیارهای خود سایر کشورها را به نقض حقوق بشر محکوم می کنند و سالهاست که بر اساس معیارهای خود با کینه ورزی سیاسی آن را ابزاری علیه سایر کشور قرار داده اند.

به هر روی حقوق بنیادین بشر نباید مورد تعرض قرار بگیرد و حقوق و آزادیهای قراردادی هم نمی بایست آنقدر محدود یا بی ثبات باشند که زندگی و فعالیت اجتماعی محدود و بی معنی گردد. حقوق و آزادیهای مردم در ایران در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت بیان شده است و در سایر فصول به آنها پرداخته شده است هم چنین در قوانین عادی از این حقوق حمایت و ضمانت اجرای لازم ذکر شده است. در نگاهی کلی این حقوق براساس قانون اساسی به شرح زیر می باشد:

اصل ۱۹- تساوی حقوق و منع تبعیض نژاد. اصل ۲۰- بهرمندی از تمام حقوق مورد تاکید واقع شده است.
اصل ۲۱- رعایت حقوق زنان در تمام زمینه ها بیان شده. اصل ۲۲- حمایت از حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از هر گونه تعرض بیان گردیده است اصل ۲۳- منع تفتیش عقاید. اصل ۲۴- آزادی نشریات و مطبوعات.
اصل ۲۵- منع ملاحظه و مشاهده مکاتبات و مراسلات و مخابرات مردم. اصل ۲۶- آزادی تحزب.

اصل ۲۷ - آزادی راه پیمایی. اصل ۲۸ - آزادی شغل و تامین شغل. اصل ۲۹ - برقراری تامین اجتماعی
اصل ۳۰ - آموزش رایگان. اصل ۳۱ - داشتن مسکن. اصل ۳۲ - منع بازداشت. اصل ۳۳ - منع تبعید.
اصل ۳۴ - حق دادخواهی اصل ۳۵ - حق داشتن وکیل. اصل ۳۶ - قانونی بودن مجازاتها. اصل ۳۷ - اصل
برائت. اصل ۳۸ - منع شکنجه. اصل ۳۹ - منع مجازات بیش از اندازه. اصل ۴۰ - منع اضرار به غیر.
اصل ۴۱ - حق تابعیت و منع سلب تابعیت. اصل ۴۲ - حق ورود به تابعیت ایران. اصول ۴۶ و ۴۷ - حق مالکیت
اصل ۱۶۵ - علنی بودن محاکمات. اصل ۱۶۶ - مستند و مستدل بودن احکام. اصل ۱۶۸ - حضور هیات منصفه
در جرائم سیاسی و مطبوعاتی. اصل ۱۷۱ - اعاده حیثیت از اعمال خلاف قانون.

الف- بیان مسئله

اندیشه حفظ کرامت بشر و احقاق حقوق اصلی و اولیه انسانی مدتهاست که در اذهان عمومی بازیگران اصلی عرصه حقوق ظهور و بروز نموده است. تجسم این اندیشه، تلاش دولتها در جهت توسعه و پیشبرد حقوق شهروندی را تسریع نموده است. قطعاً دولتها در این راستا تکالیفی پررنگ دارند و این تکالیف، گاه منبعت از قوانین موفق سایر کشورها و تجربه قانون گذاری آنهاست و گاه از منابع فقهی و اسلامی نشأت گرفته که مطالعه تطبیقی مورد اخیر، از موارد مبهم و منظور نظر تحقیق و پژوهش حاضر خواهد بود. البته در نظام حقوقی کشور ما که مبتنی بر فقه اسلامی است، آنچه که از قوانین سایر کشورها اخذ می شود باید به معاییر و موازین فقه اسلامی عرضه گردد تا انطباق آن با این موازین احراز شود.

ب- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

امروزه اغلب افراد در محیط های شهری زندگی می کنند و مسلم آن است که در فضای زندگی شهری، رفع نیازها از طریق تعاملات متقابل با یکدیگر صورت می پذیرد. لذا آنچه در این روند ضروری به نظر می رسد، قاعده مند ساختن روابط افراد در جامعه شهری به جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی ثباتی در جامعه است که قطعاً باعث حراست از کرامت انسانی نیز خواهد بود. در این راستا حقوق شهروندی جایگاه ویژه ای از لحاظ دستیابی به آرمانهای جامعه بشری و مدنی خواهد داشت. مضافاً اینکه برای تداوم حیات انسان در زمین و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی مطابق شأن والای انسانی، شناخت حقوق شهروندی و ایضاً تکالیف دولتها نسبت به آن، جهت اجرای بی نقص و شایسته مر قانون مزبور ضروری است. بررسی تطابقی این مهم که ضرورت پژوهش حاضر را بیشتر آشکار می کند مستحکم تر ساختن آن با تکیه بر پایه های اسلامی و فقهی و التزام عملی بیشتر به آن در کشوری اسلامی است.

پ- پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه تحقیق توسط پژوهشگر، هم برای پرهیز از انجام کار تکراری و هم به جهت آگاهی و استفاده از منابع مفید، امری ناگزیر است. این مهم در رساله حاضر نیز به تفضیل انجام شده. این آثار در چند دسته کلی قرار میگیرد. برخی منابع صرفاً به بررسی مفاهیم تئوری حقوق شهروندی پرداخته اند. برخی این مقررات را در حوزه ای خاص همچون شهرداری ها و یا دیوان عدالت اداری بررسی نموده اند. لکن پرداختن به موضوع رساله حاضر به صورت تقدیمی، وجود نداشته و از این جهت اهمیت بسیار دارد.

ت- جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق

گرچه بررسی موضوعاتی چون کرامت انسانها، قواعد حقوقی ناشی از زندگی اجتماعی افراد، عناوین جدیدی نیست لیکن در باب حقوق شهروندی ادبیات مربوط به این موضوع در کشور ما به غنای لازم نرسیده و نیازمند تعمق بیشتر است چراکه این حوزه در گذشته کمرنگ بوده و موضوع پژوهش حاضر، در مدونات علمی، بویژه در ادبیات داخلی، علی الخصوص از باب تطبیقی اسلامی بسیار جدید بوده و باب تحقیق و نوآوری در آن مفتوح است. آنچه در این راستا از همه ضروری تر به نظر می رسد تنقیح مبانی فقهی صیانت از حقوق شهروندی است.

۱. از جمله: سلیمی، علی، بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران، مقاله، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۲۷، اسفند ۱۳۹۶ و یا ساریخانی، عادل، حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقاله علمی پژوهشی وزارت علوم، سال سیزدهم، بهار ۱۳۹۷

ث- اهداف مشخص تحقیق

اهداف کلی:

بعنوان ثمره بررسی منابع که شرح مختصری از آن فوقاً ذکر گردید باید گفت به نظر نگارنده در موضوع این پژوهش جای تحقیق و تفحص باز است تا خلاء های آن علی الخصوص با عنایت به اسلامی بودن کشور عزیزمان مرتفع گردد. فلذا، هدف کلی و اصلی در این جستار، افزایش دانش موجود و غنی سازی ادبیات داخلی در این حوزه می باشد.

اهداف جزئی:

قطعاً با روشن شدن ابعاد مختلف حقوق شهروندی و بحث تکالیف دولتها با پافشاری بر بنیانهای اسلامی آن، اجرای این قواعد مستحکم تر خواهد شد و نهادینه شدن این قواعد که بر حفظ شأن و کرامت انسانی براساس ارزشهای اسلامی تأکید دارد بر تحقق عدالت نیز تأثیر گذار خواهد بود

ج- سؤالات تحقیق

۱- سؤال اصلی

آیا تکالیف دولت در اجرای حقوق شهروندی، منبعت از فقه اسلامی و منطبق با آن است یا خیر؟

۲- سؤالات فرعی

آیا انطباق حقوق شهروندی با احکام اسلامی، موجب استحکام آن در اجرا می گردد؟

آیا تکالیف دولت در زمینه اجرای حقوق شهروندی با بکارگیری قوانین اسلامی، قابل ارتقا است؟

آیا منشور حقوق شهروندی در شرایط فعلی امکان تحقق حقوق شهروندی را فراهم نموده است؟

چ - فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: تکالیف دولت، در زمینه اجرای حقوق شهروندی، منبعث از حقوق اسلامی امت، لکن بطور کلی، منطبق با آن نیست.

فرضیه فرعی: با عنایت به رشد روز افزون جوامع اجتماعی، تکالیف دولت‌ها در حقوق شهروندی می‌بایست ارتقا یابد.

ح - ساماندهی پژوهش

رساله حاضر، در راستای بررسی سوالات، ارزیابی فرضیه‌های متناظر با آنها، در دو بخش سامان یافته است. در بخش نخست، سه فصل مجزا، ابعاد مختلف موضوع به لحاظ تئوری، نظری و مفهومی بررسی می‌شود. تعاریف، مفاهیم و تاریخچه حقوق شهروندی در این قسمت از پژوهش ارزیابی می‌گردد و سپس ابعاد حقوقی حقوق شهروندی و منابع قانونی آن بررسی می‌شود. در این قسمت به قانون اساسی، سند چشم‌انداز و منشور حقوق شهروندی و مفاد آن و انتقادات وارده بر فحوای سند مذکور پرداخته می‌شود. در بخش دوم، در سه فصل مطالعه تطبیقی موضوع پژوهش و بررسی موضوع در اسلام، قرآن، نهج البلاغه صورت می‌پذیرد و سپس دیدگاه امام خمینی (ره) و گزیده بیانات آیت‌الله شاهرودی در خصوص موضوع مطروحه بیان می‌گردد و در پایان با آسیب‌شناسی موضوع و سپس ارائه پیشنهادات، تلاش می‌شود راهکارهایی جهت پر کردن خلاءهای موجود ارائه گردد.

بخش اول

مبانی تئوری حقوق شهروندی

فصل اول

کلیات

(تعاریف ، مفاهیم و مبانی ، تاریخچه و ...)

بخش اول

مبانی تئوری حقوق شهروندی

فصل اول: کلیات (تعاریف، مفاهیم و مبانی، تاریخچه و...)

مبحث اول: تعریف حقوق

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن دسته از اختیارات، تواناییها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسانها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که برای تنظیم روابط بین انسانها با یکدیگر و انسانها با دولت وضع شده است. حفظ نظم در جامعه از مهم ترین مصلحتهاست فلذا قواعد حقوقی، مقرراتی است که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است.

حق در لغت

واژه حق در علم حقوق مفاهیم متعددی را به ذهن متبادر میسازد. به دلیل این کثرت استعمال فقها و علمای علم حقوق نیز معانی متعددی برای آن بیان نموده اند. در کنار این واژه، کلماتی چون تکلیف، امتیاز، اختیار و آزادی نیز وجود دارند که حالت تکمیلی داشته و گاهاً نیز مشابه با واژه مزبور تلقی میگردند.

حق در لغت به معنای (ثابت که انکار آن روا نیست) و (آنچه ادای آن واجب باشد، حکم مطابق واقع) و در اصطلاح نیز معادل right در زبان انگلیسی و droite در زبان فرانسه میباشد.

^۱ علی اکبر دهخدا، فرهنگ لغات، ۱۳۷۳، جلد شش، ۸۰۲۸.

حق در معنای اصطلاحی

با بررسی نظرات متفاوت مطروحه در خصوص معنای اصطلاحی حق، چهار دیدگاه عمده در این خصوص

مطرح می‌گردد:

الف- حق، معادل و مساوی با حکم است. برخی فقها به اتحاد حق و حکم معتقدند. این دسته از فقها داشتن

ماهیت متفاوت میان حق و حکم را انکار میکنند. از میان معتقدان به این نظر میتوان به مرحوم خویی اشاره نمود.

ب- حق، مساوی سلطنت است. این نظر شیخ انصاری و فقهای هم اندیشه اوست.^۱

ج- حق، موضوعی اعتباری است که اثرش سلطنت میباشد. این دسته از فقها حق را موضوعی اعتباری غیر از

سلطنت میدانند. لکن آثاری خاص برایش متصور میشوند از آن جمله سلطنت. از جمله معتقدان به این نظر میتوان به آخوند خراسانی اشاره نمود.

د- حق، وضعی و قراردادی است. برخی نیز معتقدند که چنانچه حقی جاعل و واضع نداشته باشد حق تلقی

نمی‌گردد و اثری نیز بر دارنده اش بار نخواهد کرد.

اندیشمندان غربی نیز تعاریف متفاوتی از حق ارائه نموده اند. برای مثال حق را، سود، منفعت، قدرت، ادعا و

آزادی، تعریف کرده اند. بآید به این نکته نیز توجه کرد که مفهوم حق از دوران رنسانس به بعد معنایی نوین یافت و مقصود از آن قضاوت اخلاقی نیست. بلکه آنچه مد نظر است مفهوم حق داشتن است و نه حق بودن.

^۱ در این بیان، حق از جنس ملک خواهد بود. و با این استدلال است که حق توسط دارنده آن ساقط خواهد شد.

^۲ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله کالبد شکافی معنای حق نزد اندیشمندان غربی، سید محمود نبویان، فصلنامه حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۸۷

مبحث دوم: توصیف شهروند و حقوق شهروندی

گفتار اول- شهروند

در فرهنگ‌های عمومی و تخصصی تعریفی از شهروند عرضه نشده است و قانون اساسی هم در هیچ کجا کلمه شهروند را به کار نبرده است، ولی ظاهراً «شهروند» ترجمه فارسی (citizen) است و از نظر لغوی به معنای کسی است که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. به نظر می‌رسد، شهروندی تقریباً^۱ به طور کامل بر حسب دارا بودن حقوق «در یک کشور معین» تعریف می‌شود. و آنچه مسلم است، اینکه مفهوم شهروندی و حقوق آن ارتباط تنگاتنگی با حکومت و دولت دارد. شهروندی وقتی محقق می‌شود که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند. شناخت این حقوق و تکالیف، نقش موثری در ارتقای مرتبه شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد.

شهروندان از این بابت که به دلیل برخورداری از حقوق بنیادین عضویت تمام‌عیاری در اجتماع سیاسی یا دولت خود دارند، متمایز از بیگانگان هستند. شهروند کسی است که شاید سستی مشارکت در زندگی جامعه سیاسی را دارا است. و وضعیت شهروندی در جهان جدید به نوعی نشانه آمیزه‌ای از شاید سستی‌ها و حقوق برای مشارکت و دسته‌ای از الزامات و تکالیف است. برعکس دولت‌های قدیم که افراد «رعایای دولت» محسوب می‌شدند و وظیفه آن‌ها به طور عمده پیروی از فرمانروا بود، در دولت‌های مدرن افراد— به اعتقاد روسو — از این

^۱ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، ، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۶

حیث که از قوانین دولت پیروی می‌کنند، «تبعه» محسوب می‌شوند. بر این اساس، شهروندی در واقع بیانگر جنبه فعال انسان و فرد در جامعه است. شهروندی با رکن «تابعیت» پیوند دارد؛ زیرا شهروند تبعه یک کشور محسوب می‌شود، در حالی که حقوق و وظایفی نیز بر عهده دارد. به عبارت دیگر، شهروندی وضعیت یک تبعه دارای حقوق و تکالیف را گویند که ایده بنیادی آن نیز حق تعیین سرنوشت و فعال نمودن شهروندان است که این هدف از رهگذر مشارکت تحقق می‌یابد.^۱

فلذا بطور کلی شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت الحمایه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید.

شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت، انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود به ویژه در خصوص خدمات دارند.

واژه شهروندی آنگونه که مشهود است از مشتقات شهر است. به علت تازگی این واژه و کثرت استعمال، معانی متعددی از آن ارائه شده است. شهر در لغت به معنای (آبادی بزرگ که دارای خیابانها، کوچه ها، خانه ها و سکنه بسیار باشد (مانند بلد - بلده) گفته می‌شود. و شهری به کسی گفته می‌شود که از مردم شهر است و منسوب به شهر و اهل شهر است.

شهروند یعنی ازسانی مدنی، که توازنسته معیارها و ملاکهای یک شهروند را به طور کامل در خود نهادینه کرده و به همه وظایف و اختیاراتی که یک شهروند باید داشته باشد آگاهی دارد، و خود را ملزم به رعایت آنها بداند اگر چه در شهر هم ساکن نباشد.

^۱ پیرهادی، علی اکبر، حقوق شهروندی، انتشارات سروش ملل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۲

حقوق شهروندی آمیخته ای از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری) دولت و یا به طور کلی قوای حاکم است، می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیتهای حقوق شهروندی اطلاق می شود.

البته شهروند واژه ای وارداتی می باشد، حال آنکه در فرهنگ اسلامی واژه هایی همچون (امت)، (ملت)، (مردم) و (رعیت) دارای سبق استعمال است.^۱ هر یک از این واژه ها دارای معانی متفاوتی می باشد و با توجه به بعد تطبیقی رساله حاضر با مبانی اسلامی، پرداختن به آنها به طور اختصار خالی از فایده نخواهد بود.

بند اول-تعریف واژگان اسلامی

امت : عبارتست از هر گروهی که عواملی مانند دین، زمان و مکان آنان را دور هم جمع کرده باشد.

ملت : یعنی اکثریتی از یک جمع، از نژادهای مختلف و یا یک نژاد واحد، دارای یک زبان و یا زبانهای متفاوت که کشوری را تشکیل دهند و پس از سالهای طولانی با هم هماهنگ شوند و خواسته ها و آرزوهایشان در هم آمیزد و دارای آداب و رسوم، سنن و زبان واحد شوند، البته گاهی یک ملت ممکن است چند کشور را تشکیل دهند. مانند ملت عرب.

^۱ میرموسوی، اسلام، دولت و تحول در اندیشه سیاسی معاصر شیعه، ۱۳۸۴: ۲۰۷

مردم (ناس): اسم جمع است و معنایی اعم از معنای امت و ملت دارد. مردم به گروهی از انسانها بدون آنکه در جهتی از جهات، وحدتی داشته باشند و به عنوان یک واحد مطرح باشند اطلاق می شود و امروزه به کلمه مردم و یا بشر یا آدمی گفته می شود.

رعیت: این واژه بیشتر از کلمات فوق در متون دینی بکار رفته است. رعیت از ماده «رعی» است و (الرعی) به معنای چرانیدن است، راغب در مفردات رعیت را به معنای نگه داری از حیوان که با غذا دادن و دفاع از آن در برابر دشمن محقق می شود معنا کرده است! راعی و رعیت، به تناسب همین معنا در عرصه اجتماعی و سیاسی مطرح می باشد و نام بردن از والی و حاکم به راعی و از عامه مردم به رعیت، از این روست که حاکم وظیفه نگهبانی و حراست از حقوق مردم و هدایت آنان را بر عهده دارد.

در قرآن کریم، این واژه هم در معنای لغوی استعمال شده و هم در معنای اصطلاحی، آنجا که فرموده است

«كلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذلک لآیات لأولی النهی»

(هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! که در این نشانه های روشنی برای خردمندان

است)

و در سوره دیگر، این ماده در معنای اصطلاحی خود بکار رفته است.

«و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون»

و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می کنند.

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۹۸

اطلاق واژه (راعیه) بر (همسر) انسان نیز به همین معناست؛ زیرا همسر انسان وظیفه و مسئولیت نگهداری و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارد.

بنابراین معنای اصطلاحی راعی و رعیت، در فرهنگ اسلامی، نه تنها بار منفی ندارد، بلکه نکات قابل توجهی در اطلاق این واژه بر (حاکم) و (مردم) وجود دارد:

اولاً، حاکم وظیفه نگاهبانی و مراقبت از حقوق مردم و شهروندان را بر عهده دارد.

ثانیاً، حاکم در برابر شهروندان مسئول است. بر خلاف کسانی که گمان می کنند در نظامهای مبتنی بر حاکمیت الهی، حاکم تنها در برابر مردم ذی حق است از این واژه بر می آید که حاکم در برابر مردم مسئولیت دارد.

ثالثاً، از بکار بردن این واژه در حوزه سیاست و رابطه مردم با حکومت، بر می آید که در سنجش میان وظایف متقابل مردم و حکومت، وظایف حکومت و حاکم اسلامی بیشتر از وظایف مردم است.

شهید آیت الله مطهری نیز در همین زمینه می گوید:

«در نهج البلاغه، تعبیر «والی» و «رعیت» هم آمده است که ظاهراً، ناظر به جنبه حفظ و رعایت است. دستگاه حکومت، از آن جهت، «حکومت» نامیده می شود که حافظ امنیت داخلی و خارجی است و مجری قانون است و از آن جهت، «امامت» نامیده می شود که مشتمل بر رهبری است و نیروها را به حرکت در می آورد و بسیج می کند و سازمان می بخشد و استعدادها را شکوفا می کند!»

با وجود چنین معنایی مثبت از راعی و رعیت در زبان عربی، معنای منفور رعیت در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده که از اطلاق «رعیت» بر مردم در نظامهای سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن

^۱ مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ اول. ص ۲۳۱، ۱۳۶۴

آید. رعیت را در زبان فارسی گروهی که دارای سرپرست می باشند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور معنا کرده اند.

جوامع اروپایی، از نظر پیشینه استبدادی نظامهای سلطنتی واژه رعیت را به کسی اطلاق می کردند که فقط از قانون اطاعت و آن را تحمل کند. ولی شهروند به کسی اطلاق می شود که به شکلی از اشکال، در تدارک و تنظیم قانون شرکت می جوید. یکی دیگر از عوامل این سوء برداشت، ترجمه نادرستی است که اروپائیان از واژه رعیت کرده اند و برخی نویسندگان نیز همان ترجمه نادرست را از آنان اقتباس کرده اند.^۱

متأسفانه برای واژه رعیت در زبان فارسی نیز معادل مناسب و دقیقی وجود ندارد. کلمه شهروند هر چند ترجمه فارسی از واژه ای لاتینی است، اما از نظر مفهوم و بار سیاسی، نزدیکترین واژه به رعیت در زبان عربی و متون دینی است. به هر حال این واژه علی رغم مفهوم خاص متناسب با نظامهای سیاسی فردگرا، در حال حاضر مناسب ترین واژه در زبان فارسی به جای واژه رعیت در منابع دینی ماست.

گفتار دوم - حقوق شهروندی

حقوق شهروندی حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی، به آنها اعطا شده و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است. مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن، تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می دهد. همچنین، به رابطه بین شخص و حکومت اطلاق می شود، به نحوی که شخص به واسطه اثبات وفاداری نسبت به حکومت، متقابلاً مستحق حمایت حکومت می باشد. در مقام تمثیل، حقوق شهروندی به مثابه درختی

^۱ پللو، روبر، شهروند و دولت، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، ص ۱، ۱۳۷ ش، انتشارات دانشگاه تهران.

است که ریشه آن را منابع (خدا، طبیعت و قوانین طبیعت) تشکیل می‌دهد؛ تنه و شاخه‌های آن مبانی حقوق بشری (حقوق طبیعی، حقوق بنیادین، حقوق اساسی) و در نهایت میوه و ثمره آن را مواد این حقوق (قوانین شرعی و موضوعه، قوانین اساسی، قوانین عادی و آیین نامه‌ها) می‌توان نامید.

چنانچه ایده بنیادین شهروندی را حق تعیین سرنوشت در نظر بگیریم، یعنی این که حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود (زندگی اجتماعی) و تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، در این صورت شهروندی و تحقق حقوق مربوط به آن پیوند وثیقی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت. این مشارکت باید امکان دنبال کردن هدفها را در چارچوب یک قرارداد اجتماعی در شرایطی که همه افراد در حقوق و تکالیف برابر باشند، فراهم سازد. طرفهای حق در نظام شهروندی عبارتند از: اتباع دولت یا شهروندان و دولت. رابطه‌ای که این دو را به هم مربوط می‌سازد، ماهیتی دوگانه دارد؛ زیرا دوسویه و حق - تکلیف مدار است. در واقع شهروندی طرح‌ریزی نظامی است اجتماعی برای تحدید دولت و مدیریت اجتماعی که بیش‌تر جنبه اجتماعی دارد، در این نظام که رکن اساسی آن عضویت است، در کنار حقوق به مسئولیت‌های اجتماعی مانند دفاع از کشور، دادن مالیات، و تبعیت از قانون نیز توجه می‌شود. مسئولیت اجتماعی شهروند فقط منحصر به دولت نیست، بلکه در مقابل شهروندان دیگر هم مسئولیت دارد. به بیان دیگر، همه افراد در مقابل همه افراد مسئولند.

حقوق شهروندی یا حقوق مربوط به شهروندی بیشتر ماهیت جمع‌گرایانه دارد تا فردگرایانه؛ برای مثال، حق مشارکت در امور سیاسی جامعه و حق رای دادن و حق تخریب حداقل همگی در سطح استیفا و اجرا، ماهیتی جمع‌گرایانه دارد. شهروندی از ابتدا صرفاً یک حق نیست، بلکه به صورت حق و تکلیف توأماً تجلی می‌یابد و مفاهیمی همچون تعلق و اخلاق مشارکت در آن وجود دارد. نکته دیگر حوزه حق‌هاست. حوزه حقوق شهروندی محدود به سرزمین یک دولت — ملت است؛ زیرا رکن اساسی شهروندی مفهوم عضویت است. در توضیح کلی

باید گفت حق شهروندی یعنی برخورداری از کلیه حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی، دسترسی به فرصت‌های زندگی از حیث اقتصادی و رسیدن به برابری و عدالت. این حق از داشتن حق رأی و تلاش برای پیشرفت شهر و روستا و کشور و حفظ امنیت آغاز می‌شود و به تأمین بهداشت و آموزش و ایجاد هیأت منصفه و سندیکها و احترام به حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها ختم می‌شود. در حقوق شهروندی صحبت از بایدها و نبایدها نیست، بلکه از بود و نبود کلام به میان می‌آید.

در واقع حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. بنابراین تعریف، (حقوق شهروندی) مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم مینماید که منشعب از حقوق اساسی و در چارچوب قانون اساسی کشور است. بمنظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسانها در جامعه.

حقوق شهروندی مفهومی عام است مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، در راستای فراهم نمودن زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد.

هدف غائی از برپایی نظام شهروندی تأمین سعادت برای همه افراد جامعه در مراحل مختلف زندگی می‌باشد. بدیهی است که تعدادی از این حقوق فطری و ذاتی بوده‌اند. مثال حق حیات و آزادی. که از جمله حقوق دائمی هستند. همیشه همراه انسان بوده و منحصر به دیروز و امروز نبوده و نیست.

اما مواردی مانند حقوق کارگر و کارفرما یا حقوق تجارت و حق تعلیم و تربیت و... از جمله امور قراردادی و عرفی هستند که در هر دوره زمانی بنا به اقتضائات روز تغییر می‌یابد؛ اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که از لحاظ رعایت و اجرای حقوق نمی‌توان فرقی بین هیچ یک از آنها قائل شد و باید تمامی حقوق بطور یکسان

محترم شمرده شود. جوامع بشری در سیر تحول خود ناگزیر شده اند عناوینی از حقوق را به عنوان حداقل مطالبات شهروندی پذیرفته و هر جامعه ای به اقتضاء خود تلاش کند تا این موارد را هرچه بیشتر و با گسترش کمی و کیفی به نقطه مطلوب برسانند.

مبحث سوم- تقسیم بندی کلی حقوق شهروندی

براساس یک تقسیم بندی کلی، حقوق شهروندی به سه گونه حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی تقسیم بندی می گردد.

حقوق مدنی!

شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می شود. حقوق مربوط به آزادی شامل این موارد است:

- ۱- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد.
- ۲- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش.
- ۳- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی
- ۴- آزادیهای اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی

سندیکایی.

¹ Civil rights

حقوق مربوط به مساوات شامل مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاهها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه است.^۱

حقوق سیاسی^۲:

حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق میتواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهمترین حقوق سیاسی عبارتند از: مشارکت در انتخابات، انتخاب شدن در پست های سیاسی، حق دارا بودن تابعیت.

حقوق اقتصادی اجتماعی^۳:

این حقوق به حق طبیعی هر فرد جهت برخورداری از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود.^۴ به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط است. این حقوق شامل موارد ذیل است:

- حمایت های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، پیری، بی سرپرستی، حوادث و سوانح)

- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان

^۱فانی یزدی، ۱۳۹۳، صص ۱۷ و ۱۸؛ اردبیلی، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۶: ۳۲/۵۸.

^۲ Political rights

^۳ Social economic rights

^۴ اسماعیلی، مجله فرهنگ اصفهان، ۱۳۸۰: ۱۰۹/۲۲۰.

- برخورداری از بهداشت و درمان، برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی

- حمایت‌های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه.

مبحث چهارم-اهداف حقوق شهروندی

در کنار اینکه تأمین سعادت شهروندان و مدیران شهری از طریق ایجاد محیط شهری مناسب، برخورداری، هدفمند و یکپارچه برپا شده بر اساس قوانین، هدف کلی حقوق شهروندی می‌باشد، به صورت جزئی تر موارد ذیل نیز به عنوان اهداف مد نظر مطرح می‌شود:

۱. بسط و گسترش توانایی‌های شهروندان

۲. تقویت حس تعلق اجتماعی

۳. تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری

۴. ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات

۵. ساماندهی و یکپارچه سازی امور شهروندان

۶. شناسایی و سنجش شاخص‌های مرتبط با شهروندی

۷. بهبود و ارتقای شاخص‌های مثبت شهروندی

۸. توسعه و تعمیم دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مثبت و سازنده شهروندان

۹. تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق، تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری

۱۱. مشارکت جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور جامعه

۱۱. تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی

۱۲. بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت

فصل دوم

تاریخچه حقوق شهروندی

فصل دوم - تاریخچه حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در بستر تاریخ تحولات فراوانی به خود دیده است و در مناطق مختلف دنیا و تحت حاکمیت حکمرانان رفتار های متفاوتی با آن صورت پذیرفته است. بر اساس ظرف زمان و مکان گاه هیچ ارزشی نداشته و گاه تحقق و رعایت آن ارزش محسوب شده و گاه شکل هدف به خود گرفته است. براساس روند تاریخی، شکل گیری مفهوم امروزی این حوزه از چند گذرگاه مهم عبور نموده است :

مبحث اول - حقوق شهروندی در دوران باستان

اصول حقوق بشر و شهروندی تا قرن هجدهم میلادی، به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است. حقوق باستان، به شدت فلسفی بوده است. از همین رو ارسطو را بنیانگذار و نظریه پرداز حقوق مردمان سرزمین یونان معرفی کرده اند. در یونان و رم باستان، شهروندان در مقابل بیگانگان و بردگان قرار می گرفته اند. شهروندان، افراد آزاد آن سرزمین بوده که از حقوق کامل برخوردار بوده اند.

ارسطو برای توجیه برده داری به طبیعت و نتیجه طبیعی اعمال و رفتارها اشاره می کند و آن را نتیجه طبیعی اسارت در جنگ میدانده. وی ابراز میدارد همانگونه که ارث، بدون وصیت، به واسطه نسب به وارث می رسد، بردگی نیز از والدین به فرزند انتقال خواهد یافت. امر دیگری که در اندیشه حاکم بر یونان از افکار ارسطو اجرا می شده است، تناسب کیفر و مجازات است. آنها "کیفر متقارن" را نیز ملهم از طبیعت می دانستند.

اما از سوی دیگر افکار یونانی ها و به طور دقیق تر آتنی ها، با مفهوم آزادی در برابر قانون بیگانه بود. افکار آنها به شدت اشرافی زده و طبقاتی بود و برابری در آن معنایی نداشت.^۱

بند اول-قرون وسطی

در این دوران، بوا سطره همراهی روحانیون مسیحی با حکام ظالم و فئودالها، بدترین حق کشی ها رخ داد. دادگاه های انگیزاسیون و نظام قضائی اتهامی، شکنجه و انواع حق کشی های غیرانسانی، کرامت انسانی را لگدمال میکردند.

در این نظام قضایی، اصل کرامت انسانی و نیز بیگناهی او فراموش شده بود و کسی نمی توانست با تمسک به تفسیر مضیق از اعمال مجرمانه، تبری خود را از گناه اثبات کند. همچنین مجازاتهای غیر انسانی و شکنجه های ترذیلی در نظام قضایی اتهامی انگیزاسیون به وفور دیده می شد و به عنوان امری معمول تلقی شده بود.^۲

بند دوم-دوره رنسانس

نقطه عطف در تحول مفهوم حقوق شهروندی را باید در تحولات اروپا پس از قرون وسطی جستجو کرد. عدم رعایت حقوق بشر و اصول اولیه انسانی در آن دوران، باعث شد تا اروپائیان به فکر نگارش و اعلام آن بیافتند. اعلامیه "حقوق بشر و شهروندی" فرانسه از اولین اسنادی است که در آن موضوع مزبور مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن کشورهای دیگر نیز قوانینی را برای حفظ حقوق شهروندان آن سرزمین ها وضع کردند. در این

^۱ . پیران، پرویز. ۱۳۷۰. «دیدگاه های نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی مکتب «وبری»: تأکید بر عوامل سیاسی، قدرت، سازمان و مدیریت اجتماعی». اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۴۹ و ۵۰.

^۲ شیروبی، روزنامه اعتماد ملی، حقوق شهروندی عناصر و موانع آن در ایران، ۱۳۹۲/۱۲/۳

دوره با تغییرات در جوامع و گسترش حدود طبقات متوسط جامعه که خواهان حقوقی متناسب بودند، زمینه تدوین حقوق متضمن منافع اکثریت جامعه فراهم شد.

انقلاب فرانسه، صنعتی شدن و نیز استقلال آمریکا، روند تدوین را سرعت بخشید و به جوامع دیگر نیز بسط داد. پذیرش حقوق ذاتی انسان و آزادی همه انسانها از بدو تولد، از آثار این دوره است.

بند سوم- دوران معاصر

حقوق شهروندی و امتیازات ناشی از آن و صیانت از آنها در مقابل قدرت عمومی دولتها، پدیده ای نوین است که سیر تحولات روی داده، آن مفاهیم را دگرگون نموده است. به دنبال رنسانس در غرب و تغییر نگرش به انسان و جهان و آنچه پیرامون آن است، و با تدوین قوانین جدید و تفکرات نوین، توجه خاصی به مسائل حقوق شهروندی صورت پذیرفت. تفکرات اندیشمندانی چون الک، روسو، منتسکیو همزمان با قانون نویسی های مدرن بویژه قانون اساسی امریکا و قانون اساسی و انقلابی فرانسه و اعلامیه های حقوقی و جهانی باعث اعتلای این مضامین گشت. و این اعتلا به مرور و با گذشت زمان مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفت و سقوط دولتهای دیکتاتوری در کشورهای رو به توسعه زمینه را برای برقراری عدالتی منبعت از حقوق شهروندی فراهم ساخت. اعلامیه های حقوقی و کنوانسیونهای بین المللی در جهت رفع تبعیض، لغو برده داری، دفاع از حقوق کودکان و همچنین صیانت از حقوق سالخوردهگان و مانند آن گامهای مؤثر دیگری در جهت تثبیت حقوق شهروندی در سیستمهای حقوقی جامعه مدرن است.^۱

۱. توحیدفام، محمد. ۱۳۸۲. «بازاندیشی درباره دولت و دموکراسی در آغاز سده بیست و یکم». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶.

فلذا بطور کلی میتوان ویژگی مهم این دوره را ادامه روند پیشین و ظهور نسل دوم حمایتها، (روند جهانی شدن حقوق بشر)، دانست. این دوره، با حمایت از اقلیتها و گروههای خاص و نیز حمایتهای کاپیتولاسیونی در کشورهای ناقض حقوق بشر شروع شد و کم کم به تدوین برخی اسناد بین المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیت های دینی و ملی انجامید.^۱ سپس در نسل سوم این حمایتها، تاکید بر جامعیت اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامیه ها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آنها را تصویب نمودند.

فلذا بر مبنای آنچه شرح داده شد در دوران معاصر به طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد:

۱- دیدگاه نخست که به هانتینگتون منسوب است، بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود. از این منظر، الگوی آمریکایی حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم گردد.

۲- دیدگاه دیگر را مدرنیست ها دارند. آنها بر این عقیده اند که اصول حقوق شهروندی جهانشمول است و نمی توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت.

۳- در مقابل این دیدگاه نیز پست مدرنهای با تاکید بر مسائل منطقه ای و ویژگیهای فرهنگی هر اجتماع، برای هر فرد و هر جامعه ای نسخه خاص خود می پیچند.^۲

^۱ فلاحزاده، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۶: ۵۱.

^۲ سراقی، عیسی و ساکی، لیلا و ابوالفتحی، داریوش و ملکی، حسین. ۱۳۸۹. «بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و تأثیر آن بر روند شهرنشینی در دوران معاصر». همایش منطقه ای شهر، شهروند و مدیریت شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.

مبحث دوم - تاریخچه حقوق شهروندی در ایران

برخی صاحب نظران ایران با ستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، که به منشور حقوق بشر معروف گردیده، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. فرمانهایی مثل منع برده داری و به اسارت گرفتن، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و... در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است. در ادبیات فارسی چندان نمی توان ریشه های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر "بنی آدم اعضای یکدیگرند..." یافت. و چون ضمانت اجراهای چندانى نداشته است، به صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت آموز باقی مانده است.

در تاریخ معاصر ایران نیز چندان نمی توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نداشته است. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است. در این فرمان، شکنجه و هرگونه اقدام ردیانه دیگری علیه متهمان ممنوع دانسته شده و حکام را از تعدی به حقوق رعایا بر حذر داشته است. اما این قانون و امثال آن در مسیر اجرا چندان پایدار نماندند. چرا که معمولاً وابستگی ها و روابط بر ضوابط و قواعد برتری می یافتند. در ایران تا پیش از انقلاب مشروطه، حقوق شهروندی بصورت مکتوب و مدون وجود نداشته است. لکن علی رغم وجود این فقدان، اقلیت های قومی، دینی و زبانی متعدد از زمانهای بسیار دور در ایران زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر داشته اند. لکن با وقوع انقلاب مشروطه و محدود شدن قدرت پادشاه در متمم قانون

^۱ حشمت زاده، محمد باقر. ۱۳۸۰. «ویژگی های جامعه شناسی سیاسی ایران». زمانه. شماره ۵۳

اساسی فصلی با عنوان حقوق ملت در نظر گرفته شد و این شاید گام نخست در اعتلای مفهوم حقوق شهروندی به شمار آید. در مورد حقوق شهروندان در متمم قانون اساسی، دو نکته مهم قابل مذاقه و امعان نظر است^۱:

نکته اول تأکید بر برخورداری تمام شهروندان ایرانی از حقوق و امتیازات فردی و شهروندی است. بر طبق اصول مزبور اقلیتهای قومی، نژادی، مذهبی و اهل کتاب مانند اکثریت مسلمان و شیعه از امتیازات عمومی حقوق شهروندی برخوردارند. مخاطبان واجد حقوق فردی و شهروندی در متمم قانون اساسی، تمام افراد حاضر در کشور ایران بودند. باید توجه داشت که این نکته بدون تردید منبث از مفاهیم و تعالیم دینی حاکم بر جامعه آن روز ایران بوده است. در مجموع با مذاقه در متمم قانون اساسی مشروطه میتوان گفت شاید مهمترین اصل قانون مذکور در حوزه حقوق شهروندی، اصل هشتم آن می باشد. مضافاً اینکه گاهی برای تصریح بر برابری همه افراد جامعه از واژه ایرانیان استفاده شده بود. به عنوان مثال در اصل چهاردهم متمم قانون اساسی مشروطیت آمده بود: هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع در اقامت در محلی یا مجبور به اقامت در محلی معین نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می کند.

موضوع دوم دارای اهمیت در رابطه با موضوع حقوق شهروندی در متمم قانون اساسی مشروطیت، بهره مندی از بعضی حقوق و آزادیهای مدنی و سیاسی مانند تشکیل انجمنها و اجتماعات (آزادی حزب) است. حدود هفتاد سال پس از انقلاب مشروطه، با تصمیم حداکثری مردم ایران و وقوع انقلاب اسلامی، دومین قانون اساسی مدون نگارش یافت و در سال ۱۳۵۸ مورد تصویب مجلس قانونگذاری قرار گرفت. در قانون مذکور فصل جداگانه ای در خصوص حقوق ملت در نظر گرفته شد.

^۱ احمدی طباطبایی، محمدرضا، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸، بهار ۸۸
^۲ در اصل مزبور ذکر شده بود: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

فلذا باید توجه داشت هرچند مقوله هایی از جمله شهروندی، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی، سیاسی و جامعه شناسی ایران واژه هایی جدید به شمار می آیند ولی از نظر مفهومی کاملاً شناخته شده هستند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عادلانه و روند منصفانه دادرسی ها از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است. که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی و حتی در فرمان هشت ماده ای امام در سال ۶۱ حقوق مردم و حقوق عمومی این معنا تصریح شده است. اصطلاح واژه (حقوق شهروندی)، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضاییه در ۲۱ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد. که در قسمتهای بعدی رساله حاضر به نحو مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بعد قضایی است. امتیاز مهم دیگر بخشنامه در این است که به رعایت جزئیات حقوق شهروندان در مراحل مختلف قضایی از تعقیب تا صدور حکم تأکید شده است: اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت های اضافی بدون ضرورت، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم، در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیر شدگان، اجتناب از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف آنان در جریان دستگیری و بازجویی، منع از بردن متهمان به اماکن نامعلوم، و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار، احتراز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان.

پس از این بخشنامه بود که مجلس شورای اسلامی، در مورخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را عیناً به عنوان قانون "احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی" تصویب کرد.

بنابراین نخستین قانون مربوط به حقوق شهروندی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون مذکور بود که صرفاً در گستره قضایی، حقوق شهروندی را مورد حمایت قرارداد. با توجه به اهمیت این قانون، نسبت به مواردی که مستقیماً مربوط به بخشی از حقوق شهروندی بود، قانونگذار با فاصله نزدیکی یعنی پنج ماه پس از تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اقدام به وضع مقرراتی درباره حقوق شهروندی با تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کرد. نکته حائز اهمیت در قانون برنامه چهارم توسعه این بود که دامنه شمول حقوق شهروندی علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم یافت و مورد حمایت و توجه قرار گرفت.

قانون برنامه چهارم توسعه، دولت را موظف کرد که: به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، (منشور حقوق شهروندی) را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط رساند:

الف- پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی

ب- تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن

ج- هدایت فعالیتهای سیاسی و اجتماعی به سمت فرایندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و

اجتماعات قانونی

د- تأمین آزادی و امنیت الزم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان

ه- ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروههای اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی

و- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

ز- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه^۱

به نظر میرسد منظور اساسی و اصلی قانونگذار از اینکه دولت را به موجب ماده ۱ قانون برنامه چهارم توسعه موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی با تاکید بر محورهای ذیل آن کرده است، ایجاد، توسعه و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی و مقدمه ای برای تصویب قوانین مربوط به حقوق شهروندی است. پس از این دوره است که تصویب منشور حقوق شهروندی در حوزه حقوقی تغییراتی کاربردی تر را پیش روی جامعه و شهروندان ترسیم می نماید که در قسمتهای آتی به آن ها اشاره خواهد شد.

مبحث سوم - تاریخچه حقوق شهروندی در اسلام

با بعثت خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سرزمین حجاز، عادات و رسوم غلط و آداب عصر جاهلیت جای خود را به تمدنی داد که از حیث جامعیت تعلیمات بی نظیر بود و اعراب بدوی را که حتی فاقد یک سیستم حکومتی واحد بودند به چهره فاتحان جهان تبدیل ساخت.

پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) به یثرب (مدینه النبوی) بازمی گردد و اولین بارقه های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار گشت. چرا که حقوق شهروندی زمانی موضوعیت دارد

^۱ ماده ۱۱۱

که هر دو رکن آن، یعنی حکومت و مردم، شکل گرفته باشد به دیگر سخن، ظرف تحقق حقوق شهروندی تشکیل حکومت است.

پیامبر اکرم(ص) با الهام از آموزه‌های وحیانی، شاخصه‌های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین نحو ممکن به اجرا درآورد.

آموزه‌های قرآنی به عنوان مهم‌ترین خاستگاه حقوق شهروندی با تأکید بر برابری و برادری همه افراد از هر نژاد و رنگ، هرگونه امتیاز بندی و تفاوت گذاری براساس ویژگی‌های مادی و ظاهری را مردود اعلام نموده^۱ و تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می‌کند.^۲ قرآن در خطابات خود تمامی مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد (یا أَيُّهَا النَّاسُ...) و ذکری از قبیله خاص، ملت یا نژادی به میان نمی‌آورد.

قرآن مردم را به اصل اولی آنها که همان آدم و حوا باشد متوجه می‌سازد تا به آنها یادآور شود که همگی از یک پدر و مادر هستند اگر چه بعضی غنی و بعضی دیگر فقیر، بعضی زیبا، و بعضی دیگر زشت، جمعی عرب و جمعی دیگر عجم باشید این گونه اختلافات لازمه طبیعت و شرایط محیطی است و تنها برای شناسایی و برقراری نظم اجتماعی است نه دشمنی و تبعیض. اسلام همه افراد بشر را از نظر حقوق و تکالیف انسانی، یکسان می‌داند؛ زیرا همه آنها در انسانیت با هم برابر و از جهت آفرینش با هم برادرند.

در اسلام اصل تساوی مجازات‌ها برای همه افراد اعم از مرد و زن، مسئول و غیرمسئول به طور یکسان اعمال می‌شد و حق اقامه دعوا در مقابل تخلفات مقامات حاکم برای همه مردم پیش‌بینی شده بود. وجود «دیوان مظالم» خود شاهی است بر این مدعا که مردم می‌توانستند از حاکمان و عمال آنها شکایت کنند.

^۱ سوره نساء: آیه ۱

^۲ سوره حجرات: آیه ۱۳

از اصول مهم آموزه‌های دین اسلام اهمیت حفظ و رعایت حقوق الناس است آنچنان که در این آموزه‌ها آمده حق الهی قابل بخشایش است و لیکن حق الناس تنها با رضایت فرد متضرر قابل بخشش و گذشت است. دین اسلام، بی‌عدالتی‌های آشکاری را که در حق زنان اعمال می‌شد از میان برد و اهتمام ویژه‌ای به حقوق زنان اعمال نمود. پیامبر(ص) بهشت را زیر پای مادران می‌دانست و در قرآن بر خوشرفتاری با زنان تأکید بسیار شده است.^۱

حقوق اقلیت‌ها همواره مورد احترام و توجه اسلام بوده و آنان نیز همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شدند. کشیشان، پیرمردان، فقرا و جوانان نابالغ از پرداخت جزیه معاف بودند، احترام به حقوق اهل کتاب و اقلیت‌های دینی از چنان جایگاه محکمی برخوردار بود که حتی سه دهه پس از رحلت رسول خدا، خوارج نهروان که خوک متعلق به یک یهودی را کشته بودند غرامت آن را پرداختند.

رفتار پیامبر(ص) با مخالفان فرهنگی همراه با مماشات، مدارا و گفتگو بود. در مقابل آنان استدلال می‌کرد تا بپذیرند، دلایلشان را می‌شنید و پاسخ آنها را می‌داد و مادام که اقدام نظامی انجام نمی‌دادند در امان بودند و تحمل می‌شدند برای نمونه می‌توان به رفتار پیامبر(ص) در جریان داستان افک و بهتانی که به همسر ایشان نسبت داده شد، اشاره کرد که مهم‌ترین حادثه شخصی، خانوادگی و جمعی برای پیامبر(ص) و مسلمین بود و لیکن در جریان آن پیامبر(ص) حکم به بازداشت هیچ کس نداد. اقدامات پیامبر(ص) از قبیل ایجاد پیمان برادری میان مهاجرین و انصار، تقبیح هر گونه نژادگرایی، آموختن خواندن و نوشتن به مسلمانان توسط اسرای جنگی کفار، حرکت به سوی حذف برده‌داری با اتخاذ سیاست‌هایی از قبیل احکام آزادسازی بردگان در قبال قصور در انجام اعمال دینی توسط مالکین بردگان و ... بیانگر این مطلب است که رعایت حقوق شهروندی در کنار ایجاد حکومت اسلامی از مؤلفه‌های اصلی سیاست دولت حق محور اسلام بود.

^۱ سوره نساء: آیه ۱۹

آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم(ص) در سخنان و سیره حکومتی امام علی(ع) ادامه یافت. ایشان در دوران حکومت خود هر چه را از رسول الله آموخته بود در حکومت پنج‌ساله خود به کار بست. که این روند متعالی حکمرانی بر مبنای رعایت حقوق شهروندی به نحو مبسوط در بخش دوم رساله حاضر، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول - خاستگاه حقوق شهروندی در اسلام

جوهر بحث در موضوع حقوق شهروندی در مبانی نظری آن نهفته است و اگر در مسیر شناخت این مبانی غفلت روی دهد چه بسا در تحلیل قواعد مرتبط با آن با تلقی ناصواب مواجه شویم. اصولاً مطالعه هر چیز بدون توجه به ریشه و اصالت آن بی‌معنی است.

در نظام حقوقی اسلام (حقوق الهی) خداوند منشأ حقوق دانسته می‌شود مطابق این اعتقاد، خداوند متعال، هستی بخش تمام پدیده‌های عالم است حقیقت ثابت، ذات مقدس او ست همه چیز از او واقعیت می‌گیرد و قائم به اوست و هرگونه که مشیت و اراده او اقتضا کند می‌تواند در پدیده‌ها تصرف کند.

در این دیدگاه، نه تنها خداوند متعال خالق جهان هستی است بلکه همو به تنهایی و بی‌هیچ شریکی جهان را تدبیر می‌کند و نیز قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را از آن جهت که علم مطلق است و ذی‌نفع نیست وضع می‌کند و انسان، مکلف است که فقط از دستورات و قوانین او که خدشه ناپذیر نیست اطاعت کند. بنابراین قواعد حقوقی اسلام همه به جعل و اعتبار الهی، دارای حجیت و مشروعیت هستند. لذا اساسی‌ترین مفهوم در

جهان‌بینی اسلامی، که زیربنای تمام اصول و فروع آن است، خدا محوری و توحید است. براساس این اصل کلی، نظام هستی منشعب از وجود هستی محض و یکتای الهی است که ضرورت وجود او از ناحیه خودش می‌باشد.

جهان‌بینی توحیدی در بخش فلسفه حقوق دارای نظام خاصی است. بر پایه این نظام فکری خداوند هست محض است و هست محض هر کمالی را دارا و از هر نقصی مبرا است؛ از این رو همه موجودات جهان که هر یک دارای درجه‌ای از نقصانند به سرپرستی آن هست محض وانهاد می‌شوند. لذا مکتب توحیدی به عنوان پایگاه فکری همه مسائل از جمله حقوق قرار می‌گیرد و همه دیدگاه‌ها، شناخت‌ها، و قانونگذاری‌ها باید بر پایه آن استوار گردد.

بنابراین همه حقوق اعم از حقوق طبیعی، فطری، قراردادی، اخلاقی و ... تابع حق خدای متعال است و در سایه حق خداوند معنا می‌یابد و در نظام حقوقی اسلام زمانی قاعده حقوقی مشروع و معتبر خواهد بود که منطبق با اراده الهی باشد و امورات دیگر از قبیل عقل، وجدان، فطرت، و مصلحت و ... تنها به عنوان کاشف و دلیلی که می‌تواند انسان را به مبنای حقیقی حقوق اسلامی برساند معتبر است. براین اساس می‌توان گفت: منشأ جعل و حقوق متقابل حاکم و مردم که از آن به حقوق شهروندی یاد می‌شود نیز از سوی خداوند است.

گفتار دوم: مقایسه حقوق شهروندی اسلامی و حقوق شهروندی غیر اسلامی

همان‌گونه که بیان شد، حقوق شهروندی همان حقوق بشر است که فرد به واسطه تبعیت و وابستگی به یک حاکمیت سیاسی از آن برخوردار است و تنها عنصری که بدان افزوده می‌شود، عنصر مسئولیت است که مجموع حقوق و مسئولیت حقوق شهروندی را به وجود می‌آورد؛ از این رو، مقایسه حقوق شهروندی اسلامی با حقوق

شهروندی غیراسلامی با توجه به مبانی آن مورد توجه است که جدای از مشترکات آن، دارای تفاوت‌هایی نیز می باشد:

۱- اختلاف در نگرش به انسان

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین مکتب الهی اهمیت ویژه‌ای برای انسان قائل شده است؛ به گونه‌ای که در آیه ۳۰ سوره بقره در قرآن، خداوند انسان را نه تنها به عنوان یک مخلوق همانند سایر مخلوقات، بلکه به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین و مطرح نموده است. مفسران بر خلاف برخی که قائل به استخلاف شخصی می‌باشند در مبحث جانشینی و استخلاف، بر جانشینی نوعی انسان نظر دارند. یعنی نوع انسان به عنوان خلیفه الله و جانشین خداوند مورد نظر می‌باشد که این حاکی از شأنیت و ظرفیت انسان در مدیریت و خلیفه شدن انسان در روی زمین است؛ هرچند انسان کامل مصداق اکمل و حتمی خداوند سبحان می‌باشد لکن استعداد و علم به اسماء باعث شرافت و کرامت انسان شده است. به نحوی که ملائکه از درک این مقام عاجز بوده‌اند و به عجز خویش اعتراف نموده‌اند: *قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ*^۱ لذا انسان از منظر قرآن نه تنها دارای حقوقی است، بلکه امتیازات وی امتیازاتی است که او را تا مرز خلیفه الهی پیش برده است؛ از این رو، تعریف حقوق بشر غربی یک تعریف محدود بوده و مبنای آن نگاه مادی و لائیکی به انسان است و این برداشت اشتباه موجب نظریه پردازی اشتباه در مورد انسان، حقوق و تکالیف وی شده است.

از منظر قرآن انسان موجودی است دو ساحتی و دو بعدی؛ زیرا مرکب از جسم و روح است. قرآن از طرفی شروع خلقت انسان را از طین می‌داند: *وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ*^۲ و از طرف دیگر، پس از طی مراحل که در راستای کمال یافتن انسان است، بر آن است که انسان به مرحله‌ای می‌رسد که خداوند سبحان از روح خویش در

^۱ سوره بقره، آیه ۳۲

^۲ سوره سجده، آیه ۷

او می‌دمد: ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ وَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ، فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.^۲ در این مرحله که روح الهی به کالبد انسانی تعلق گرفت و به واسطه آن انسان از شرافت و کرامت برخوردار گردید، تمام ملائکه که قبلاً از خلافت و جانشینی انسان تعجب کرده بودند و ضعف‌های او را مطرح نموده بودند: قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ فِيهَا وَنَحْنُ سَاجِدُونَ لِمَنْ خَلَقَنَا وَإِنَّا كَافِرُونَ. یافتن انسان در سایه بعد الهی و معنوی انسان دلالت دارد. از دیگر اموری که قرآن در مورد انسان بیان می‌کند، اجتماعی بودن اوست. در دیدگاه قرآن این امر به زندگی انسان در دنیا اختصاص ندارد، بلکه قبل از آنکه به سوی زمین هبوط نماید، انسان را موجودی اجتماعی معرفی نموده است: قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ^۳ و نیازمند بودن وی را هم در بهشت و هم در دنیا مورد توجه قرار داده است و حق برخورداری از نعمت‌های الهی را در هر دو ظرف (بهشت و زمین) مطرح نموده است: وَلكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ؛^۴ از این رو، تعریف حقوق بشر طبق آموزه‌های قرآنی عبارت است از: حقوق و تکالیفی که خداوند برای انسان از آن جهت که خلیفه الله و جانشین خدا روی زمین است، قرار داده است؛ انسانی که ذاتاً کریم خلق شده است و باید کریمانه زندگی نماید. کرامت انسانی آن نوع شرافتی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی، اراده و اختیار و وجهه الهی به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند و با کفر و فسق برخی از انسان‌ها این کرامت زایل نمی‌گردد. زیرا صفات عارضی برخی از انسان‌ها و رفتار بد آنان؛ کرامت ذاتی نوع انسان‌ها را زایل نمی‌کند و استخلاف خداوند انسان را بر اساس همین ذات و علم او به اسماء است. و ملائکه نیز به افعال برخی از انسان‌ها توجه کرده و در مقام تعجب جانشینی انسان را باور نداشتند ولی با تذکر و سؤال خداوند به ضعف خویش آگاه و در پیشگاه خداوند عذر به جهل آوردند: قَالُوا

^۱ سوره سجده، آیه ۹

^۲ سوره حجر، آیات ۲۹ و ۳۰

^۳ سوره بقره، آیه ۳۵

^۴ سوره بقره، آیه ۳۶

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ، قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ^۱

۲- اختلاف در ضمانت اجرا

از جمله اختلافاتی که بین حقوق شهروندی اسلامی با غیر اسلامی وجود دارد، نوع تعهدات است. در حقوق شهروندی غیراسلامی ضمانت اجرای حقوق افراد دو گونه است:

الف - رعایت آن از سوی قدرت حاکمه می‌باشد؛ یعنی دولت‌ها بر اساس قوانین داخلی مکلف به رعایت این حقوق می‌باشند و نقض آن از سوی دولت‌ها به معنای تضییع حقوق بشر می‌باشد که چنان که بیان شد، روابط سیاسی آن دولت با کشورهای قدرتمند در نوع برخورد با آن دولت ناقض مؤثر است و می‌توانند خیلی از موارد نقض حقوق بشر را نادیده بگیرند، مانند نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در آمریکا، اسرائیل، عربستان، لذا در واقع، ضمانت اجرای محکمی برای رعایت حقوق افراد در مقابل دولت متبوع وجود ندارد.

ب - گروه دومی که نسبت به حقوق شهروندی مسئول می‌باشند؛ مردم آن کشور می‌باشند، یعنی مردم و اتباع آن کشور باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند که در صورت تخلف، حاکمیت از طریق مجازات‌هایی مقرر در امور کیفری و راه‌کارهای مؤثر در حقوق خصوصی آن را ضمانت می‌نماید، در حالی که ضمانت اجرای حقوق شهروندی در جوامع اسلامی در درجه اول مسئول بودن افراد و حاکمیت در مقابل خداوند است و نوع پاداش‌ها و مجازات‌های دنیوی و اخروی ایجاد انگیزه می‌نماید و در همه جا نیاز به نظارت فیزیکی نیست؛ زیرا منشأ تعهدات، قرارداد اجتماعی و امثال آن نیست، بلکه تعهداتی که انسان‌ها به واسطه مخلوق بودنشان در مقابل خداوند دارند و

^۱ سوره بقره، آیات ۳۱-۳۲.

کارکرد ایمان در روابط اجتماعی کارکردی غیرقابل انکار است که شخص تحت عنوان تقوا باید در خود ایجاد و رعایت نماید.

در واقع، خداوند سبحان به اعمال اجتماعی افراد نوعی تعالی اعطا نموده و اعمال را از اثرگذاری دنیوی به تأثیرگذاری دنیوی و اخروی تعمیم داده است و این رابطه و تعهدات را در هر جا که انسانی وجود دارد، توسعه داده است؛ چنان که در حدیث صحیح از پیامبر اسلام آمده است: کلکم راع کلکم مسئول عن رعیتة، فالامام (فالامیر) الذی علی الناس راع و هو مسئول عنه، و الرجل راع اهل بیتة و هو مسئول منهم فالمرأة راعیة علی اهل بیت بعلها وولده و هی مسئولة عنهم الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة. این روایت با تکرار و تأکیدی که هم در ابتدا و هم در انتها مطرح نموده است، اهمیت مسئولیت اجتماعی افراد را بیان نموده است و ذکر مواردی همچون مسئولیت امام یا امیر و حاکمان نسبت به مردم و مسئولیت مرد و زن در مقابل خانواده، از باب تمثیل است نه حصر و نه تنها نسبت به حقوق واجب افراد سفارش می‌نماید، بلکه تمام حقوق افراد را حتی در زمینه حقوق مستحبیه و مسائل تربیتی و اخلاقی را نیز بیان می‌دارد، امثال این دست از روایات که هم جنبه تبشیری و تشویقی دارد و هم اندازی و تهدیدی، فراوان است و ایجاد چنین ضمانت اجرایی با وضع قانون به تنهایی تأمین شدنی نیست.

۳- اختلاف در سنجش پیشرفت

از نظر اسلام ملاک پیشرفت در حقوق شهروندی، پایبندی به آموزه‌های دینی با محوریت عبادت خداوند است که پایبندی به آن مستلزم آگاهی و شناخت و افزایش این معرفت می‌باشد. به طور یقین پیشرفت‌های منادی حجیت رفاه اجتماعی مهم است، لکن اگر این امر انسان را از خدا و توجه به وظایف دینی دور کند، ارزش ندارد و جزء موانع پیشرفت است، چنان که آیات فراوانی در قرآن امت‌های گذشته مانند قوم عاد، ثمود را با تمام

توانمندی‌های ظاهری مورد سرزنش قرار می‌دهد و آنان را به واسطه توسعه فساد و گناه مستحق عذاب قرار داده است. **سَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوِطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ** و حتی بطور صریح بیان می‌کند که اگر اهل دنیا هر آنچه در دنیا بخواهند، خداوند هر مقدار که بخواهد به آنها می‌دهد. ولی این نشانه سعادت آنان نیست، بلکه حرکتی به سمت عذاب الهی است: **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا** و اینان هیچ بهره‌ای از آخرت ندارند؛ یعنی از عوامل پیشرفت جامعه تأمین نیازهای دنیوی است به گونه‌ای که آخرت کسب شود و خداوند آنان که دنیا را برای دنیا بخواهند، اعمالشان را ثمر بخش می‌کند لکن در دنیا و هیچ بهره‌ای از آخرت ندارند **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَهَا لُحُوفًا تُنْفِقُ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** در جای دیگر علمی را که در سایه آن این نوع توسعه‌های اجتماعی به وجود آمده و موجب فراموشی یاد خدا بشود، علم محدود بلکه علم گمراه‌کننده نامیده است و حتی به پیامبر خویش هم دستور می‌دهد که از آنان اعراض کن **فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ** ۴ پس جامعه پیشرفته اسلامی یعنی جامعه‌ای که تمام نعمت‌ها و قدرت‌های اعطا شده در آن برای برقراری روح تعبد است. **الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** ۵.

در حقوق بشر اسلامی و غیراسلامی بر اصول دیگری غیر از کرامت انسان تأکید شده است که معمولاً پنج حق بنیادین یعنی ۱ - حق حیات، ۲ - حق آزادی، ۳ - حق مشارکت سیاسی، ۴ - حق برخورداری از حمایت

۱ سوره فجر، آیات ۱۳ و ۱۴

۲ سوره اسراء، آیه ۱۸

۳ سوره هود، آیات ۱۵ و ۱۶

۴ سوره نجم، آیات ۲۹ و ۳۰

۵ سوره حج، آیه ۴۱

قانونی، ۵ - حق برخورداری از خدمات بنیادین اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را در برمی‌گیرد. این امور در قالب حقوق شهروندی همراه با مسئولیت شهروندی مطرح شده است یعنی مجموعه حق و تکلیف به عنوان حقوق شهروندی لحاظ شده است که از نظر اسلام تأمین این حقوق توسط افراد و دولت با رویکرد الهی عامل پیشرفت جامعه است.

فلذا همان‌طور که بیان شد، حقوق شهروندی در واقع، همان حقوق بشر است که در قالب یک کشور و تبعیت شخصی تجلی می‌یابد و کشوری پیشرفته به شمار می‌رود که حقوق افراد را در زمینه‌های مختلف بیشتر مورد حمایت و صیانت قرار دهد؛ از این رو، بر کشور پیشرفته اسلامی لازم است با تأکید بر مبنای بنیادین حقوق بشر اسلامی نه تنها حقوق حداقلی فطری حقوق بشری را تأمین نمایند، بلکه با توجه به اینکه اسلام انسان را هم صاحب حق می‌داند و هم صاحب مسئولیت در مقابل خدا و انسان‌های دیگر، این حق و تکلیف را در جامعه اسلامی تحت عنوان حقوق شهروندی ایجاد و با برنامه‌های مختلف، آن را مورد حمایت قرار دهند، چنان که در آموزه‌های قرآنی و روایی به این امر تصریح شده است.

۴- توسعه و پیشرفت در حذف مرزها

آنچه در جامعه اسلامی جهانی مطرح می‌باشد و باید مورد تأکید قرار گیرد، طرح حقوق شهروندی اسلامی است که در آن، لازم است مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی مانع اتحاد، ارتباط و بهره‌مندی از حقوق فرد مسلمان از آن جهت که مسلمان است نگردد. بر این اساس، توجه به حقوق شهروندی اسلامی برای هر فرد مسلمان در تمدن اسلامی ضروری است؛ زیرا در اسلام مرزهای جغرافیایی نمی‌تواند محدود کننده حقوق و تکالیف شهروندان گردد و شهروند مسلمان در هر جا که باشد، از حقوق خویش برخوردار است. جامعه پیشرفته اسلامی با توجه به اصول حقوق بشر اسلامی که بر اساس اصل کرامت انسانی، اصل امنیت، اصل آزادی‌های اساسی،

حق دادخواهی، حق آموزش و پرورش و حق برخورداری از تأمین اجتماعی مناسب، همراه با مسئولیت دولت‌ها و مردم نسبت به رعایت این حقوق استوار است، می‌تواند الگوی مناسبی برای جهانیان باشد و با توجه به ابعاد مختلف انسانی و با لحاظ تعهدات انسانی در اعتلای این مهم بکوشد.

فلذا چنانکه شرح آن رفت شهروند اسلامی همانند شهروند قرون وسطایی تنها دارای امتیازات اجتماعی نیست، بلکه بر اساس آموزه‌های دینی - قرآنی دارای مسئولیت فراوان اجتماعی نیز می‌باشد.

حقوق شهروندی در زمینه‌های مختلف مدنی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و سیاسی هنگامی می‌تواند در جامعه مورد حمایت قرار گیرد که از ضمانت اجراهای لازم مورد نظر اسلام برخوردار گردد. جامعه پیشرفته اسلامی در زمینه حقوق شهروندی بر اساس شاخصه‌های دینی ارزیابی می‌گردد و جامعه پیشرفته دینی اسلامی، جامعه‌ای است که در راستای توحید و عبادت با توجه به مکارم اخلاقی حرکت نماید.

جایگاه رفیع انسان و حقوق و مسئولیت او در جانشینی انسان از طرف خداوند در روی زمین توجیه‌پذیر و اثبات شدنی می‌باشد. شهروند جهانی اسلامی شهروندی است که هم در مقابل دیگران و هم جامعه انسانی - اسلامی دارای تعهد و مسئولیت است و جامعه پیشرفته اسلامی با توجه به مؤلفه‌های حقوق شهروندی تنها با حذف مرزهای سیاسی-جغرافیایی می‌تواند توسعه یابد و تمدن‌سازی و جهان‌شمولی قوانین اسلامی را به نمایش بگذارد.

مبحث سوم - تفاوت حقوق بشر و حقوق شهروندی

هرچند اشاره شد که بین حقوق شهروندی و حقوق بشر هم‌خوانی زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که عده‌ای حقوق شهروندی را همان حقوق بشر دانسته‌اند که قرار است در درون یک جامعه مدنی با در نظر گرفتن

اولویت‌های زندگی اجتماعی، ذیل حکومت خاص و در سرزمین خاص، شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد^۱ و یا گفته شده است: حقوق شهروندی، زمانی مطرح می‌شود که قرار است حقوق بشر در درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص در سرزمینی خاص و در مورد مردمی خاص، شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد^۲ این اشتراکات و هم‌خوانی‌ها نمی‌تواند تفاوت‌های موجود بین این دو حق را یعنی حقوق بشر و حقوق شهروندی، نادیده بگیرد. در ادامه به برخی از تفاوت‌های بین این دو حق اشاره می‌گردد:

۱- حقوق بشر Human Rights عبارت است از حقوقی که افراد از آن جهت که انسانند، از آن برخوردارند؛ یعنی حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه‌ای است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است. چنانکه در ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این اعلامیه دارای یک مقدمه و سی ماده است. نیز آمده است: «هرکس بدون هیچ تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، باور سیاسی، یا هر باور دیگری، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی و ولادت، یا هر موقعیت دیگری از حقوق و آزادی‌هایی که در این اعلامیه بر شمرده شده است، برخوردار است. بعلاوه هیچ‌گونه تمایزی نباید بر پایه موقعیت سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمین که شخص بدان تعلق دارد، قایل شد. همان گونه که در ماده ۲ اعلامیه آمده است، برخورداری افراد از این حقوق نباید بر پایه سرزمینی که شخص بدان تعلق دارد، صورت گیرد. حقوق بشر، جهانی، بنیادین و مطلق فرض می‌شود. جهانی بودن یعنی صرف نظر از

^۱ جاوید، محمد جواد، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی؛ تحلیل مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، ۱۳۸۷: ص ۷۵

^۲ موسوی، بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظرات امام خمینی ع، ۶: ص ۶۵، ۱۳۸۹

^۳ آذر ۱۳۲۷

تابعیت و دیگر قیود محدود کننده، و بنیادین بودن یعنی غیر قابل سلب بودن آن (یعنی از انسان مستحق آن است و بهره‌مندی او از این حقوق غیر قابل سلب است) و مطلق بودن یعنی قابل مشروط شدن نیست. در حالی که در حقوق شهروندی چنان که بیان شد، تأکید بر اصل تابعیت است و در واقع، ویژگی مهم حقوق شهروندی، سرزمینی بودن آن و تابعیت فرد است تا شخص بتواند در سایه آن تابعیت از آن حقوق برخوردار گردد.

۲- حقوق شهروندی بر حسب حاکمیت و دیدگاه‌های سیاسی حاکم در جوامع، قبض و بسط پیدا می‌یابد. زیرا هر جامعه‌ای بر اساس واقعیت‌های موجود و توانمندی‌های حقوقی و مصالح خود در مورد حقوق شهروندی تصمیم می‌گیرد و ممکن است در برهه‌ای از زمان، حقوق و امتیازات بیشتری برای افراد لحاظ گردد و در وقت دیگر از آن حقوق کاسته شود. هر چند حرکت‌های حقوقی در جوامع نوعاً حرکت‌های رو به جلو و در راستای تأمین حقوق شهروندی بیشتر است، ولی در مجموع قابلیت توسعه امتیازات اعطایی به شهروندان یا محدود کردن آن در حقوق شهروندی وجود دارد. این در حالی است که ماهیت حقوق بشر عوامل محدودکننده حقوق انسانی را بر نمی‌تابد و تکلیف را یک محدود کننده و مانع و ضد ارزش به شمار می‌آورد.

۳- مسئولیت در حقوق شهروندی از مؤلفه‌های مهم آن، بلکه رکن دوم آن است و از ابتدا این امر همراه با حقوق شهروندی لحاظ گردیده است، ولی در حقوق بشر سخنی از مسئولیت و تعهد نسبت به دولت و یا افراد جوامع وجود ندارد. به بیان دیگر، حقوق بشر یک سویه است و به طور کلی، گفتاری حق مدارانه دارد به خلاف حقوق شهروندی که حق و تکلیف مدار است.

۴- حقوق شهروندی از جمله حقوق وضعی است که از سوی کشورهای مختلف بر اساس مبانی خاص وضع می‌گردد. مؤلفه مهم دیگر حقوق شهروندی تکلیف شهروندی است که آن نیز وضعی می‌باشد. در حالی که حقوق و تکالیف بشری تکالیف طبیعی می‌باشند؛ هر چند از تکالیف بشری در حقوق بشر کمتر گفته می‌شود. بنابراین در

مباحث حقوق بشر اگر سخن از حقوق انسان مطرح می‌شود و اگر در آن توجه‌ای به تکالیف انسانی مطرح می‌گردد، آن حقوق و تکالیف به عنوان حقوق و تکالیف طبیعی مورد نظر است که جنبه جهان شمولی دارد، بر خلاف حقوق شهروندی که جنبه ملی و کشوری دارد.^۱

۵- یکی دیگر از اختلاف‌های حقوق شهروندی و حقوق بشر بحث ضمانت اجرای آنهاست. حقوق شهروندی با توجه به حقوق داخلی بودن آن که از قوانین موضوعه داخل کشور می‌باشد، هم در بخش حقوقی آن و هم در بخش تکالیف از ضمانت اجرای کشورهای و قانونی برخوردار است و همانند سایر قوانین مصوب در هر کشوری ضمانت اجرای مربوط به خود را دارد. در حالی که حقوق بشر که حقوقی طبیعی است، از ضمانت اجرای قوی و محکمی برخوردار نیست به خصوص با توجه به بهره‌برداری سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر از آن و طرح آن به عنوان ابزاری برای فشار بر کشورهای مخالف با قدرت‌های غربی سلطه‌گر که باعث گردیده از ضمانت اجرای مناسبتی برخوردار نباشد؛ لذا نگاه به آن یک نگاه اخلاقی و طرح آن در کشورها جنبه توصیه‌های اخلاقی — حقوقی دارد. دیگر اینکه سازمان‌های بین‌المللی مشخصی که مورد پذیرش تمام کشورها باشد، اجرای حقوق بشر را در کشورهای مختلف پایش و ضمانت نمی‌کند؛ لذا راه‌های مقابله‌ای با نقض آن بیشتر سیاسی است و غالباً بر اساس مصالح کشورهای غربی صورت می‌گیرد. البته در برخی موارد نیز بر اثر فشار افکار عمومی جهانی ممکن است علیه دولت ناقض این حقوق، اقدامات محدودی انجام گیرد؛ به بیان دیگر، در حقوق شهروندی، وظایف حقوقی تر و لازم‌الاجرا تر است به خلاف حقوق بشر.

۶- حقوق بشر بر خلاف حقوق شهروندی، فرا زمانی و فرا مکانی است و مفهوم بیگانه در آن جایگاهی ندارد؛ لذا اختصاص به نسل خاصی ندارد، بلکه حقوقی است که مشتمل بر تمام نسل‌های انسانی از آن جهت که انسان

^۱ جاوید، صادقی، شفیع زاده، مجله فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۱: ۸۵/۵۹-۸۶

^۲ السان، مجله حقوق بشر، ۱۳۸۷: ۹/۶

می‌باشند، به خلاف حقوق شهروندی که در زمان‌های مختلف و مکان‌های گوناگون با توجه به قوانین کشورها با لحاظ تبعه و غیر تبعه، خودی و بیگانه طرح می‌شود، و به عبارت دیگر، حوزه حقوق شهروندی یک حاکمیت است به خلاف حقوق بشر که داعیه جهان شمولی دارد.

۷- از نکاتی که در اختلاف میان حقوق شهروندی و حقوق بشر قابل توجه و اهمیت است، طرح توسعه حقوق شهروندی با رشد حقوق بشر در قوانین کشورهاست؛ بدین معنا که حرکت رو به رشد حقوق بشر در جوامع می‌تواند شهروندی را توسعه داده، و مردم را به عنوان شهروندان جهانی که دارای حقوق و تکالیف هستند مطرح نماید. مضافاً اینکه می‌تواند مرز بندی‌های جغرافیایی و سیاسی بین کشورها را از بین ببرد، چنان‌که در اروپا با توجه به همین نکته «شهروند اروپایی» مطرح می‌شود که بر خلاف اهدافی که کشورهای غربی در خرد کردن کشورهای بزرگ و ایجاد مرز بندی‌های جدید و تولید کشورهای جدید دنبال می‌کنند، خود به دنبال برداشتن مرزها و ایجاد اتحادیه‌های مختلف و تمرکز قدرت می‌باشند؛ چه این امر در پیشرفت کشورهای غربی در زمینه توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی بسیار مؤثر است. حتی کم‌کم ممکن است شهروند اروپایی از شهروند اروپایی بودن خارج و به «شهروند کشورهای غربی» (اعم از اروپایی و آمریکایی) و یا با توسعه آن به عنوان دیگر مانند «شهروند جهانی» تبدیل گردد؛ چنان‌که نظریه شهروندی جهانی با همین رویکرد مطرح گردیده است..

نظریه شهروندی جهانی بر این امر تاکید دارد که می‌توان برای افراد به عنوان شهروندان جهانی حقوق و تعهداتی در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخت. شهروندی جهانی مستلزم به رسمیت شناختن تعهدات اخلاقی در خارج از حدود ملی است.

^۱ این نظریه را دیوید میلر به عنوان «شهروندی تعهدزا» مطرح نمود و امکان تحقق شهروندی توأم با تکلیف و مسئولیت را در سطح جهانی مورد بررسی قرار داده است.

۸- از دیگر وجوه اختلاف بین حقوق شهروندی و حقوق بشر این است که محرومیت افراد به واسطه حقوق شهروندی توجیه پذیر است. و دولت‌ها و قدرت‌های حاکم می‌توانند بر تعهدزایی شهروند و ایجاد تکالیف جدید اقدام نمایند. حال اینکه محرومیت افراد با حقوق بشر توجیه پذیر نیست؛ زیرا چنان که گفته شد، حقوق بشر یک سویه و دارای گفتاری حق مدارانه است، بر خلاف حقوق شهروندی که دو سویه بوده و دولت‌ها می‌توانند در موارد خاص نسبت به افزایش تکالیف و محدود کردن حقوق شهروندان اقدام کنند؛ مانند اقداماتی که در زمان جنگ صورت می‌گیرد. مثل حضور اجباری افراد بر اساس تکالیف شهروندی جهت دفاع از کشور، ایجاد محدودیت‌هایی تحت عنوان حکومت نظامی یا واداشتن افراد به کاری خاص به عنوان تکالیف شهروندی در مواقع خاص، این در حالی است که حقوق بشر چنین اموری را بر نمی‌تابد.

۹- فردی بودن حقوق بشر بر خلاف حقوق شهروندی که بیشتر ماهیتی جمع گرایانه دارد؛ مانند: حق مشارکت در امور سیاسی جامعه، حق رأی دادن، حق تحرّز و مانند آن. حقوق شهروندی در حقیقت، در سطح استیفای چنین حقوقی جمعی است؛ بدین معنی که حقوق شهروندی با توجه به تابعیت در ظرف یک اجتماع خاص که در آن افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به دولت دارای حقوق و تکالیفی هستند، شکل می‌گیرد که حفظ نظام اجتماعی و هویت ملی در آن دارای نقش کلیدی می‌باشد.

۱۰- یکی دیگر از تفاوت‌های حقوق شهروندی و حقوق بشر در تأثیرگذاری افراد است؛ بدین معنا که نقش افراد در حقوق شهروندی ملموس‌تر و سازنده‌تر است؛ زیرا در هر جامعه‌ای افراد با توجه به نوع تابعیتشان از جهت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیگر امور مربوط به شهروندی می‌توانند سازندگی بیشتری داشته باشند که این امر در همان جامعه به خوبی قابل لمس و مؤثر است و تحت عنوان شهروند فعال نمود و ظهور پیدا می‌کند، در حالی که نقش افراد در توسعه و حمایت از حقوق بشر نوعاً ملموس نیست یا تأثیر آن در جوامع بسیار اندک

است؛ زیرا دولت‌های جهانی خود را در مقابل اتباع سایر کشورها متعهد ندانسته، ضرورتی را جهت پاسخگویی یا همکاری جدی با افراد بیگانه احساس نمی‌کنند. حتی ممکن است موانع زیادی را جهت حضور و تأثیر افراد در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر ساحت‌های حقوق بشری ایجاد کنند. بر همین اساس، مراکز و انجمن‌های حمایت از حقوق بشر در اکثر موارد جهت توسعه فعالیت‌هایشان دچار مشکل می‌باشند، مگر آنکه در جهت منافع برخی از کشورهای قدرتمند عمل کنند، یعنی دولت‌های سلطه‌گر از تبلیغات حقوق بشری و پشت سپر حمایت از حقوق بشر اقدام به فعالیت‌های جهانی بنمایند که بهترین نمونه آن استفاده ابزاری و توجیه حضور نظامی در کشورهای هدف می‌باشد.

فصل سوم

بررسی ابعاد حقوقی

حقوق شهروندی و منابع قانونی آن

فصل سوم- بررسی ابعاد حقوقی حقوق شهروندی و منابع قانونی آن

مبحث اول- حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

برجسته ترین اصول قانون اساسی که در آنها به مسائل گوناگون حوزه حقوق شهروندی پرداخته شده عبارتند از:

۱- اصل داشتن حقوق برابر

برابری اجتماعی شرایطی است که در آن همه افراد یک جامعه خاص یا گروهها و وضعیت یکسانی در جهت برخورداری از جنبه های خاصی از حقوق مدنی، آزادی بیان، حقوق مالکیت و دسترسی برابر به کالاها و خدمات اجتماعی داشته باشند.^۱

مضافاً اینکه برابری مورد نظر در اصل پیش گفته، بهره مندی تمامی افراد جامعه از حمایتهای قانونی است. فارغ از جایگاهی که هر یک خواهند داشت. این امر تا آنجا اهمیت دارد که اقلیتها ی شناسایی شده در قانون اساسی نیز میبایست از این جنبه حمایتی مستفیض گردند. باید توجه داشت که این مساوات و برابری در خصوص حق تمتع نیست. چرا که برخی حقوق مانند ارث و دیات نیز بر اساس جنسیت و یا فاکتورهای متعدد دیگر، میان خود مسلمانان نیز تفاوت دارد و یکسان اجرا نمی گردد. این حقوق به صراحت در اصل بیستم قانون اساسی تصریح گردیده است.^۲

¹ wikipedia

^۲ در اصل بیستم آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۲- اصل امنیت فردی حق حیات و برخورداری از امنیت و آزادی^۱

حق داشتن امنیت در کلیه عرصه های متصوره از آرمانهای همیشگی شهروندان هر جامعه ایست و تلاش حکومتها نیز برقراری امنیت در کلیه عرصه ها است. چرا که در پرتوی امنیتی همه جانبه و پایدار میتوان به تحقق و پاسداشت سایر نیازهای شهروندان رسیدگی نمود و امید داشت. در همین راستا اصل سی و دوم قانون اساسی^۲ به موضوعی میپردازد که شاید بخش کوچکی از مفهوم وسیع امنیت را در بر گیرد لکن بدون تردید مساله ای بسیار اساسی و با اهمیت میباشد. بازداشت افراد و سلب حق آزادی قطعاً نمیباشد مغفول واقع شود و باید با احتیاط و رعایت زوایای قانونی موضوع در خصوص این امر اقدام نمود. در قانون اساسی و برخی قوانین جاریه دیگر اصولی وجود دارد که در جهت تکمیل موضوع مذکور پیش بینی شده اند. از جمله این موارد میتوان به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عدم عطف به ما سبق شدن قانون، اصل علنی بودن محاکمات و حضور وکیل در مراحل بازپرسی و دادرسی و رسیدگی به جرائم بزرگ و مهم توسط هیأت منصفه که همگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است، اشاره نمود.^۳

۳- اصل آزادی در گزینش محل سکونت

بر اساس قوانین مدون و اصول شهروندی انتخاب محل سکونت براساس میل و اراده باطنی افراد انجام میشود. باید توجه داشت که این اصل گاهی با موارد استثنا نیز مواجه می باشد. در قانون مدنی به عنوان یکی از قوانین اصلی ایران، برخی از این موارد تصریح گردیده. برای مثال زن شوهردار اقامتگاهش تابع انتخاب شوهر^۴

^۱ این امر در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است

^۲ : هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر به متهم، ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، بلافاصله کتباً " دلایل، پرونده مقدماتی برای مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل مطابق قانون مجازات میشود.

^۳ احمدی طباطبایی، محمدرضا، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸، بهار ۸۸

^۴ ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی

میباشد و یا اقامتگاه و محل زندگی افرادی که صغر سنی دارند بوا سطره داشتن حجر حمایتی توسط والدین یا سرپرست قانونی آنان انتخاب میگردد.^۱ و یا برخی کارکنان دولتی مجبور به اقامت در محلی معین برای مدت زمانی خاص میباشند. افرادی که براساس قانون به تبعید از محل سکونت محکوم و به شهر یا مکان خاص تبعید شده باشند نمیتوانند در شهرهای دیگر سکنی گزینند. در اصل بیست و دوم قانون اساسی بیان شده است: حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند.

۴- اصل مصونیت مکاتبات و مراسلات

از سانها در بسیاری موارد حریم خصوصی خود را دارند. این امر از دیدگاه حقوق بشری نیز مورد تایید قرار گرفته است و یکی از اساسی ترین مصادیق حقوق بشر در راستای آزادی جامعه اطلاعاتی و ارتباطی محسوب میگردد. از حوزه های مهم حریم خصوصی ارتباطات است که به معنای مصون بودن و حفظ حرمت انواع ارتباطات شهروندان اعم از مراسلات، مخابرات، و مکاتبات از هرگونه دستیابی غیر مجاز مانند رهگیری، تفتیش، تخریب و یا شنود و استراق سمع می باشد. امکان پایش و موارد استراق سمع در شکلهای مختلف نظیر نامه، تلفن، فکس، وسایل ارتباطی رادیویی، اینترنت، ایمیل، رسانه های اجتماعی و... متصور است. تجسس در امورات دیگران در احکام اسلامی نیز به شدت نهی گردیده است. این اصل که جهت حفظ حقوق شهروندی و حفاظت از حریم خصوصی اشخاص است در اصل بیست و پنجم قانون اساسی تصریح گردیده. در اصل مزبور آمده است: بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

^۱ ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی

^۲ مواد ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ قانون مدنی

۵- آزادی تردد

آمد و شد بدون محدودیت و آزادانه توسط شهروندان در داخل کشور و یا خروج قانونی از کشور گرچه در قانون اساسی ایران مطرح نشده، از حقوق شهروندی بدیهی است. لکن میبایست توجه داشت که همچون سایر موارد این آزادی بدون قید و شرط نبوده و قطعاً قوانینی حاکم بر آن بوده و با استثنائاتی نیز مواجه خواهد بود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز بر این امر صحنه گذاشته شده است. ماده ۱۳ اعلامیه مذکور صریحاً آزادی تردد را برر سی نموده و حق ترک کردن کشور و سپس بازگشت به آن را تصریح کرده است. این حق بی تردید میتواند بر سایر حقوق متصوره شهروندی که در ر ساله حاضر برر سی گردیده تاثیر گذار باشد. برای مثال بدون داشتن حق ترک کشور ممکن است آزادی مذهب یا ازدواج و یا شغل با چالشهایی مواجه گردد. این حق عموماً برای دانشجویان، مهاجرین، پناهندگان و پناهجویان، مهاجرین و اشخاص بی وطن مد نظر قرار میگیرد.

۶- اصل آزادی انتخاب شغل

مفهوم اشتغال، معنای جدید و نوینی نیست. از دیرباز وجود داشته و بشر از بدو خلقت با کار مانوس بوده است. در شرایط فقدان شغل و حقوق مالی منبعت از آن، موارد اساسی چون مسکن، بهداشت، آموزش و بسیاری موارد با اهمیت دیگر به مخاطره خواهد افتاد. حق اشتغال و آزادی انتخاب آن در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بیان گردیده است. در موارد متعدد قانونی و بیانات مقامات کشور پرداختن به بحث اشتغال از اهمیت والایی برخوردار است. قانون اساسی نیز در این خصوص در اصل بیست و هفتم مقرر میدارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. بدیهی است انتخاب شغل آزادانه سبب انجام رضایتمندانه امور محوله و در نتیجه پویایی اقتصاد خواهد بود. در صورتی که دولت به هر دلیل قادر

به تحقق موارد پیش گفته نبا شد میباید است از افرادی که امکان اشتغال آنها فراهم نشده به نحوی حمایت های لازم را به عمل آورد.

۷- اصل منع تفتیش عقاید

تفتیش عقاید به معنی جستجو در باورهای افراد است که معمولاً موضع صاحب قدرت مردم را به دلیل باورهایی که به آن معتقدند بازخواست می نماید.^۱ اصل بیست و سوم تفتیش عقاید را به صراحت منع نموده است. در اصل مزبور آمده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. برخی از آنچه که مورد تفتیش قرار میگیرد عقاید دینی و مذهبی افراد است. در قانون اساسی راجع به آزادی عقیده و آزادی مذهب نیز سه اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم تدوین شده است. در این اصول مذاهب و ادیان به رسمیت شناخته شده اعم از اقلیتهای دینی مسلمان در ایران (مانند حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و زیدی) و همچنین اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته شده در اسلام شامل زردشتی، کلیمی و مسیحی بیان شده و نسبت به رعایت حقوقشان تاکید گردیده است. این اقلیتهای مد نظر قانونگذار مطابق اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی در انجام مراسم مذهبی و دینی برطبق تعالیم مذهبی خود آزاد و در احوال شخصیه نیز مطابق قوانین دینی خود عمل مینمایند.

۸- حق تظلم خواهی

هر انسانی که به او امر ناحقی روا شده حق تظلم خواهی دارد. این حق نیز در قوانین داخلی و اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است. در این خصوص اصل سی و چهارم قانون اساسی مقرر میدارد که دادخواهی از حقوق مسلم فردی و شهروندی تمام آحاد ملت است. در اصل مذکور آمده است: دادخواهی

¹ wikipedia

حق مسلم هر فرد است و هر کس میتواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمیتوان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را داراست منع کرد. همچنین حق انتخاب وکیل برای طرفین دعوی در همه دادگاهها در اصل سی و پنجم قانون اساسی پیش بینی شده است. این حق متمم حقوق قضائی شهروندی است. اصل برائت که در اصل سی و هفتم قانون اساسی از آن سخن به میان آمده است و کاملاً منطبق با تعالیم اسلام و از دیگر حقوق شهروندی مرتبط با حوزه قضائی است. در اصل سی و هفتم قانون اساسی آمده است: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. منع هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع در اصل سی و هشتم و منع هتک حرکت و توهین به کسی که به موجب قانون دستگیر، بازداشت یا زندانی شده است از اصول مهم و مترقی پیش بینی شده در قانون اساسی و در دفاع از حقوق فردی و انسانی است. در اصل سی و نهم قانون اساسی متخلفان از رعایت اصل مزبور مجرم و عمل آنان مستوجب مجازات دانسته شده است!

۹- حق تعلیم و تربیت

حق تعلیم و تربیت همواره یکی از بدیهی ترین حقوق متصوره برای شهروندان کلیه جوامع انسانی تلقی میگردد. این حق در زمره اصلی ترین حقوق بشر بخصوص در رده سنی کودکان قرار میگیرد. بدون برخورداری از این حق به نحو شایسته بشریت به کمال مد نظر نائل نخواهد شد. قطعاً به همین دلیل است که از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت بوده است. بطور قطع میتوان گفت هر قدر تعلیم و تربیت در جامعه ای جایگاه بالاتری داشته باشد فرهنگ والاتری در آن رشد خواهد کرد و بسیاری از مشکلات با رشد فرهنگ جامعه خود بخود مرتفع خواهد شد. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی در بند سوم از اصل سوم، آموزش و

^۱ احمدی طباطبایی، محمد رضا، حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸، بهار ۸۸

پرورش و تربیت بدنی رایگان برای تمام شهروندان در تمام سطوح را مقرر نموده است. همچنین تسهیل و تعمیم آموزش عالی در سرلوحه اقدامات دولت قرار داده شده است. همچنین در اصل سی ام قانون اساسی دولت مکلف شده است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد.

۱۰ - حقوق مربوط به آزادی اخبار و اطلاعات

اصل آزادی اطلاعات و اخبار به این معناست که کلیه فرآیند برقراری ارتباط، آزاد و مجاز است. این اصل شامل کلیه مراحل برقراری ارتباط از دسترس به اطلاعات گرفته تا انتشار آن میگردد. مطبوعات را رکن چهارم نظام دموکراسی یا مردم سالار دانسته اند. اصل بر آزادی است و محدودیتها استثنا میباشند و این استثنائات میبایست مضیق بوده و به شهروندان نیز اعلام گردد. در اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی از آزادی نشریات و مطبوعات جهت اطلاع رسانی به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد سخن به میان آمده و تفصیل آن به قوانین عادی مفوض شده است. همچنین در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است: «در رسانه های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات، طبق موازین اسلامی باید تأمین شود.

۱۱- آزادیهای سیاسی و اجتماعی

انسان ذاتاً آزاد آفریده شده است و طبیعی است که این آزادی را در حوزه های مختلف زندگی اش در اجتماع نیز مطالبه میکند. برخی آزادیهایی که در دوران مختلف انسانها در پی آن بوده اند از دسته آزادیهای سیاسی و اجتماعی است. آزادیهای سیاسی برخی حقوق و امتیازات است که سبب حیات سیاسی جامعه میگردد. مانند آزادی رقابت افکار و اندیشه ها، آزادی انتخابات و... در خصوص انواع آزادیهای اجتماعی نیز میتوان به آزادی بیان، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی عقیده، آزادی دین و مذهب، آزادی انتخاب شغل، همسر و مسکن و... اشاره نمود. در مورد فعالیت آزاد احزاب و آزادیهای سازمانی در اصل بیست و ششم قانون اساسی آمده است: احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادانه، مشروط به اینکه اصول

استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و یا اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. اصل بیست و هفتم قانون اساسی نیز تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها را بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد شمرده است.

۱۲- لزوم احترام به حق مالکیت

بی تردید یکی از اصول اساسی در هر کشور، احترام به مالکیت خصوصی است. حقوقی که افراد مختلف کسب میکنند میبایست توسط حکومتها محترم شمرده شود. حتی حقوق مکتسبه ی افراد در کشوری دیگر در مقررات داخلی و بین المللی مورد احترام است. تملک، انتقال و زوال حق از مهمترین پایه های قوانین مدون ایران و علی الخصوص قانون مدنی است. در تعالیم فقهی و حقوقی اسلام نیز بحث مالکیت مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته شده. حقوق مالی شهروندان در جامعه اسلامی محترم است و هیچ کس حق ندارد به آن متعرض شود. در اصل چهل و هفتم قانون اساسی آمده است: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند. در اصل چهل و ششم نیز تصریح شده است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است. هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید. همچنانکه در اصل چهلیم قانون اساسی با بهره گیری از قاعده فقهی و مسلم لاضرر به دفاع از حق مالکیت افراد و حدود اعمال آن پرداخته شده است. اصل مزبور مقرر میدارد: «هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

نکته شایان توجه اینکه با رشد روز افزون جوامع و صنعت و حوزه های پیچیده دیگر، مسائل جدیدی نیز در حوزه حقوق شهروندی هویدا میگردد. از جمله این موارد میتوان به بحث محیط زیست اشاره کرد که بدون شک از مفاهیم اساسی حقوق شهروندی است. چرا که تمامی ابعاد زندگی انسان را تحت الشعاع قرار میدهد.

اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز حفظ محیط زیست و پاسداری از آن به عنوان میراث و سرمایه طبیعی برای شهروندان فعلی و آتی را مورد تأکید قرار داده است.

۱۳- داشتن تابعیت و حق تغییر آن

تابعیت رابطه حقوقی و سیاسی افراد جامعه با حکومت و کشوری است که در آن زندگی میکند. تابعیت برای افرادی که در حمایت آن محسوب میشوند امتیازات و حقوقی خواهد داشت. تبعه یک کشور در رابطه اش با اتباع بیگانه و کشورهای دیگر این اطمینان را دارد که مورد حمایت دولت متبوع خود خواهد بود. تابعیت و تحقق آن در کشورهای مختلف تابع سیستمهای مختلف است. در ایران مطابق قوانین جاریه، سیستم خون، حاکم است و متولدین از پدر ایرانی، ایرانی تلقی میگردند. حق داشتن تابعیت در بند یک ماده ۱۵ و ممنوع بودن سلب خودسرانه تابعیت در بند دوم ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید واقع شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل چهل و یکم مقرر میدارد: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

گفتار اول : تکالیف شهروندی در قانون اساسی ایران

برای درک بهتر موضوع به نظر میرسد مقدمتاً بررسی اندکی در خصوص قانون اساسی در تشریح و قانونگذاری در کشورها برای رسیدن به جامعه متعالی و ایجاد بالاترین حد نظم و مناسبات اجتماعی ما را بر آن میدارد تا بیان نماییم در قانون اساسی قانونگذار در مقام بیان مهمترین موضوعات از قبیل حکومت و شکل آن و قوای تشکیل دهنده ی آن، بیان جهان بینی و مذهب رسمی کشور، روابط متقابل دولت و مردم و حقوق و مسئولیتهای

^۱ تابعیت عمدتاً مبتنی بر دو سیستم است: سیستم خون و سیستم خاک

ایشان نسبت به یکدیگر، که در واقع بیان حقوق ملت می باشد را مد نظر داشته. در این راستا موضوع پرچم و قلمروی زمینی و جغرافیایی و بسیاری موارد دیگر را نیز نباید از نظر دور داشت.

قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران نیز با همین روش تحت فصل جداگانه ای با عنوان حقوق ملت سعی در تشریح و تشریح حقوق مردم و مسئولیتهای ایشان در روابط دوجانبه با دولت نموده است. با این توضیح که قانونگذار با در نظر گرفتن حقوق و در برابر آن مسئولیت برای دولت و ملت، روابط متقابلی را برای هر دو آنها رقم زده و بیان نموده است. حق و تکلیف دو روی یک سکه میباشند که در جوامع بشری همواره مورد توجه قانونگذاران بوده و در مکاتب فکری نیز حق و تکلیف همواره بیان کننده ی نوعی توازن اجتماعی بوده و دارای کارکردهای عملی جهت دستیابی به شرایط همواره بهتر بوده است. بنابر قانون اساسی ایران و در ذیل فصل حقوق ملت افراد حقیقی که تابعیت ایرانی دارند از حقوق شهروندی بهره مند بوده و به عبارتی حقوق شهروندی، سبب میشود یک شهروند از تمامی حقوق شهروندی برخوردار گردد.

تابعین یک کشور به دو دسته کلی اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم میگرددند و در این تقسیم بندی اشخاص حقوقی از حقوق شهروندی بهره مند نمیگردند. لازم به ذکر است اشخاص حقیقی از حقوق شهروندی برخوردارند و در مقابل دارای تکالیف و مسئولیتهایی نیز در قبال دولت میباشند.

بهره مندی از حقوق شهروندی به معنای بهره مندی از حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی و حقوق مدنی بوده و همواره دکتترین حقوقی در این زمینه به این سه دسته از حقوق تعلق داشته و در مقام توضیح و تفسیر آن بر می آیند. بدیهی است در مقابل حقوق فوق تکالیفی بر عهده شهروند می باشد که در برخی از اصول قانون اساسی بدان اشاره گردیده و مصادیق آن به شرح ذیل میباشد.

بند اول- مصادیق تکالیف شهروندی

حق و تکلیف دو مفهوم هستند که وجود هر دو برای اشخاص حقیقی که از حقوق شهروندی برخوردار میباشند بطور همزمان نوعی تضاد را به نمایش میگذارند. بدین توضیح که شخص شهروند صاحب حقوق شهروندی همانگونه که در بهره مندی از حقوق شهروندی صاحب حق و حقوقی میگردد؛ مانند حق استفاده از وسایل نقلیه عمومی در مقابل دارای مسئولیت و تکلیف محافظت از وسایل نقلیه عمومی و عدم آسیب رساندن به وسایل نقلیه عمومی نیز میباشد. همانگونه که هر شهروندی حق استفاده و بهره مندی از فرهنگسراها را دارد تکلیف سالم نگه داشتن و پاسداری و صیانت از فرهنگ را نیز به عهده میگیرد. البته این مثالها جهت تبیین موضوع میباشند و در این مقال ما در مقام بررسی تکالیف حقوق شهروندی در قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران به موارد وجود حقوق و تکالیف مندرج در اصول قانون اساسی خواهیم پرداخت. همواره حقوق ملت در قالب حقوق شهروندی که در زمینه های مختلف تشریح گردیده برای ایجاد نظم عمومی و ایجاد هنجارهای اجتماعی و مدنی به منصف ظهور رسیده است و به نوعی به رابطه مردم و دولت پرداخته و به تبیین این مسیر دو طرفه می پردازد. هر شهروندی صاحب حقوق و تکالیفی میباشد. دولت نیز متقابلاً حقوق و تکالیفی دارد. شاید بتوان گفت حقوق ملت در برابر دولت در برگیرنده ی تکالیف دولت در قبال ملت بوده و تکالیف مردم در برابر دولت در واقع حقوق دولت در برابر ملت به شمار می آید. مثلاً پرداخت مالیات توسط هر شهروند که جزو تکالیف ایشان به شمار می آید در واقع جزو حقوق دولت بوده و به همین دلیل تعرض به حقوق دولتی جرم محسوب و پیگرد قانونی خواهد داشت. و همینطور بالعکس. آنچه جزو تکالیف دولت نسبت به مردم به حساب می آید به نوعی جزئی از حقوق مردم بوده و وجود این رابطه به نوعی بین دولت و مردم در قانون اساسی ایران مشهود میباشد.

در تقسیم بندی تکالیف حقوق شهروندی میتوان به تقسیم بندیهای متعددی اشاره نمود. مثلاً تکالیفی که شهروندان میبایست در قالب جمعی نسبت به انجام آن قیام نمایند. مانند حضور در مجامع یا تشکیل گروهها و هیئت امنای مساجد. و تکالیفی که شهروندان میبایست بطور فردی نسبت به انجام آن اقدام نمایند مانند پرداخت مالیات و انجام دوره نظام وظیفه.

تقسیم بندی نوع دیگر از منظر مخاطبین تکلیف میباشد. بعضی فراخوانها عمومی بوده و شامل همه افراد شهروند میباشد. مانند رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی. برخی فراخوانها نیز تکلیفی را شامل برخی افراد میکنند. مانند خدمت سربازی. با دقت و بررسی میتوان به این نتیجه رسید که از منظرهای گوناگون میتوان دست به تقسیم بندی های موضوعی، جنسی، زبانی و بسیاری از متغیر های گوناگون اقدام نموده و تدقیق خاصی را بر موضوع جاری نمود. قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران در اصل نوزدهم تمام مردم ایران را از هر قوم و نژاد که باشند را حتی با اختلاف در زبان، نژاد و غیره برابر تلقی و از حقوق برابر برخوردار نموده است و به دنبال آن در اصل بیستم یکسان بودن همه افراد ملت اعم از زن و مرد را مدنظر قرار داده و برابری و بهره مندی همگان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با رعایت موازین اسلامی تجویز نموده است. اصل بیست و یکم از موارد وجود حق و ایجاد حق برای مخاطبین خاص است و به صراحت در مقام بیان حقوقی برای زنان در جامعه اسلامی بوده که با تکلیف نمودن به دولت برای ایجاد زمینه های مساعد و یا ایجاد دادگاه صالح برای حفظ و کیان خانواده و یا ایجاد بیمه خاص و سایر موارد مندرج در اصل بیست و یکم قانون اساسی به تشریح آن پرداخته است. با مذاقه در اصل بیست و دوم نیز این نکته آشکار میگردد که همه شهروندان از تعرض مصون اند و جان، مال، حقوق، مسکن و شغل ایشان محترم است. مگر در مواردی که قانون استثنا نموده باشد. سپس در اصل بیست و سوم یکی از اصول پیشرفته در جهان امروز را در قالب اصلی از اصول قانون اساسی آورده و بیان نموده صرف داشتن عقیده نمیتواند دستاویزی برای مواخذه و محاکمه کسی در جامعه گردد و تفتیش عقاید افراد و شهروندان از منظر قانون ممنوع اعلام شده است.

در اصل بیست و چهارم به بحث اعطای حقوق نشریات و صاحبین رسانه و آزادی ایشان در بیان مطالب پرداخته شده و خط قرمزی نیز ترسیم نموده است و آن اینکه وارد آوردن خلل به مبانی اسلام و یا حقوق عامه مردم و اشاعه آن ممنوع است و تفصیل این امورات نیز به قوانین مربوطه احاله گردیده.

ورود به حیطة خصوصی افراد و شهروندان به هر شکل از افشای اسرار، گوش دادن به مکالمات، تجسس در زمینه های مختلف از طریق نفوذ در پست، تلگراف، تلفن در اصل بیست و پنجم قانون اساسی ممنوع گردیده است.

کمی بعدتر در اصل بیست و ششم فعالیت های جمعی در قالب های شناخته شده در دنیا مانند تشکیل حزبها و انجمن ها و اصناف و همچنین فعالیت های اقلیتهای دینی شناخته شده در این زمینه ها آزاد و از حقوق مسلم شهروندان دانسته شده و تاکید گردیده شهروندان در استفاده از این حق کاملاً آزاد و مختار میباشند و به هیچ عنوان نمی توان کسی را مجبور به ورود و یا خروج از این فعالیتها نمود. اصل بیست و هفتم نیز حق تشکیل اجتماعات شهروندی و بطور خاص راهپیمایی که منجر به درگیریهای مسلحانه نگردد را از حقوق شهروندی دانسته و با شرط عدم ایجاد اخلال در جامعه و مبانی اسلامی، آزاد تلقی نموده است.

در اصل بیست و هشتم قانون اساسی نیز که از موارد مشهود رابطه ی حق و تکلیف میان مردم و دولت میباشد به صراحت در قسمت اول، اصل اعطای حق داشتن شغل برای شهروندان و بلافاصله در قسمت دوم ایجاد زمینه های شغلی و شرایط مساوی برای آن را از وظایف و تکالیف دولتها دانسته است.

اصل بیست و نهم اعطای حقوق خاص به مخاطبین خاص را به منصفه ظهور رسانده و از کار افتادگان، بی سرپرستان و پیری و بیکاری را از موارد مشمولیت حمایت های خاص دولت و تامین اجتماعی عنوان نموده است.

در اصل سی ام، آموزش و پرورش رایگان از ابتدا تا پایان دوره متوسطه و پرداختن به تحصیلات عالی تا حصول خودکفایی را بیان میدارد و در واقع اعطای حق تحصیلات رایگان را از حقوق شهروندان تلقی نموده است.

حق بهره مندی از مسکن در شان و مناسب شهروندان و خانواده ها و انتخاب آزادانه در اصل سی و یکم قانون اساسی بیان گردیده. البته اصل سی و سوم نیز در تکمیل حق اعطایی در اصل سی و یکم در رابطه با محل اقامت و بیرون کردن شهروند از محلی که خواهان زندگی کردن در آن است با ایجاد ممنوعیت برای زندگی در محل موردعلاقه را بیان داشته و حق آزادی در این مطلب را به شهروندان اعطا میکند.

اصل سی و دوم یا در واقع اعطای حق مصونیت قضایی شهروندان با بیان این اصل بر این امر صحنه میگذارد که آزادی و حق برخورداری از رسیدگی عادلانه قضایی حق مسلم شهروندان دانسته شده است.

از اصل سی و دوم تا اصل سی و نهم مفاهیم مربوط به بیان حقوق قضایی اعطا شده به شهروندان بوده و در قالب حقوق مسلم مانند حق دادخواهی و اعطای آن، اصل برائت و جاری شدن آن، حق انتخاب وکیل، ممنوعیت شکنجه و اعمال فشار و زور در فرآیند دادرسی، جلوگیری از هتک حرمت و حیثیت افراد، به آنها پرداخته میشود.

البته متعاقباً قانونگذار در قالب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در تبیین و بسط و گسترش اصول سی و دوم الی سی و نهم قانون اساسی اقدام به تصویب قانون نموده و سعی کرده بطور کامل از این حقوق شهروندی تحت لوای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی صیانت نموده و منویات خود را به اجرا در آورد. اصل چهلم قانون اساسی نیز در مقام بیان حدود و مرزهای اعمال حق توسط شهروندان برآمده و استیفای حقوق شهروندی را به هر شکل تا جاییکه موجب بروز خسارت برای اشخاص دیگر نگردد یا اضرار به منافع عمومی وارد نسازد. ترسیم چنین مرزی برای شهروندان توسط قانونگذار

در واقع حدود مطمئنه اعمال حق توسط شهروندان را تبیین می نماید. اصل چهل و یکم و چهل و دوم نیز در خصوص اعطای حق تابعیت به کلیه افراد برآمده و در نظر داشتن این حق را بطور استثنایی و در چارچوب قانون برای افراد خارجی نیز شناسایی نموده است. البته شرایط سلب این حق نیز در موارد کلی و اساسی بیان گردیده است. شایان ذکر است قوانین خاص در مورد تابعیت و شرایط اخذ آن و سلب تابعیت و اقامت و دیگر موارد مربوطه نیز وجود دارد که بصورت تکمیلی در ایران در حال اجراست.

بطور خاص باید اذعان کرد علاوه بر فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که موارد متعددی از حقوق شهروندی و تکالیف شهروندی را خاطر نشان کرده، فصل چهارم در اقتصاد و امور مالی و فصل پنجم حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن نیز به بیان حقوقی برای ملت و تکالیفی در مقابل برای ایشان برآمده که ذکر نکاتی چند از حقوق و تکالیف عمده و اساسی ضروری می نماید .

۱- حفظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی.

۲- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان.

۳- حفاظت از انفال و دارایی های عمومی .

۴- تصریح به این مطلب که هر شخص مالک دسترنج خویش است.

۵- مالکیت مشروع شخصی محترم و در پناه قانون است.

۶- تکلیف دولت در مبارزه با ربا، غصب، رشوه و سرقت و قمار و نحوه برخورد با این موارد .

۷- حفاظت از محیط زیست که وظیفه عمومی تلقی گردیده و بطور خاص نیز حفاظت از محیط زیست از

وظایف دولت بوده و قانون خاص نیز آنرا تبیین نموده و از آن دفاع می نماید.

۸- پرداخت مالیات که جز تکالیف شهروندی بوده و تبیین کلیات مربوط به آن .

۹- گذراندن خدمت وظیفه عمومی برای مخاطبین خاص جهت آمادگی کشور برای دفاع از مرزهای

جغرافیایی و...

۱۰- منع تصدی بیش از یک شغل دولتی .

۱۱- استفاده از زبان فارسی در مکاتبات رسمی و آموزش زبان عربی .

۱۲- امر به معروف و نهی از منکر .

۱۳- شرکت در تعیین حق سرنوشت ضمن داشتن حق مشارکت در امور سیاسی و عمومی کشور در واقع

شرکت در کلیه انتخاباتی که در کشور برگزار میشود .

البته باید توجه داشت قانون اساسی در مقام بیان حقوق و اصول اساسی و بنیادین در روابط دو جانبه ملت و دولت به وضع قانون پرداخته و تردیدی در پذیرش این واقعیت وجود ندارد که تمام حقوق و تکالیف مردم و شهروندان و همچنین دولت در قانون اساسی بیان نگردیده است و بسیاری از حقوق و تکالیف و وظایف دو طرفه میان مردم و دولت در سایر قوانین بطور خاص بیان گردیده و به تصویب رسیده است و چه بسا با پیشرفت روزافزون علم و جامعه و سیاست همواره قوه مقننه در مقام قانونگذار متر صد قانونگذاری و رشد و توسعه قانون نویسی و تشریح و تشریح قوانین و ایجاد هنجارهای هرچه بهتر و بیشتر برای داشتن جامعه ای سالم و پویا میباشد.

مبحث دوم - حقوق شهروندی در سند چشم انداز

مطابق سند چشم انداز، جامعه در افق بیست ساله باید به سوی جامعه ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات

فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر:

- مردم سالاری دینی

- عدالت اجتماعی

- آزادیهای مشروع

- حفظ کرامت و حقوق انسان ها

- بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی

باید سرلوحه این حرکت متعالی باشد.

هر شهروند ایرانی، مستنداً به سند فوق الاشعار در سال ۱۴۱۴ باید فردی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند و برخوردار از امکانات زیر باشد:

الف- رفاه ملی : (که مصادیق آن عبارتند از: سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی و فرصتهای برابر، توزیع

مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب)

ب- امنیت ملی : (امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم

و حکومت)

ج- تولید ملی: (برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی

و سرمایه اجتماعی در تولید ملی)^۱

^۱ گزارش مرکز پژوهشهای مجلس، جلد ۱،

مبحث سوم - حقوق شهروندی در قانون برنامه پنجم توسعه

مسائل مربوط به حقوق شهروندی از همان قانون برنامه اول توسعه مورد توجه قرار گرفت و همواره رویکرد قوانین توسعه، روندی رو به رشد داشته است. لیکن این مساله در قانون چهارم و قانون پنجم دارای جایگاه ویژه ای گردید. اهم موارد مورد توجه در قانون برنامه پنجم توسعه در توضیحات ذیل ذکر تصریح می گردد:

الف - قوه قضائیه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضائی، استانداردها، سازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوایح قضائی مورد نیاز را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

ب - در اجرای بند ۱۲ سیاستهای کلی نظام در امور قضائی نیازهای قوه قضائیه در زمینه های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی در طول برنامه به نحوی تأمین گردد که سالانه ده درصد (۱۰٪) پستهای بلا تصدی مصوب موجود در پایان سال ۱۳۸۸ تکمیل گردد.

تبصره - سقف جذب قضات سالانه تا ۸۱۱ نفر است.

ج - در اجرای بندهای ۱، ۶، ۸، ۱۱ و ۱۲ سیاستهای کلی نظام در امور قضائی، قوه قضائیه موظف است اقدامات زیر را در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده ها را انجام دهد:

۱- تقویت و سازماندهی نهادهای نظارتی از جمله دیوان عالی کشور بر عملکرد محاکم و کارکنان قضائی و

اداری جهت افزایش دقت در انجام امور محوله

۲- تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضائی در جهت توانمند سازی و آموزش تخصصی آنان، تا پایان

سال اول برنامه

تبصره - کلیه دستگاههایی که به نحوی ضابط قوه قضائیه میباشند مکلفند با درخواست قوه قضائیه نسبت به اجرای آموزشهای تخصصی مربوطه زیر نظر قوه قضائیه اقدام نمایند.

د - به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضائی، اصلاح رفتار حقوقی و قضائی مردم، نهادینه سازی فرهنگ قانونمداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام میشود:

۱- آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضائیه از طریق صدا و سیما

۲- آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی،

محیط زیست، بانکی، بیمه ای و مشابه آن توسط دستگاههای ذیربط از طریق صدا و سیما

۳- پیش بینی مواد درسی لازم برای آموزشهای مذکور در دوره های راهنمایی تحصیلی و متوسطه

تبصره - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است در اجرای بند های ۱ و ۲ زمان مناسب را برای پخش برنامه هایی که در این خصوص توسط قوه قضائیه، دستگاههای مربوطه یا آن سازمان تهیه میشود، اختصاص دهد.

۴- قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه تربیتی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص،

آراء صادره از سوی محاکم به صورت بر خط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب نظران و متخصصان قرار گیرد.

مبحث چهارم- قانون حفظ آزادیهای مشروع و دستور العمل اجرایی آن

این قانون در ابتدا بصورت بخشنامه ریاست قوه قضاییه تدوین گشت و سپس در ۸۳/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی طرحی بنام قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بصورت ماده واحده ای با ۱۵ بند به تصویب رساند که در آن ضمن ذکر حقوق شهروندی بر حفاظت و حمایت از آنها تاکید شده است . قانون مزبور در واقع نکته خاصی را بر قوانین قبلی اضافه نکرده است.

در حالی که این ماده واحده می توانست نقطه عطفی در نظام قانونگذاری و اجرای اصول قانون اساسی باشد، لکن متاسفانه به دلایلی که در قسمت بعدی شرح آن خواهد آمد ، کلی ، مبهم و ناقص می باشد. در بررسی مفاد آن روشن می گردد که این ماده واحده تکرار مفاد سایر قوانین بصورت ناقص می باشد .

در متن ماده واحده آمده است :از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی ،انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطین قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد. در ماده واحده مراجعی که مورد نظر و هدف این قانون هستند ذکر شده اند، در صورتی که حقوق و آزادیهای شهروندان ممکن است بوسیله هر مرجعی اعم از قضایی و غیر قضایی مورد تعدی قرار گیرد. چرا که حقوق شهروندی عام و کلی بوده و صرفا مظنونین و متهمین نیستند که از حقوق شهروندی برخوردار هستند بلکه هر شهروندی که در محدوده سرزمین ایران قرار دارد حقوق و آزادیهایش محترم و مورد حمایت است و حتی هر ایرانی در خارج کشور به صرف تابعیت ایران مورد حمایت می باشد و بر این اساس این قانون بر سایر سازمانها و نهادها و اشخاص که نامی از آنها برده نشده حاکمیت ندارد و این بزرگترین و اولین نقص آن می باشد. متاسفانه علت این سبک قانونگذاری هم این است که همیشه در شرایط خاصی قوانینی به تصویب می رسد که بعد ها کمتر مورد توجه و عمل واقع می گردند.

با مذاقه در مفاد بندهای پانزده گانه این ماده واحده مشخص می‌گردد که این ماده واحده ارتباط ضعیفی با عنوان کلی حقوق و آزادی های شهروندان دارد. با توجه به مفاد آن که در جهت حمایت از مظنونین و متهمین می باشد شایسته تر بود تحت عنوان قانون حفظ حقوق متهمین به تصویب می رسید. به این ترتیب هم با مفاد آن رابطه داشت و هم با دستگاههای مربوطه. نه اینکه تحت عنوان قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب برسد در حالیکه که در بر گیرنده تمام حقوق و سازمانها نباشد. به هر حال به نظر می رسد که بطور کلی ایرادات زیر بر این قانون وارد است:

۱- کلی و عام بودن عنوان ماده واحده و عدم ارتباط با مفاد.

۲- عناوین ذکر شده صرفاً حقوق متهم می باشد.

۳- مراجع ذکر شده محدود بوده در حالی که حقوق و آزادیها به تمام مراجع دولتی و غیر دولتی مرتبط بوده است.

۴- عدم ذکر حقوق و آزادی های مشروع بصورت کامل.

۵- عدم ذکر ضمانت اجرای مستقل و ارجاع به سایر قوانین .

البته این قانون با تمام نواقصی که ذکر شد در نوع خود قانونی با عنوانی مترقی بوده و برخی مسائل ذکر شده در آن جدید می باشد. بعنوان مثال مطالب ذیل الذکر :

بند ۱- جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت

بند ۴- رعایت اخلاق و موازین شرعی در تحقیقات

بند ۵- اطلاع به خانواده دستگیر شدگان

بند ۶- منع تحقیر و ایزائی و بستن چشم و اعضاء و ترساندن

بند ۷- منع بازجویان از مخفی کردن خود و یا بازجویی در اماکن نامعلوم

بند ۱۰- تاکید بر تحقیق با استفاده از اصول علمی و به و سیله مامورین تعلیم دیده

بند ۱۱- منع کنجکاوی در اسرار شخصی مردم

بند ۱۳- نظارت بر رفتار مامورین

بند ۱۴- منع مداخله در اموال توقیف شده

در قسمت بعدی انتقادات وارد بر قانون مذکور به نحو مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول- انتقادات وارد بر قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی

قانون اساسی در اصول متعددی مصادیقی از حقوق شهروندان را بیان و از آن حمایت می کند. از آن جمله می توان به اصول ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۶ اشاره کرد که به ترتیب بیان کننده برابری افراد ملت، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی شغل، برخورداری از تامین اجتماعی، برخورداری از آموزش و پرورش، حق مسکن، حق دادخواهی، حق داشتن وکیل و اصل برائت می باشند. اما متأسفانه پس از تصویب قانون اساسی در عمل نقض متعدد حقوق مصرح در این قانون بسیار اتفاق افتاده است. پس از گذشت سال ها و با توجه به نحوه احضارها، بازداشت ها، صدور احکام و اجرای آن ها قانونگذار بر آن شد تا برای حمایت از حقوق شهروندی و اجرای اصول قانون اساسی به تصویب قانونی در حمایت از حقوق شهروندی بپردازد. اما به نظر می رسد که کار اصلی مقنن در این قانون تکرار دوباره اصول قانون اساسی و سایر قوانین موجود در حمایت از حقوق شهروندی

بوده است. بدون آنکه ضمانت اجرای مشخص و معینی در جهت صیانت از این قانون معین نماید. نقض متعدد حقوق شهروندی در سال های پس از تصویب این قانون شاهد این مدعاست.

بند ۱- کشف و تعقیب و تحقیق از جرائم و صدور قرارها باید مبتنی بر قانون و دستور قضایی شفاف باشد و از اعمال قدرت و سلیقه جلوگیری شود. مفاد این بند در اصول ۲۲-۳۲-۳۸-۳۹ ق.ا و مواد ۳۷-۳۸-۳۹-۱۲۴-۱۲۷ و ۱۳۴ ق.ا.د.ک و مواد ۹۳ و قانون احیاء دادرها و مواد ۵۷۰-۵۷۸-۵۷۹ و ۵۸۳ ق.م.ا آمده بود.

بند ۲- محکومیت ها باید بر اساس قانون و مستدل و مستند باشد و صرفا در مورد مباشر و معاون و شریک جرم اعمال گردد. و در نبود قانون اصل بر برائت است. مفاد این بند در اصول ۳۶-۳۷-۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی و مواد ۵۷۵ و ۵۸ و ۵۹۷-۶۰۵ ق.م.ا و مواد ۵-۵۴-۵۵-۵۶ و ۲۱۴ ق.ا.د.ک ذکر شده است.

بند ۳- محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. مفاد این بند در اصول ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی و مواد ۷۸ الی ۹۵-۱۲۸ و ۱۸۵ الی ۱۸۷ ق.ا.د. آمده است. این در حالی می باشد که برای حفظ حقوق متهم بهتر بود که حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی لحاظ گردد. امری که در سالهای بعد در قانون آیین دادرسی کیفری ملحوظ گردید.

بند ۴- تاکید بر رعایت اخلاق و موازین اسلامی با مرتبترین پرونده ها اعم از شاکی و متهم و غیره که مفاد این بند در اصول ۲۲ و ۳۹ ق.ا و مواد ۴۳-۲۲۱ و ۲۲۳ ق.ا.د.ک بیان شده است.

بند ۵- منع دستگیری و بازداشت افراد مگر به حکم قانون و تعیین تکلیف آنها در مدت معین و اطلاع به خانواده آنها. مفاد این بند در اصول ۳۲-۳۶ و ۳۷ ق.ا و مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ ق.م.ا و مواد ۱۸-۲۰-۲۱-۲۴-۳۶-۳۸-۱۱۹-۱۲۳-۱۲۴ و ۱۲۵ ق.ا.د.ک و ماده ۳ قانون احیاء دادرها آمده است.

بند ۶- ممنوعیت ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء تحقیر و استخفاف به آنان در مراحل دستگیری و تحقیقات. مفاد این بند در اصول ۳۸ و ۳۹ ق.ا و مواد ۵۷۸ و ۵۷۰ ق.م.ا بیان شده است.

بند ۷- مشخص بودن بازجویان و مکان بازجویی و عدم انجام امور خلاف قانون. که مفاد آن در اصول ۳۸ و ۳۹ ق.ا و مواد ۵۷۸ و ۵۸۳ ق.م.ا آمده است. بندهای ۷ این قانون بر ممنوعیت شکنجه تاکید دارد و مصادیق شکنجه را ذکر نموده اند.

بند ۸- بازرسی و معاینات و تفتیش از اشخاص و اماکن باید با مجوز و رعایت مقررات بدون تعرض به اشخاص و اموال انجام گیرد، و منتهی به افشای مفاد اسناد و مدارک نگردد. مفاد این بند در اصل ۲۵ ق.ا و مواد ۷۸-۷۹-۹۶-۹۷-۹۸-۱۰۰-۱۰۳ و ۱۰۴ ق.ا.د.ک آمده است.

بند ۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار ممنوع و فاقد ارزش قضایی و قانونی است. اصول و مواد قانونی مرتبط با این بند در بندهای ۷۶ بیان شده است و در واقع این سه بند یک منظور دارند و آنهم این است که شکنجه به هر شکلی ممنوع است.

بند ۱۰- انجام تحقیقات و بازجویی مبتنی بر قانون و اصول علمی بوسیله افراد آموزش دیده و تحت نظارت باید انجام شود. مفاد این بند در اصل ۱۳۶ ق.ا و مواد ۱۵-۱۶-۱۷-۱۸ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۱ ق.ا.د.ک آمده است.

بند ۱۱- تحقیق و بازجویی های مرتبط با پرونده و منع از تجسس بی مورد از افراد. تکرار مفاد مواد ۱۲۹-۱۹۷ و ۲۰۵ ق.ا.د.ک می باشد.

بند ۱۲- ثبت پا شخهای اشخاص به همان نحوی که بیان می شود. ماده ۱۳۱ ق.ا.د.ک و مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ ق.م.ا بر این امر تاکید دارند.

بند ۱۳- نظارت بر مامورین بازداشته‌گاهها و مامورین ضابط و دستگاههای مربوطه. مواد ق.ا.د.ک و ۳ قانون احیاء دادرها و مواد ۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۹-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵ و ق.م.ا بر این امر تاکید دارند.

بند ۱۴- منع تصرف در اموال توقیفی و حفاظت و نگهداری از آنها و استرداد به موقع و مطابق قانون و یا ضبط آنها و منع استفاده شخصی. مفاد این بند در ماده ۱۱ ق.م.ا و مواد ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۱۱ ق.ا.د.ک آمده است.

بند ۱۵- تعیین هیاتی از جانب رئیس قوه قضائیه برای نظارت بر این قانون و همکاری دستگاه های مربوطه. این بند در راستای اصل ۱۵۶ قانون اساسی می باشد.

از نقایص دیگر این قانون می توان به عدم وجود تعریفی مشخص و دقیق از حقوق شهروندی اشاره کرد. به نظر می رسد که قبل از مصوب نمودن هر گونه آئین نامه و بخشنامه ای در جهت حمایت از حقوق شهروندی مقنن باید تعریفی دقیق از حقوق شهروندی ارائه دهد، تا بدینوسیله شهروندان هر چه بیشتر با حقوق خود آشنا شوند و راه صیانت از آن هموارتر گردد. حراست و حمایت از حقوق شهروندی در صورتی عملی و قابل اجرا است که ابتدا تعریفی دقیق، روشن و مشخص از آن به جامعه ارائه و سپس مصادیق آن البته با لحاظ نمودن قانون اساسی معین گردد. این در حالی است که در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی هنوز تعریفی دقیق از آن ارائه نشده است.

یکی از مصادیق حقوق بشر و شهروندی در نظام های معاصر حق محاکمه بموجب قانون و در محکمه صالح می باشد. این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و ششم بدین گونه بیان شده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». این اصل که یکی از اصول بدیهی حقوق جزا می باشد در حقوق جزای عمومی به عنوان قانونی بودن جرائم و مجازات ها نام بررسی می شود. مقنن میبایست از قبل اعمال نامشروع و مستوجب کیفر را مشخص نماید و با ذکر مصادیق و میزان مجازات هر یک از آن ها، آن را به شهروندان ارائه دهد تا هر فردی در جامعه به حدود و ثغور خودآگاهی داشته

باشد، بداند چه عملی نامشروع است و در صورت ارتکاب چه عقوبتی در انتظار او می باشد. قانون جزا مجموعه ای مدون و مشخص است که در آن جرائم و مجازات ها به صورت مدون و مکتوب تعیین شده است. در نتیجه هر کسی را به هر عنوانی نمی توان محکوم کرد و در صورت محکومیت مجازات او قبلاً در قانون معین شده است و نمی توان از حداقل ها و حداکثرهای قانونی تخطی کرد. این خصوصیت قوانین یعنی مدون و واحد بودن آن ها در اجرای عدالت در میان شهروندان و جلوگیری از اعمال تبعیض در میان آنها نقش اساسی و مهمی را ایفا می کند. بدین خاطر است که در قرن هجدهم پس از تحولات ناشی از انقلاب صنعتی و گرایش به سوی مردم سالاری، دستورگرایی به شدت رواج یافته و حتی در نظام های عرفی و کامن لا در موارد بسیاری قانون مدون و واحد جایگزین قواعد عرفی گردید. لکن بنظر میرسد در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی قانونگذار این اصل بدیهی را نادیده انگاشته و با این کار زمینه اعمال تبعیض میان شهروندان را فراهم می آورد. در بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ چنین عنوان شده است: «محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت است و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد» مشاهده می شود که قانونگذار به دادرسی اجازه داده است که در مقام صدور حکم در صورت نبودن قانون، منابع معتبر فقهی را مستند حکم خود نماید. با توجه به پراکنده بودن منابع فقهی وجود اختلاف نظر میان فقها در خصوص جرائم و مجازات ها این مقرره ق بیش از آنکه موجب فصل خصومت و برقراری نظم در جامعه گردد، با ایجاد تشکیک در آراء و اعمال تبعیض میان شهروندان موجب نقض حقوق آنان و ایجاد نابرابری در جامعه می گردد. در تفسیر اصل ۱۶۷ قانون اساسی تصریح شده که استفاده از منابع فقهی معتبر در صورت نبودن قانون تنها برای دادرسی های حقوقی است و در امور کیفری باید تنها به قانون اکتفا نمود و بسط کاربرد منابع فقهی

معتبر به امور کیفری با اصل برائت و اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها مغایرت خواهد داشت. مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

احترام به حقوق شهروندان میسر نمی شود جز با همکاری دولت و مردم، هم مردم باید به حقوق همدیگر احترام بگذارند و هم این دولت و تمام دستگاههای حکومتی می باشند که باید حقوق شهروندان را رعایت و به پاسداری از آن بپردازند. همان گونه که قوه قضائیه می تواند با عدم رسیدگی به اختلافات مردم یا دادرسی ناعادلانه حقوق مردم را پایمال کند. قوه مقننه هم می تواند با اعمال خود همچون تصویب قوانینی نادرست زمینه نقض حقوق شهروندان را فراهم آورد. در میان قوای سه گانه قوه ای که بیشتر ارتباط را با مردم داشته و در نتیجه می تواند بیشترین سهم را در نقض حقوق آنان داشته باشد قوه مجریه است. بنابراین انتظار می رود که قانونی که در جهت احترام و حفظ حقوق شهروندان تدوین می گردد تمام دستگاه های دولتی را دربر گرفته و مؤظف به رعایت آن کند. این در حالی است که قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تنها ناظر بر قوه قضائیه و تشکیلات این قوه می باشد. و این انتقاد به قانون مزبور وارد است.

طبیعی است که یکی از ویژگی ها و خصیصه هایی که یک مجری و ناظر اجرای قانون باید داشته باشد بی طرفی و ذی نفع نبودن اوست. در غیر این صورت عدم بی طرفی مجری قانون و ذی نفع بودن او در اجرای قانون می تواند موجب نقض غرض و عدم اجرای قانون گردد. بدین خاطر است که اصول قانون اساسی و قواعد حقوق بین الملل از ضمانت اجرای چندان محکمی برخوردار نبوده اند. در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی جهت حسن نظارت بر اجرای قانون مذکور پیش بینی شده است که در سطح استان هیات نظارتی مرکب از حداکثر پنج نفر قاضی دادگستری، سازمان قضائی نیروهای مسلح، دفتر بازرگانی کل کشور و نماینده دادرسی انتظامی قضات بعنوان «هیأت بازرسی و نظارت استان» تشکیل شود تا وظیفه نظارت و بازرسی را در جهت اجرای قانون مذکور بر عهده داشته باشند. بنظر میرسد یکی از اشکالات وارد بر ساختار هیأت نظارت

و بازرسی استان عدم بی طرفی اعضای این هیأت می باشد. زیرا اعضای آن خود داخل در سازمان قوه قضائیه می باشد. بنابراین جهت رفع اشکال مزبور بهتر است اعضای این هیأت را افرادی خارج از قوه قضائیه هم چون نمایندگان مجلس و اساتید بی طرف دانشگاه تشکیل دهند.

مبحث پنجم-منشور حقوق شهروندی

بطور کلی همواره حقوق شهروندی از مباحث مورد توجه حقوقدانان و دانشمندان در کشورهای مختلف بوده است و بسیاری از حکومت‌ها متناسب با بحث‌های جهانی و به تبع ساختار و گرایش‌های حقوقی - سیاسی خود در ایجاد زمینه‌های تحقق آن، کوشیده‌اند. شناسایی و تضمین این حقوق براساس اصل سوم، ششم، پنجاه و ششم و همچنین فصل حقوق ملت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح قرار گرفته است. در این راستا منشور حقوق شهروندی که در ۱۲۰ ماده و با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم گردید.

منشور حقوق شهروندی به صورت متن پیش نویس غیر رسمی در آذر ماه ۱۳۹۲ منتشر گردید. با بررسی شرایط قانونی و اجرایی کشور نباید این امر را مغفول داشت که منشور حقوق شهروندی برای اجرایی شدن باید تبدیل به قانون شود و تا زمانی که منشور حقوق شهروندی به صورت قانون در نیاید هیچ فایده عملی نخواهد داشت.

^۱ این متن توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری و با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژی ریاست جمهوری تهیه شده است.

گستره حقوق شهروندی در برخورد با مردم و ارتباط مردم با نهادهای عمومی در مباحث مختلف حقوق شهروندی مطرح است که در این میان نقش قوه مجریه در اجرای اصول مختلف قانون اساسی به ویژه از اصول ۱۹ تا ۴۲ در بخش مربوط به تأمین حقوق ملت از اهمیت خاصی برخوردار است. باید دید آیا در زمینه تأمین حقوق ملت مانند اشتغال، بهداشت، آموزش و سایر ابعاد حقوق بشر اقدامات موثر و ملموس بوده است یا خیر؟

مضافاً اینکه در مورد اجرای حقوق شهروندی فارغ از وظایف قوه مجریه، قوه قضائیه هم به نوعی در بحث دادرسی عادلانه، عدالت قضایی با مولفه‌های مربوط به حقوق اساسی، شهروندی و بشر مرتبط است و در این زمینه قوانین مصوب سال‌های اخیر به ویژه آیین دادرسی کیفری معطوف به اصول راهبردی قانون اساسی گویایی خاصی داشته و وظایف مشخصی را متوجه قوه قضائیه نموده است. لکن بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی هیچ قانون عادی به منظور اجرای عملی این نظارت بر قوه قضائیه از طرف رئیس جمهور وجود ندارد. بعلاوه منشور حقوق شهروندی صرفاً در حد یک منشور و متضمن تکرار بسیاری از اصول قانون اساسی، حقوق بشر، اعلامیه جهانی و سایر ابعاد جدید حقوق شهروندی می‌باشد که در حد یک اعلامیه تلقی می‌گردد و هیچ قدرت و ضمانت اجرایی ندارد. لذا در شرایط کنونی عملاً بازتاب اجرای این منشور در حد رسانه‌ها باقی مانده. قطعاً ضرورت دارد که این منشور که کامل‌تر از اعلامیه‌ها یا حتی قوانین بوده است، فرآیند تصویب را در مجلس شورای اسلامی طی کند، به صورت قانون در منابع مدون حقوقی کشور جای گیرد و سپس چگونگی اجرای حقوق شهروندی و ضمانت اجرای عدم احترام به آن توسط این منشور کاملاً مشخص شود.

گفتار اول - مسئولیت رئیس جمهور در اجرای حقوق شهروندی مقرر در قانون اساسی

در موارد متعددی قانون اساسی، رئیس جمهور را در حوزه حقوق شهروندی و صیانت از آن مسئول دانسته که اهم آن به شرح ذیل است:

ماده ۱۳ - به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی میباشد.

ماده ۱۴ - در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام مینماید و برای این منظور میتواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور توقف یا عدم اجراء ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع میدهد و در غیر این صورت پرونده امر به مرجع صالح ارسال خواهد شد.

ماده ۱۵ - به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه گانه کشور را دارد.

ماده ۱۶ - رئیس جمهوری میتواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.

بنابراین میتوان تدوین منشور حقوق شهروندی را انعکاس وظایف و اختیارات فوق الاشعار تلقی نمود.

گفتار دوم- ماهیت حقوقی منشور حقوق شهروندی

اصل نگارش یا تدوین منشور یا دستوری که باعث شود فرد یا نهادی خود را متعهدتر نسبت به تکالیف خود کند، امری پسندیده است. شهروندان اغلب این موضوع را به نوعی نشان درک و حسن نیت حکومت تلقی میکنند. چنانکه شرکت‌های دولتی یا چند ملیتی هم بعضاً منشوری تدوین می‌کنند که در ذیل حقوق داخلی و بین‌المللی به‌عنوان نوعی تعهد مضاعف به انجام تعهد تلقی می‌شود. حتی گاهی نگارش یک منشور در حد کد رفتاری است و نشان می‌دهد که مبتکر یا مدعی آن در صدد تعهدی پیش‌دستانه است. در قوانین موضوعه ایران، حقوق عمومی رابطه میان شهروندان، مقام و نهادهای عمومی را سامان بخشیده و تضمین می‌کند که قدرت به طور منصفانه و خردمندانه به کار بسته شود تا زمینه سوءاستفاده از قدرت صورت نگیرد. «حقوق بشر» نیز برای تضمین حمایت و پشتیبانی از حقوق بنیادین و حداقلی در مقابل دخالت ناموجه مقام‌های عمومی یا در برخی موارد، دیگر افراد و گروه‌های خصوصی است. تردیدی نیست که «حقوق عمومی» و «حقوق بشر» اکنون بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک شده‌اند و هر دو هدف واحدی را دنبال می‌کنند؛ تضمین حقوق شهروندان یا به تعبیر دیگر حقوق بشر در مقابل قدرت عمومی. نتیجه آنکه درباره شأن منشور حقوق شهروندی مسائل گوناگونی مطرح است؛ نخستین مسئله‌ای که در مواجهه با این منشور مطرح می‌شود، این است که این سند از لحاظ حقوق داخلی چه شأنی خواهد داشت؟ یعنی این منشور حق مستقل است، قانون جدید است یا برنامه کاری است یا مصوبه یا آیین‌نامه داخلی؟ مهم‌تر آنکه آیا منشور دولت قادر به خلق حق و تکلیف جدید است؟ خلق حق و تکلیف، تنها در صلاحیت مرجع قانون‌گذاری است و منشور نیز ادعایی مشخص در این خصوص ندارد.

از سوی دیگر برخی حقوق فقط باید کشف، احترام و ضمانت شوند که اینها عمدتاً "حقوقی هستند که در منشور ذکر شده است؛ برای مثال حق بر سلامت، مسکن، عبور و مرور و مشابه آنها. بازخوانی و بازنویسی یا قاب و قالب مجدد این حقوق مندرج در قانون اساسی به معنای اعطای این حقوق یا ضمانت بهتر آنها نیست.

موضوع دیگر این است که منشور نمی‌تواند برنامه به معنای سند راهبردی بالادستی باشد که نهادها الزام به اجرای آن داشته باشند. بلکه این منشور هرچند به برنامه شبیه است، اما باید آن را یک اعلامیه دانست که از یک سو رویکرد و اولویتهای دولت را در حرکت به سوی تأمین و اجرای حقوق شهروندی نشان می‌دهد و از سوی مجموعه این حقوق را به جهت آگاهی بیشتر به عموم شهروندان ارائه می‌کند.

بند اول-مقام صلاحیت‌دار صادر کننده حقوق شهروندی

از این منظر می‌توان گفت که منشور حقوق شهروندی عملاً با توجه به شیوه قانون‌گذاری در حقوق عمومی و حقوق داخلی ایران فراتر از یک کد اخلاقی نیست و البته ماهیت کدها و منشورهای اخلاقی هم‌اکنون در جهان و حقوق بین‌الملل تعریف شده است. این منشور در گام اول محدودیتی برای خود دولت است و دولت باید نشان دهد به چه میزان به این حقوق اعتراف شده توسط خودش، پایبند است و چه مکانیزمی برای موارد نقض احتمالی توسط زیرمجموعه خود پیش‌بینی کرده است. در یک نگاه کلی تدوین و صدور منشور حقوق شهروندی گامی رو به جلو بوده است اما بررسی دقیق مبانی حقوقی و ساختاری می‌تواند برغناهی آن بیفزاید. از جمله شبهاتی که مطرح می‌شود آن است که در نظام حقوق اساسی کشور ما صلاحیت تدوین و صدور اسناد در خصوص حقوق شهروندی از آن کیست؟ در حقوق عمومی که مربوط به اداره کشور است اولاً "مفهوم صلاحیت

نهادها به جای حق آنها در انجام امور مطرح می شود و ثانياً اصل بر عدم صلاحیت ابتدایی نهادها در انجام امور است؛ مگر آنکه به موجب قانون و احکام لازم‌الاجرا این صلاحیت به طور مشخص برای نهادی خاص ایجاد شود. حال باید بررسی کرد که تدوین و صدور منشور حقوق شهروندی در نظام حقوق اساسی کشور ما برعهده چه نهادی است. این موضوع فرع بر این است که آیا نوشتن منشور در شرایط وجود قانون مادر مثل قانون اساسی، اساساً ضروری و جزو امور حقوقی و قانونی است یا نه؟

در یک نظر براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی که قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته و بندهای ۲ و ۳ که وظیفه اصلاح حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین را برعهده آن قرار داده است؛ به نظر می‌رسد قانون اساسی مسئولیت اولیه در زمینه رسیدگی به حقوق شهروندی را به طور کلی برعهده قوه قضائیه دانسته است و این رویکرد در بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس تدوین قانون اساسی قابل فهم است.

رئیس‌جمهور به موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام معظم رهبری، عالی‌ترین مقام کشور و مجری قانون اساسی بوده و به موجب اصل ۱۲۲ در برابر مقام رهبری، مردم و مجلس شورای اسلامی مسئول است. از سویی در قانون اساسی به‌ویژه در فصل سوم (حقوق ملت) اصول متعددی در زمینه حقوق شهروندی ذکر شده و از طرفی کلیت قانون اساسی در واقع بیانگر خواست، اراده و حقوق متقابل مردم و حکومت است و رئیس‌جمهور سوگند یاد کرده که پاسدار حقوق اساسی و این حقوق باشد پس شایسته نیست تکالیف قانونی حکومت با منشور به مردم تقدیم شود و اقرار به این تکالیف در قبال شهروندان قطعاً به مثابه ادای تکلیف نیست. زیرا متأسفانه اولین ناقض حقوق شهروندی مردم در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته خود دولت‌ها هستند.

تأخیر در واريز حقوق کارمندان، آلودگی‌های زیست‌محیطی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، اتلاف عمر و انرژی شهروندان در فرآیند بوروکراسی، افزایش بیماری‌ها، افزایش آفات کشاورزی، تعلل در پی‌شگیری و درمان

بیماری‌های فراگیر، عدم بهبود حمل و نقل درون شهری و برون شهری، عدم توجه به بازیافت زباله و بهبود فاضلاب شهری و روستایی، دفن بی‌رویه زباله‌های صنعتی و شیمیایی در جنگل‌ها و درون دره‌ها، فساد بانکی و اداری، نابودی جنگل‌ها و مراتع و هزاران موضوع دیگر از تعهدات کلان حقوق شهروندی دولت‌هاست که عدم دقت کافی به آنها حقوق بشر شهروندان را هم تماماً ضایع خواهد کرد و در تمامی این موارد ناقض اصلی خود دولت‌ها هستند و نه شهروندان.

بند دوم- تکلیف دولت برای تدوین منشور حقوق شهروندی در برنامه چهارم توسعه

دولت حق دارد در جهت تحقق وظایف و حقوق از ابزارهای متنوع استفاده کند و تدوین و صدور منشور حقوق شهروندی از جمله آنهاست.

در بخش کلیات منشور ذکر شده که مفاد آن صرفاً "خط مشی و اولویت‌های دولت و نهادهای مرتبط با آن را مشخص می‌کند و بیشتر دارای شأن درون سازمانی بوده و به مرزهای دولت به عنوان قوه مجریه محدود می‌شود؛ پس اینکه دولت اولویت‌ها و خط مشی خود را در رسیدگی به حقوق شهروندی آن هم در حیطه‌ها و موضوعاتی که به خودش مربوط می‌شود، مشخص و اعلام کند، نمی‌تواند هیچگونه منعی داشته باشد. هر چند از ظاهر قانون اساسی برمی‌آید که اصالت و اولویت پرداختن به تمامی حقوق شهروندی با قوه قضائیه است، لکن این منشور یک سند بخشی و ویژه عملکرد دولت است نه یک سند بالادستی در جهت تحقق حقوق شهروندی به معنای جامع که شامل همه نهادهای حاکمیت باشد. در ماده ۱۰۰ برنامه چهارم توسعه نیز، دولت مکلف شده که منشور حقوق شهروندی را تدوین کند. برخی از مواردی که در برنامه مو صوف مقرر گشت در منشور حقوق

شهروندی گنجانده شود، ترویج فرهنگ قانون‌مداری، تامین و تضمین آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن و صیانت از آرای مردم، تضمین امنیت فعالیت‌های قانونی-سیاسی و هدایت فعالیت‌های سیاسی به سمت روندهای قانونی، احترام نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف، تأمین امنیت و آزادی گروه‌های حامی زنان و کودکان، صیانت از حریم خصوصی و ارتقای احساس امنیت بود. فلذا مفاد قانون اساسی ظرفیت پذیرش هر دو را دارد و نمی‌توان این حیطة را اختصاصاً "به قوه قضائیه یا مجریه منتسب کرد.

بند سوم- ارزیابی محتوایی منشور حقوق شهروندی (مزایا و معایب)

تدوین حقوق شهروندی به‌عنوان ابزاری برای تمهید بهتر ضمانت حقوق مردم می‌تواند بسیار کارآمد باشد. در این ارتباط منشور هرچند ممکن است از سوی مخالفان و موافقان کاری نمادین هم تلقی شود، اگر بتواند حداقلی از حقوق افراد جامعه را تعالی بخشد یا بخشی از آلام آنان را التیام بخشد، باز هم ارزشمند است. از مزیت‌های دیگر منشور حقوق شهروندی تلاش گردآورندگان در تنظیم سندی کامل است. وجود اراده برای احصای همه حقوق مردم، تا آنجا که هیچ حقی از شهروندان از قلم نیفتد، ستودنی است. حتی اگر این اهتمام فراتر از یک گفتمان نرود، شاید زمینه‌ای باشد تا با همکاری سایر قوا بحث حقوق بشر و شهروندی، ولو در مجامع علمی بیشتر مطرح شود تا به تدریج زمینه اجرا هم بیشتر فراهم شود.

معایب منشور حقوق شهروندی

به منظور بهتر اجرا شدن منشور، شایسته است نوعی ارزیابی محتوایی انجام شود که در آن نوعی رویکرد انتقادی نیز حاکم باشد.

۱- نخستین اشکال منشور حقوق شهروندی فقدان مبانی نظری و فلسفی است؛ بدین معنی که متن منشور اساساً فاقد یک مبنای تحلیلی نظری است و این ابهام علاوه بر مشکل تعریف و تعیین مصداق، باعث عدم تمییز حقوق شهروندی از حقوق بشر شده است.

۲- بی توجهی به ظرافت‌ها و اقتضائات حقوقی در تدوین منشور دومین اشکال آن می‌باشد.

۳- اشکال دیگر منشور آن است که در آن مفادی از قانون اساسی و مصوبات دیگر آورده شده است و زبان این مصوبات کلی و گاهی مبهم است؛ این در حالی است که در منشور حقوق شهروندی باید به مواردی پرداخته شود که ممکن است حقوق مردم در آن بخش‌ها ضایع شود. منشور حقوق شهروندی نباید شعار دهد، بلکه باید متناسب با اقتضائات کشور تدوین شود.

۴- منشور شهروندی باید رنگ قانونی داشته باشد تا توصیه اخلاقی .

۵- موضوع دیگر منشور حقوق شهروندی، خلط حقوق بشری و حقوق شهروندی است. از معایب بزرگ این منشور آن است که با انکار یا غفلت از وجود مرزی نظری و عملی بین حقوق شهروندی و حقوق بشر به یک اعلامیه سیاسی تبدیل شده. درحالی که سند حقوق شهروندی باید بازتعریف مفاد حقوق بشری با رویکرد به اقتضائات بومی کشور باشد تا زمینه تحقق آنها را در عینیت فراهم سازد و از این جهت منشور دارای ضعف عمده‌ای است.

۶- همچنین یکی از موضوعات کلیدی در حقوق شهروندی، حقوق فرهنگی است که ابهام در این حقوق ششمین اشکال منشور حقوق شهروندی دانسته شده است. از این منظر؛ حقوق فرهنگی با حق آموزش و تعلیم بسیار متفاوت است. زیرا این حق متأخر در حوزه حقوق فردی بشر جای دارد ولی حقوق فرهنگی به عنوان حقوق جمعی شهروندان تلقی می‌شود. بنابراین حقوق فرهنگی می‌تواند فردی (آموزش و پرورش)، گروهی (قومی و صنفی) و در نهایت جمعی (ملی و مدنی) باشد. با این توضیح انتقاد به این منشور علاوه بر تفکیک این مرزها یا حداقل به رسمیت نشناختن این دسته‌بندی، به صورت در هم ریخته‌ای مجموعه‌ای از حقوق ناظر به حقوق فرهنگی فردی، حقوق فرهنگی قومی و در نهایت حقوق جمعی ذکر می‌کند.

گفتار سوم- محیط زیست در منشور حقوق شهروندی

یکی از بدیهی ترین حقوق شهروندی، موضوع محیط زیست است. بطور کلی عمده موارد منشور حقوق شهروندی تصریح یا تاکید حقوقی است که مردم در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون دارند هستند، این حقوق از گذشته وجود داشته اما عدم عمل به آنها سبب ارائه و ابلاغ منشور حقوق شهروندی شد تا حقوق مردم یادآوری شود.

در خصوص محیط زیست، قانون اساسی به صراحت بر حفظ محیط زیست و محیطی که شهروندان در آن حیات رو به رشد اجتماعی داشته باشند پرداخته شده و آن را وظیفه عمومی تلقی کرده‌اند. لذا دولت، سایر قوا و آحاد ملت موظف به حفظ آن هستند.

^۱ اصل پنجاه قانون اساسی

در اصل مذکور تاکید شده هرگونه تخریب غیرقابل جبران ممنوع است اما با وجود این صراحت قانونی، مسیر حرکت در بسیاری از جنبه‌های زیست محیطی از جمله در حوزه جنگل‌ها، مراتع، تنوع زیستی، تالاب‌ها، آب‌های زیرزمینی، سواحل و رودخانه‌ها در این راستا نبوده است. بدیهی است با تفکری که این بحران محیط‌زیستی را خلق کرده است نمی‌توان آن را اصلاح کرد چرا که دو نقیصه کلی در این موضوع مطرح است که می‌بایست اصلاح شود.

دو نقیصه اساسی حوزه محیط‌زیست؛ عدم به رسمیت شناختن مرجعیت سازمان محیط زیست و عدم تعبیه تجهیزات اثبات این مرجعیت می‌باشد.

مرجعیت سازمان حفاظت محیط زیست در تشخیص آلودگی و جلوگیری از تخریب غیرقابل جبران که در قانون اساسی به صراحت بیان شده، از سوی دستگاه‌های دولتی به رسمیت شناخته نشده است، به عبارت دیگر سایر دستگاه‌ها در این زمینه تابع سازمان حفاظت محیط زیست نیستند، مضافاً اینکه سازمان حفاظت محیط زیست نیز تجهیزات و ظرفیت‌های لازم برای اثبات این مرجعیت را در خود فراهم نکرده است.

دو نقیصه مذکور باید توأمان بررسی و برطرف شود، بدین صورت که در حوزه محیط زیست قوا به طور عام و آحاد مردم مرجعیت سازمان حفاظت محیط زیست را بپذیرند کما اینکه این سازمان نیز توانمندی لازم را در خود ایجاد کند تا بتواند بر اساس منافع ملی و نه ترجیحات کارشناسی صرف افراد، اظهار نظر تخصصی کند.

با اصلاح دو نقص معنونه می‌توان در راستای منشور حقوق شهروندی به بهبود شرایط محیط زیست امید بست، در این زمینه مجلس نیز مسئول است تا با اصلاح قوانین موجود، تصویب قوانین کارآمد و انجام درست وظیفه نظارت، نقایص موجود را مرتفع سازد.

یکی از موانع توسعه محیط زیست کشور عدم شفافیت قانون، عدم حاکمیت قانون و پایبند نبودن دستگاه‌ها به قانون است، فلذا هرچه مردم نسبت به حقوق خود آگاه تر و دستگاه‌ها مکلف به عمل به قانون شوند، مدیریت

جامعه تسهیل می‌شود بنابراین منشور حقوق شهروندی تأثیرات مثبت بسیاری در این زمینه در پی خواهد داشت.

با مذاقه در بخش حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار منشور حقوق شهروندی نکاتی چند آشکار می‌گردد:

(۱) حفاظت از محیط‌زیست - که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط زیست مقابله می‌کند.

(۲) هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست محیطی به ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

(۳) هرگونه اقدام به منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست محیطی خواهد بود.

(۴) دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد نمود.

حق شهروندان است که از مزایا و منافع فن‌آوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

گفتار چهارم - حقوق زنان و کودکان در منشور حقوق شهروندی

بند اول - پیش‌نویس منشور

برای بررسی و روشن شدن ابعاد مختلف این موضوع شایسته است ابتدا به پیش‌نویس منشور اشاره کنیم.

در پیش‌نویس این منشور، بندهای مربوط به زنان در بخشی با عنوان کلی "خانواده، زنان، کودکان و کهنسالان" آورده شده بود. این بندها عبارت بودند از:

- خانواده واحد بنیادین و نخستین جامعه است و کلیه شهروندان از حق ازدواج و تشکیل خانواده برخوردار هستند. دولت موظف به تحکیم و تشدید مبانی خانواده است.

- ازدواج با رضایت کامل و آزادانه، حق هر شهروند است.

- دولت مکلف است تدابیر لازم برای احترام و رعایت حقوق افراد سالخورده، از جمله برخورداری آنان از امکانات تأمین اجتماعی ضروری برای برخورداری از زندگی مستقل و شرافتمندانه را اتخاذ کند.

- زنان حق دارند از بیمه‌های اجتماعی، امکانات مناسب بهداشتی و پزشکی مخصوص زنان، مددکاری اجتماعی، توان‌بخشی جسمی و روانی دختران و زنان آسیب‌دیده در حدود قوانین و مقررات برخوردار باشند. در صورتی که زمینه‌های قانونی در جهت ایفای این حق وجود نداشته باشد، دولت موظف است با ارائه لوایح مناسب این زمینه را فراهم کند.

- بهره‌مندی از مراکز فرهنگی اختصاصی، با توجه به خصوصیات روحی و جسمی زنان و با اولویت مناطق محروم؛ حق برخورداری آسیب‌دیدگان از حمایت‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه، حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی بدون هرگونه تبعیض یا سهمیه‌های جنسیتی، حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به صورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح؛ حق مشارکت در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و مدیریت و حضور فعال در مجامع فرهنگی - علمی داخلی و بین‌المللی در زمره حقوق زنان است.

- دولت موظف است در چارچوب قوانین و مقررات از زنان سرپرست خانوار در قالب بیمه و سایر خدمات اجتماعی حمایت کند.

- حمایت از کودکان بی سرپرست یا آسیب‌پذیر به صورت مستقیم یا از طریق کمک به سازمان‌های غیردولتی مرتبط، به منظور نگهداری آنان و ایجاد امکانات لازم به این منظور از برنامه‌های دولت است.

- کودکان باید از حمایت‌های اجتماعی متناسب با نیازهای ویژه آنان، خدمات بهداشتی مناسب از جمله تغذیه و آب سالم، محیط زندگی مساعد اعم از خانه و مدرسه، خدمات درمانی و پزشکی با کیفیت، تفریح، فعالیت‌های خلاقانه و سرگرم‌کننده، امکانات آموزشی و تحصیلی مناسب، مربیان و معلمان متخصص و صلاحیت‌دار برخوردار باشند. کودکانی که والدین آنها شاغل هستند، باید از امکانات و شرایط مناسبی برای سهولت در نگهداری و مراقبت و زندگی متعارف اجتماعی دوران کودکی بهره‌مند شوند.

- کودکان حق دارند به اطلاعات متناسب با سن آنها دسترسی داشته باشند. قرار گرفتن کودک در معرض اطلاعاتی که ممکن است موجب بروز خشونت فکری و غلبه ترس و هراس فیزیکی و یا ذهنی بر آنها شود، مجاز نیست و نقض حق بر سلامت کودک محسوب می‌شود.

- داشتن والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار، حق طبیعی کودکان است. والدین و سرپرستان کودک موظف به انجام وظایف مربوط به سرپرستی و نگهداری از کودک در جهت تحقق مصالح عالیّه کودک هستند و در مقابل هرگونه

خشونت و آزار جسمی، روانی و روحی، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، بدرفتاری و عدم ایفاء وظایف قانونی و انسانی علیه کودک مسئول شناخته می‌شوند.

- زنان بایستی از تمامی امکانات برای بهره‌مندی از حق انتخاب پوشش مناسب هماهنگ با معیارهای اسلامی ایرانی بهره‌مند شوند. دولت موظف است تمهیدات لازم جهت ترویج پوشش مناسب را اتخاذ کند.

- کودکان و نوجوانان باید از حمایت‌های ویژه برخوردار شوند. نظر این افراد باید در مسائلی که مربوط به زندگی‌شان محسوب می‌شود، با در نظر گرفتن سن و درجه رشد آنها مورد توجه قرار گیرد.

- کودکان و نوجوانان بایستی به طور یکسان از توانمندی و ظرفیت والدین، صرف‌نظر از وضعیت روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود، برخوردار باشند. در کلیه موارد منافع کودکان و نوجوانان از اولویت برخوردار خواهد بود.

بند دوم - انتقادات وارد بر بخش‌های مربوط به حقوق زنان در نسخه اولیه منشور

پس از انتشار منشور، کارشناسان و مسئولان موضع‌گیری‌هایی نسبت به آن داشتند. در زمینه زنان و خانواده انتقاداتی که به نسخه اولیه منشور صورت می‌گرفت، در چند محور کلی قابل دسته‌بندی بود:

کلی بودن:

به نظر برخی کارشناسان استفاده از واژه‌های گنگ و مبهمی مثل عبارت "دولت موظف است به حقوق زنان در تمامی جهات و تمامی اشکال رسیدگی کند"، می‌بایست در ویرایش‌های بعدی با ذکر مصادیق تمثیلی شفاف‌تر شود. کلی بودن، غیر شفاف بودن و وارد نشدن مواد منشور در بخش زنان به جزئیات مسائل، یکی از انتقادات صاحب‌نظران بود. در واقع مسائل زنان در این بخش به صورت موردی و خاص مورد بررسی قرار نگرفته و

تمام آسیب‌ها و مشکلات این حوزه مانند زنان خیابانی و دختران فراری، قاچاق زنان، خشونت خانگی، امنیت زنان در حوزه عمومی و ... مغفول مانده است. .

تناقض برخی مفاد با قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه:

در شرایطی که منشور در حال حاضر و تا زمانیکه روند قانونگذاری را طی نکرده، هیچ ضمانت‌اجرایی ندارد، وارد کردن چنین موادی مغایر با قانون موجود، فایده عملی برای زنان نخواهد داشت. برای مثال در این منشور گفته شده "هرکس می‌تواند سکونت‌گاه خود را انتخاب کند"؛ اما به نظر می‌رسد این مورد در تضاد با مواد قانون مدنی است که در آن بیان شده زن باید در جایی سکونت‌گزیند که همسرش آن‌جا را برای سکونت انتخاب می‌کند.^۱ و یا این که زنان حق دارند آزادانه با هرکسی که می‌خواهند ازدواج کنند؛ ولی این مغایر با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی است که اجازه پدر برای ازدواج دختر را لازم می‌داند.

نداشتن ضمانت اجرا:

بسیاری از صاحب‌نظران به عدم وجود ضمانت اجرا منشور حقوق شهروندی انتقاد داشته و نسبت به تحقق قانونی آن تردید دارند. دغدغه برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه‌های قانونی و اجرایی مفاد منشور وجود دارد .

تکرار مواد قانون اساسی:

در مجموع این منشور رویکرد نوگرایانه‌ای نسبت به مباحث زنان ندارد و موضوع جدیدی را در این عرصه مطرح نکرده، بلکه بیشتر تکرار برخی مواد و بندهای قانون اساسی است.

^۱ ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی در باب اقامتگاه

زنان، کودکان، جوانان، خانواده و کهنسالان در کنار هم:

ورود جملگی و کلی تدوین‌کنندگان منشور حقوق شهروندی بر امور زنان، خانواده، کودکان و کهن سالان و حتی معلولان و تکلیف دولت جهت توانمند سازی افراد و گروه‌های نیازمند، با اختصاص شماری از ریزامتیازات و مزایای شهروندی به نحو پراکنده، ایراد و یک نقص بود؛ زیرا پیش‌بینی و تصریح حقوق اعضای هر یک از حوزه‌های نام‌برده، بعضاً نیازمند اختصاص بخشی مستقل است. همچنین خانواده، تنها متشکل از زن و کودک و سالمند نیست، بلکه باید رابطه زن و مرد در بحث خانواده بیان شده و حقوق زنان نیز به صورت کلی مطرح شود..

توجه به اصلاح فرهنگ و عرف جامعه و تناسب با نگرش دینی

توجه به اصلاح قوانین نانوشته که در فرهنگ و سنت جامعه ما جاری و ساری است، مسأله مهمی است که در منشور اولیه مغفول مانده بود. همچنین عدم همخوانی برخی از مواد منشور با نگرش دینی، انتقاد دیگر کارشناسان به آن بود. برای مثال بحث برخورداری از پوشش مناسب و هماهنگ با معیارهای اسلامی و ایرانی، به‌طور کلی مطرح شده بود، در حالی که این حق نیست و در واقع جزو ارزش‌ها و تکالیف جامعه است. در خصوص سهمیه‌بندی جنسیتی نیز در این منشور به لغو تمام سهمیه‌بندی‌های جنسیتی اشاره شده بود؛ در حالی که گاهی برخی سهمیه‌بندی می‌تواند عقلایی باشد؛ چه جنسیتی چه غیرجنسیتی؛ یعنی اگر نیاز کشور به پزشک زن بیشتر از پزشک مرد است، می‌توان سهمیه بیشتری را به زنان برای حضور در یک رشته دانشگاهی اختصاص داد و برعکس .

این مسائل همگی از جمله دلایل غیر شفاف، ناواضح و غیردقیق بودن نسخه اولیه منشور حقوق شهروندی برای متخصصان و کارشناسان مباحث حقوقی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بود. پس از آن حدود سه سال برای تدوین منشور نهایی زمان گذاشته شد. در نهایت برخی از ایراداتی که شرح آن رفت مرتفع گردید.

بند سوم - مفاد حقوق زنان در نسخه نهایی منشور حقوق شهروندی

در نهایت، منشور حقوق شهروندی منتشر شد که بخش‌هایی از آن به حوزه زنان و خانواده اختصاص دارد:

زنان در منشور حقوق شهروندی

بند الف منشور به «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی» اختصاص دارد. در ماده ۳ این بند آمده است:

حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

بند ب منشور به «حق کرامت و برابری انسانی» می‌پردازد و ماده ۱۱ می‌گوید: زنان حق دارند

در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

در ماده ۵۴ ذیل بند ر که به «حق تشکیل و برخورداری از خانواده» اختصاص دارد، آمده است: حق همه

شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

در ذیل بند ص و «حق اشتغال و کار شایسته»، ماده ۸۳ قرار دارد که اشاره می‌کند: حق زنان است که از

فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

در ماده ۸۹ ذیل بند ض «حق رفاه و تأمین اجتماعی» آمده است: حق همه شهروندان به‌ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی- ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

ماده ۹۰ ذیل همین بند هم می‌گوید: حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

ماده ۱۰۳ ذیل بند ط «حق دسترسی و مشارکت فرهنگی» اشاره دارد: حق همه شهروندان به‌ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکل‌ها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.

خانواده در منشور حقوق شهروندی

بند «ر» منشور حقوق شهروندی به «حق تشکیل و برخورداری از خانواده» اختصاص دارد و ذیل این بند چند ماده تعریف شده است:

ماده ۵۱- حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام کنند.

ماده ۵۲- حق شهروندان است که از امکانات آموزشی، مشاوره‌ای و پزشکی لازم در امر ازدواج بهره‌مند باشند.

ماده ۵۳- حق شهروندان است که از تدابیر و حمایت‌های لازم برای تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده، تسهیل ازدواج مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی برخوردار شوند.

ماده ۵۴- حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵- حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جداکردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آن‌ها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

کودکان در منشور حقوق شهروندی

ذیل بند الف منشور که به «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی» اختصاص دارد، در ماده ۴ آمده است: حق کودکان است که صرف‌نظر از جنسیت، به‌طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

بند چ منشور به «حق دسترسی به اطلاعات» اشاره دارد و در ماده ۳۲ که ذیل این بند قرار دارد، آمده است: کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیراخلاقی، خشونت‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

ماده ۵۴ ذیل بند ر «حق تشکیل و برخورداری از خانواده» عنوان می‌کند: حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵ هم می‌گوید: حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آن‌ها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

در ماده ۸۴ ذیل بند ص «حق اشتغال و کار شایسته» آمده است: اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنائاً که در جهت منافع و مصالح آنان باشد، صرفاً به حکم قانون مجاز است.

ماده ۱۰۹ و ۱۱۰ نیز ذیل حق «آموزش و پژوهش» قرار دارند. ماده ۱۰۹ می‌گوید: حق دانش‌آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورد احترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰ نیز اشاره دارد: هیچ‌کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

گفتار پنجم - انتقادات وارده بر منشور حقوق شهروندی

علاوه بر موارد پیش گفته در زمینه عیب‌های انتسابی بر منشور حقوق شهروندی، انتقادات وارد بر منشور مذکور را میتوان در دو بند کلی بررسی نمود:

بند اول - عدم جایگاه قانونی منشور در نظام حقوقی ایران

از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی این منشور می‌توان به عدم داشتن ضمانت اجرای حقوقی و قانونی اشاره کرد. جایگاه و شأن این منشور در نظام حقوقی بویژه نظام حقوق اداری چیست؟ و منشور چه ارتباط حقوقی و

قانونی با قالب‌های قواعد و دستورات اداری و اجرایی از جمله بخشنامه، آیین‌نامه و دستورالعمل و... دارد؟ و تخلف از آن چه ضمانت اجرای حقوقی و قانونی دارد؟ و آیا می‌توان بدان به عنوان یک سند حقوقی پرداخت؟

مهم‌ترین تفاوت یک دستور یا حکم اخلاقی با حکم قانونی در نوع ضمانت اجرای آن دو است که اولی از ضمانت اجرای حکومتی برخوردار نیست و دومی دارای ضمانت اجرای قانونی و حکومتی است و تا زمانی که یک حکم اخلاقی در قالب یک حکم قانونی در نیاید، نمی‌تواند موجد حق به معنای واقعی کلمه باشد. متأسفانه در شرایط فعلی منشور حقوق شهروندی، صرفاً یک منشور اخلاقی است، تا یک منشور حقوقی و در نظام حقوق اداری هیچ جایگاه قانونی ندارد و در هیچ‌یک از قالب‌های قانون‌گذاری اجرایی نمی‌گنجد؛ نه در قالب بخشنامه، نه در قالب دستورالعمل و نه در قالب آیین‌نامه.

لذا عدم رعایت آن، تخلف قانونی تلقی نشده و هیچ ضمانت اجرای قانونی به دنبال ندارد.

بند دوم - تکراری بودن مواد منشور

یکی دیگر از مشکلات منشور، تکراری بودن و مطابقت داشتن مواد آن با بسیاری از مواد قوانین دیگر است. برای نمونه بررسی مواد زیر و تطابق آن‌ها با قوانین دیگر دلیل صحت این مدعا خواهد بود:

ماده ۳- اصول ده و بیست و یکم قانون اساسی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری

اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی - سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان -

مصوب ۱۳۸۶ - شورای انقلاب فرهنگی.

ماده ۴- اصل بیست و یکم قانون اساسی- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - مصوب ۱۳۸۱ - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست - مصوب ۱۳۹۲، قانون الحاق به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.

ماده ۱۱- بندهای ۸، ۹ و ۱۴ اصل سوم و اصول بیستم و بیست و یکم قانون اساسی، بندهای ۱۵ و ۵۱ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بند ۱۲ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان - مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۳۲- قانون الحاق به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب- مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۱۷ قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.

ماده ۵۱- اصول دهم و بیست و یکم و بند ۱ اصل چهل و نهم قانون اساسی، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۴۳ و ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹ و بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت - مصوب ۱۳۹۳.

ماده ۵۲- بند ۵۶ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۵۳- اصل دهم قانون اساسی، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن - مصوب ۱۳۸۴- شورای عالی انقلاب فرهنگی و بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت - مصوب ۱۳۹۳.

ماده ۵۴- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن - مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۵۵- مواد ۱۱۶۸ الی ۱۱۷۹ قانون مدنی - مصوب ۱۳۰۷ و قانون حمایت خانواده - مصوب ۱۳۹۱.

ماده ۸۳- بند ۱۴ اصل سوم و اصول بیستم، بیست و یکم و بیست و هشتم قانون اساسی، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بندهای ۱۰۱ و ۱۰۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگ..

ماده ۸۴- بند چهار اصل چهارم و سوم و بند شش اصل دوم و اصول نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی و ماده ۷۹ قانون کار.

ماده ۸۹- بند ۱۳ اصل سوم و اصل ۲۱ قانون اساسی، بندهای ۵۳ و ۵۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۸۳- شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست‌ها و اولویت‌های فرهنگی سازمان تربیت‌بدنی - مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۹۰- اصول ده و بیست و یکم و بیست و نهم قانون اساسی، بندهای ۱۵ و ۵۱ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی بند ۱۲ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان - مصوب ۱۳۸۶ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۰۳- اصول نوزدهم و بیست و ششم قانون اساسی، بند ۱۱۵ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۰۹- جزء ۹-۳ راهبردهای ملی مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۱۲ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.

ماده ۱۱۰- ماده ۶ قانون مطبوعات- مصوب ۱۳۶۴، ماده ۸ قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۱، مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - بند (ج) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اصلاح «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»- مصوب ۱۳۸۹.

بخش دوم

حقوق شهروندی در اسلام

بخش دوم- حقوق شهروندی در اسلام

طراحی ابعاد حقوق شهروندی، به ویژه از حیث رابطه ی آن با حکومت، ارتباط تنگاتنگی با مبانی نظری و تلقی از جایگاه مردم دارد. دیدگاه اسلام در این زمینه، دارای تفاوتی بنیادین با دیگر مکاتب حقوقی است.

در دیدگاه حقوقی اسلام، رابطه ی مردم و دولت و ماهیت حقوق شهروندی صرفاً رابطه ای دوسویه نیست؛ بلکه خود یکی از اضلاع مثلثی است که در رأس آن خداوند قرار دارد. بر این اساس، در کنار مطرح شدن حقوق، وظایف و تکالیف فردی و جمعی انسان، بر رابطه اش با دولت، تأثیرگذار است. بدین ترتیب این نکته، نه تنها در زمان شکل گیری حکومت که پس از آن نیز به طور مستمر وجود داشته و اساساً تکالیف دینی آنان در قبال خداوند، آثار اجتماعی به دنبال دارد و تنظیم کننده ی رابطه ی اجتماعی آنان در قبال یکدیگر و نیز حکومت است. بر این مبناست که حقوق اساسی و نیز حقوق شهروندی شکل می گیرد. نقش خداوند در مبحث حقوق شهروندی در اسلام، نقشی بنیادین و اساسی است. بنیان های فکری نظام حقوقی اسلام، تلقی کننده ی الگوی صرف دولت- ملت نیست؛ آن را نامشروع میدانند و نظام حقوقی جدیدی را پیشنهاد میکنند. این نظام، برای مردم جایگاهی متفاوت، اما واقعی ترسیم میکند و نتیجه ی آن، شهروند فعال، مکلف در عین حال، ذیحق است.

سه ضلعی خداوند- دولت-ملت و نقش مردم در آن^۱

قانونگذار، کسی است که انسان و جهان را آفریده و رابطه ی متقابل انسان و جهان را تنظیم کرده است و او جز خدا نیست و از این رو در قرآن کریم آمده است: ان الحكم الا لله. یعنی جعل حکم و قانون سعادت آور، به خداوند اختصاص دارد و کسی جز او توانایی وضع قانون را ندارد.

^۱ محسنی، فرید، عبداللهی، حسین نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام حقوقی اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۴۶، ص ۳۲.

در مبانی انسان شناسی سیاسی اسلام، برخلاف نگرش مادی انسان جایگاه رفیعی دارد. در اندیشه ی اسلامی برخلاف اندیشه ی لیبرالی، حد بنیادی و خودآیینی بشر نفی شده است. انسان موجودی است که همواره نیازمند هدایت الهی است.

براین اساس، میتوان از تشکیل الگویی سه ضلعی متشکل از عناصر خداوند، دولت، ملت یاد کرد که خداوند در رأس آن قرار گرفته است و در طول قدرت الهی، دولت یا حکومت اسلامی تشکیل میشود و مردم نیز در این میان، حقوق و تکالیفی دارند.

در رابطه ی خداوند، دولت، چون دولت اسلامی، مشروعیت قدرت خود را از خداوند میداند، در وهله ی اول، خود را به او پاسخگو دانسته و ملزم به اجرای احکام و دستورهای الهی در تمامی عملکرد مدیریتی خود میداند. نظامهای غیردینی، اغلب به دنبال مهار قدرت از راههای بیرونی اند و سعی دارند با توزیع قدرت، به این هدف دست یابند. درحالیکه در دین اسلام، به دو شیوه ی کنترل بیرونی و درونی (لحاظ کردن صفات معین برای حاکم اسلامی شامل تقوا، عدالت و...) توجه شده است، میتوان گفت کنترل بیرونی بدون اتکا بر کنترل درونی به طور کامل مؤثر نخواهد بود، زیرا این امکان وجود دارد که نیروهای کنترل کننده و کنترل شونده، همراه شوند و با کمک یکدیگر در جهت سوء استفاده از قدرت پیش روند.

ازجمله مهمترین نتایج این نگرش در بحث حقوق شهروندی، این است که باید چارچوبهای اصلی حقوق شهروندی، برآمده از عقاید، احکام و اخلاق اسلامی باشد، چراکه مشروعیت بخشی به حقوق از آن خداوند تلقی میگردد.

همچنین، التزام و رعایت حقوق شهروندی توسط حاکم اسلامی، امری کاملاً مرتبط با مشروعیت قدرت اوست، چراکه واضع این حقوق، خداوند متعال است و نقض آن موجب زوال صفاتی چون عدالت و تقوا میشود.

فصل اول

حقوق شهروندی در قرآن

فصل اول: حقوق شهروندی در قرآن

بشر همواره به دنبال آن است تا بهترین قواعد و قوانین را برای حفظ و ارتقای رفاه و امنیت خود وضع نماید، در این میان مکاتب حقوقی با اتکا بر نظریه اندیشمندان غربی، به وضع قوانین در حوزه حقوق عمومی پرداخته اند که پس از مدتی به جهت ریشه تفکر مادی آنها، راه به جایی نبرده و یا از یادها رفته اند و بی اثر مانده اند.

در این میان دین اسلام به جهت شناخت دقیق از ابعاد وجودی انسان، قوانینی را ملحوظ نموده که همواره پویا است، از جمله منابع غنی اسلامی، در حوزه حقوق عمومی میتوان به قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه اشاره کرد که به نوعی دایره المعارف حکومتداری محسوب میگردند و توانسته اند تمامی ابعاد حقوقی حکومت اسلامی را منعکس نمایند.

حس استعلایی که در وجود انسانها به ودیعه الهی نهاده شده عاملی است که حرکت مستمر انسان را برای رسیدن به کمال توجیه و تاکید مینماید و همین امر باعث شده که انسان به دنبال شناخت خود، محیط اطراف و خالق خود باشد. نحوه ی تعامل و ارتباط این سه عنصر همیشه مورد توجه انسانها بوده است و در همین ارتباط جایگاه جوامع انسانی و حرکت رو به جلوی آن بر اساس مبانی فکری از دیگر موضوعاتی است که ذهن اندیشمندان را به خود مشغول نموده است و بی شک این حرکت در جوامع نیاز به شناسایی مردم، حقوق و تکالیف آنها، شناخت دولتهای حاکم و نقش آن در تامین این حقوق دارد. مراجعه به آموزه های قرآنی در معرفی حقیقی جوامع انسانی با توجه به سنتهای حاکم بی شک در زمینه هدایت و تنظیم قوانین مرتبط با حقوق شهروندی در تمام ساحت ها و نحوه ی اجرای آن نقش عمده ای خواهد داشت.

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین مکتب الهی اهمیت ویژه ای برای انسان و نوع بشر قائل شده است . به گونه ای که در قرآن خداوند انسان را نه تنها به عنوان یک مخلوق همانند سایر مخلوقات بلکه به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین و مطرح نموده است^۱ و اکثر مفسران نظرشان بر جانشینی نوع انسان است .تعریف حقوق بشر و حقوق شهروندی مطابق آموزه های قرآنی عبارتست از حقوق و تکالیفی که خداوند برای انسان از آن جهت که خلیفه الله و جانشین خدا روی زمین است قرار داده است .انسانی که ذاتاً کریم خلق شده است و باید کریمانه زندگی نماید.

فلذا چنانچه شرح آن رفت انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و موجودی که دو بعد دارد تکالیفی نیز بر او واجب میشود که در جهت رشد و تکامل اوست.اگر در کاری مفسده است خداوند انسان را از آن عمل نهی میکند و اگر در کاری مصلحت وجود داشته باشد انسان را به انجام آن ترغیب میکند .پس تمامی دستورات خداوند در جهت رفاه و تکامل انسان است.از آنجا که انسان موجودی عقلانی است عقل حکم میکند که اشرف مخلوقات دارای حقوق فردی و عمومی باشد و حقوق شهروندی در واقع همان رفتار مدنی ،ادب و ملاحظه و نوع دوستی و وظیفه شناسی است.

قرآن تصریح دارد که قسط و عدل مطلوب هر انسان است و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است.حتی اگر به ضرر شخصی باشد.^۳

در سوره حدید ،سه عنصر مقدمه اقامه عدل دانسته شده است.بینات ،کتاب،میزان.

^۱ آیه ۳۰ سوره بقره .

^۲ مرادخانی، احمد، سنت های اجتماعی الهی در قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه)، ۱۳۸۶ش.

^۳ آیه ۲۵ سوره حدید .

واژه بینات به معنای دلایل روشن، معنای گسترده ای دارد. که شامل معجزات و دلایل عقلی میشود که پیامبران به آن مجهز بودند. منظور از کتاب نیز همان کتاب آسمانی است. و چون روح و حقیقت همه یکی است کتاب را بصورت مفرد بیان نموده است. هرچند با گذشت زمان و تامل انسانها محتوای آنها کاملتر شده است. میزان به معنای وسیله وزن کردن و سنجش است. یعنی چیزی که تمام اعمال انسانها را میتوان با آن سنجید و آن احکام و قوانین الهی یا آیین الهی بطور کلی معیار سنجش نیکی ها و بدی ها، ارزشها و ضد ارزشها است. برخی مفسران در خصوص تفسیر این آیه ابراز داشته اند تحقق قسط در جامعه در گرو سه عامل است!

۱- قانونی که مرزهای قسط و ظلم را روشن کند تا در پرتوی آن حق و عدل از تجاوز و تعدی باز شناخته شود.

۲- مجری عادل که متن قانون را در جامعه پیاده کند.

۳- قاضی عادل و دادگر در جایگاه قضاوت که به قسط دآوری کند. از اینرو پیامبران گاهی در مسند قضاوت در قلمرو اجرا اختلافات را نیز رفع میکردند و گاهی با دستورها ی خود از وقوع اختلافات بعدی پیشگیری مینمودند.

باید توجه داشت که میبایست جوامع انسانی چنان تربیت شوند که خود به عدل قیام کنند. تامین امنیت در زمینه های متعدد اهمیت شایان توجهی دارد. از برجسته ترین آموزه های دیگر توجه به منزلت و کرامت انسانهاست. آیه ۷۰ سوره اسرا توسط علامه طباطبایی چنین تفسیر شده است: مراد در این آیه بیان حال جنس بشر است. صرف نظر از کرامت های خاص و فضایل روحی و معنوی که به پاره ای افراد اختصاص دارد. بنابراین آیه موصوف مشرکین و مفار همه را در نظر دارد. آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیر این آیه بیان میدارد انسان

^۱ زمینه های حقوق شهروندی در قرآن، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۷، سال ۹۴، خزایی، احمد رضا، مرادخانی احمد

^۲ جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی برجا، ۱۳۶۹ش

میتواند از آن جهت که انسان است کریم باشد. انسان روحی دارد که حقیقت او را تشکیل میدهد و این روح طبعاً کریم است. و تمام تعالیم اسلام بر اساس کرامت ذاتی او وضع شده است.

زندگی در جامعه کنار یکدیگر در شرایط صلح و برابری و آرامش از دیگر حقوق افراد جامعه بر مبنای تعالیم اسلام و قرآن است. تا آنجا که در آیه ۱۰ سوره حجرات تصریح شده است مومنان با هم برادرند و ایجاد صلح و آشتی میان برادران از وظایف همه شهروندان است.

بر طبق آیات قرآن، اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسانها، پیروان دین اسلام را امت واحد میدانند و آنچه امروز به عنوان شهروندان ملی و جغرافیایی مطرح میشود در دین اسلام جایگاهی ندارد. برخی از اصلی ترین حقوق شهروندی که مبنای آنها کرامت ذاتی انسان میباشد عبارتند از:

گفتار اول- آزادی

یکی از مفصل ترین مباحث حقوقی بحث آزادیهای عمومی است. آزادیهای عمومی از ضرورت‌های زندگی شهروندان است و طرف اصلی آزادیها حکومتها هستند. مهمترین دلایل پذیرش مفهوم آزادی در قرآن عبارتند از:

بند ۱- برهان طلبی:

قرآن در برخورد با مخالفان، آنان را به بیان دلایل خود فرا میخواند. در آیه ۱۱۱ سوره بقره تصریح میکند که صرف بیان مطالبی دلیل بر راستی و صدق آن نخواهد بود. درست است که آزادی بیان از اصول پذیرفته شده در قرآن است لکن میبایست برای اثبات گفته‌ها و ادعاهای ابرازی نیز دلیل مطرح شود نه اینکه با اکتفا

^۱ آیه ۴۹ سوره حجرات، مومنان را برادر دینی میدانند. که قومیت و نژادهای مختلف صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و برتری اهل

ایمان بر یکدیگر فقط در تقرب به خداوند و پرهیزگاری است.

صرف به مسائل اعلامی، شبهه ای ایجاد شود یا موقعیت فرد را و یا عقیده، مذهب، نژاد و... او را زیر سوال برد. فلذا این آزادی بیان مرز دارد.

بند ۲- نهی از کتمان حقیقت:

خداوند در موارد متعدد کسانی را که از روی هوس یا ترس و طمع به کتمان حق روی می آورند نکوهش کرده و خواستار تبیین حقایق است. در آیه ۷۱ سوره آل عمرا بیان میدارد: چرا حق را با باطل میپوشانید و آگاهانه به کتمان حق روی می آورید. مسلماً لزوم بیان حق و ممنوعیت کتمان، با آزادی بیان در تلازم است. بنابراین حق آزادی بیان مشروط به اینست که در بیان حقایق استفاده شود و نه در ترویج باطل و کتمان حقایق.

بند ۳- گزینش بهترین:

خداوند به کسانی که پس از شنیدن سخنان مختلف، بهترین را برمی گزینند مژده هدایت و برخورداری از تعقل را میدهد. در آیه ۱۸ سوره زمر بر این امر تأکید میشود. این افراد کسانی هستند که خداوند ایشان را هدایت نموده و صاحبان خرد هستند. تنها در فضای آزادی اندیشه و بیان، شنیدن سخنان و دیدگاههای مختلف و انتخاب بهترین امکان پذیر است. اگر آزادی بیان نباشد بدیهی است نظرات مخالف امکان بروز ندارد تا مردم آنرا شنیده و مقایسه و به انتخاب بهترین، سفارش شوند.

بند ۴- جدال احسن:

اسلام همواره پیروان خود را به این مهم توجه داده است که در مناظره های علمی مجادله ی نیکو را در پیش بگیرد تا حقایق بصورت شفاف برای همگان آشکار شود. در این زمینه آیه ۱۲۵ سوره نحل بر انجام مناظره با استدلال نیکو، تأکید دارد و در آیه ۴۶ سوره عنکبوت نیز مجدد مطرح میکند که با اهل کتاب با روشی که از همه نیکوتر است مجادله کنید. تعبیر احسن، تعبیر جامعی است که تمام روشهای صحیح و مناسب مناظره و

مباحثه را چه در لفظ و چه در محتوای سخن و چه در آهنگ گفتار و حرکات دیگر در بر میگیرد. بدیهی است این ترغیب و تشویق در صورتی ارزشمند است که شریعت اسلام به طرف مقابل فرصت ابراز عقیده و نظر مخالف داده و او را در ارائه نظر و اندیشه خویش آزاد گذاشته باشد. و گرنه در صورت فقدان فضایی برای بیان و اظهار عقیده، دستور به جدال احسن بی معنا خواهد بود.

بند ۵-مشورت:

از شواهد دیگر آزادی بیان در قرآن به عنوان یکی از حقوق شهروندی، امر به مشورت است. این امر در آیه ۱۵۹ آل عمران و همچنین در آیه ۳۸ سوره شوری، قابل بررسی است. با مذاقه در این آیات آشکار میشود اگر آزادی بیان نباشد و برای مشورت دهندگان امنیت لازم وجود نداشته باشد بحث از دستور به مشورت بی فایده خواهد بود. بنابراین آزادی بیان از نظر اسلام حق طبیعی و فطری انسان است. امر به مشورت در امور، تجلی آزادی بیان و ابراز اندیشه و عقیده و احترام به بیان میباشد.

بند ۶-نقل نظر مخالفان:

یکی از شیوه های قرآن در برخورد با آرا و اندیشه های مخالفان اینست که کفرآمیزترین سخنان افراد را با استدلالهایشان نقل میکند و سپس به نقد آن میپردازد. فلذا از منظر قرآن نه تنها مخالفان در بیان عقیده و افکار خویش آزادند بلکه مسلمانان به ثبت و ضبط دقیق نظرهای آنان که لازمه برخورد با افکار دیگران است تشویق شده اند. بنابر این در مبانی دینی استفاده از حق آزادی بیان تنها برای دینداران نمیباشد. بلکه حتی به مخالفان نیز این امکان داده شده تا از حق طبیعی خویش استفاده کنند و به علمای دینی نیز تکلیف شده که پاسخ آنان را با برهان ارائه نمایند.

بند ۷- امر به معروف و نهی از منکر:

قرآن در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، پیروان دین اسلام را از آنجا بهترین امت میداند که به امر به معروف و نهی از منکر اهتمام داشته اند. تاکید بر اصلاح جامعه، جلوگیری از فساد مسلمانان و انحراف جامعه و نظام اسلامی از طریق امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر آن است که دین اسلام آزادی بیان را بعنوان اصلی مسلم پذیرفته باشد. تا زمینه مساعد برای اجرای این واجب فراهم شود. وگرنه این تاکیدات بر امر به معروف و نهی از منکر، بی معنا خواهد بود. دعوت مبانی دینی برای امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اینست که افراد بشر موظفند از آزادی بیان برای حقایق معروفی که فراموش شده و باطلهایی که جایگزین شده استفاده کنند.

گفتار دوم: حق حیات

یکی از حقوق فطری انسان که از زمان تولد همراه انسان است حق حیات میباشد. اختیار حیات و مرگ انسان خارج از اراده دیگران است. زمانی میتوان از حفظ کرامت انسان سخن گفت که برای او حق حیات قائل بود. این حق آنچنان اهمیت دارد که در آیه ۵ سوره مائده حفظ جان یک انسان مانند حفظ جان تمام بشریت دانسته شده و برعکس ریختن خون یک انسان بی گناه مانند ریختن خون تمام بشریت است.

گفتار سوم: حق برابری

اسلام قرن‌ها قبل از آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده یک به برابری اشاره نماید در آیه ۴ سوره نسا، به اهمیت برابری اشاره کرده است.

یکی از ارکان اصلی کرامت ذاتی انسان عدالت و برابری همه شهروندان در تقسیم فرصتها در برخورداری از امکانات است. از نظر قرآن عدل ریشه در فطرت انسانها دارد و قرآن رعایت عدالت را در زمینه های مختلف

ضروری میدانند. همچون عدالت در عبادت، عدالت در سخن گفتن، عدالت در رفتار با مخالفان، عدالت در مدح و انتقاد و...

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز موضوع عدالت و برابری را در مواد ۶ و ۷ مورد تاکید قرار داده است: هرکس حق دارد همه جا به عنوان شخص و در برابر قانون به رسمیت شناخته شود. آیه ۸ سوره نحل بر این موضوع صحه میگذارد. اینکه خداوند همواره بر عدل و احسان تاکید دارد. مضافاً اینکه در آیه ۲۵ سوره حدید نیز علت نازل کردن کتاب و میزان را اقامه عدالت بیان نموده است.

گفتار چهارم - برابری و عدالت

یکی از لازمه های اصلی کرامت ذاتی انسان عدالت و برابری همه شهروندان در تقسیم فرصت ها برخوردارگی از امکانات است. از منظر قرآن عدل به منزله صفت و ملکه انسانی و اجتماعی ریشه در فطرت انسان ها دارد. و قرآن رعایت عدالت در زمینه های مختلف را لازم و ضروری می شمارد.

عدالت در عبادت، عدالت در نگاه، عدالت در سخنگویی، عدالت در رفتار با کفار و دشمنان، عدالت در مدح و انتقاد، عدالت در محیط خانه، عدالت در توزیع، مصرف و...

اعلامیه های جهانی حقوق بشر نیز موضوع عدالت و برابری در مواد و خود مورد اشاره قرار داده است. ماده چنین مقرر می دارد: «هرکس حق دارد همه جا به عنوان شخص و در برابر قانون به رسمیت شناخته شود.» خداوند در این خصوص در قرآن می فرماید: «ان ا... یا مرمک بالعدل و الاحسان» همانا خداوند فرمان به عدل و احسان می دهد^۱

^۱ سوره النحل، آیه ۸.

در جایی دیگر آمده است «ولقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» و برایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند^۱ بنابراین این استقرار عدالت اجتماعی در میان شهروندان از حدود ۱۰۰ سال پیش یکی از اصلی ترین اهداف اسلام بوده است.

حقوق شهروندی اسلامی با آنچه در دنیای غرب رایج است علی رغم شباهتهای زیادی که وجود دارد تفاوت های اساسی و بنیادی دارد و این تفاوت به نوع جهان بینی های متفاوت در مورد این موضوع بر می گردد بنابراین حقوق شهروندی در یک جامعه اسلامی هرگز نباید بر اساس تئوریهای دنیای غرب شکل بگیرد بلکه می توان با استفاده از منابع اسلامی (کتاب، سنت، اجماع، عقل) حقوق شهروندی بسیار متعالی تر از غرب را برای پیشرفت حقوق شهروندی پی ریزی کرد.

^۱ سوره الحديد، آیه ۲۵

فصل دوم

حقوق شهروندی در نهج البلاغه

فصل دوم: حقوق شهروندی در نهج البلاغه

با شروع ندای منادی پروردگار جهانیان و شروع رسالت الهی پیامبر عظیم‌الشان اسلام و بعد از گذر از زمان و مکان اولیه نامناسب در شهر مکه و غلبه بر مشکلات اقتصادی و رسیدن زمان هجرت پیامبر به امر پروردگار به شهر مدینه، کم‌کم با جمع شدن انصار و مهاجرین گرد یکدیگر، پایه‌های اولین جامعه اسلامی در شهر مدینه نباشد و توسط نبی اکرم و وجود گرامی حضرت علی بن ابیطالب زیر نظر پیامبر گرامی اسلام اولین قوانین شهروندی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حقوق جزایی و سایر قوانین مورد نیاز پایه ریزی گردید و در تاریخ که شاهد و ناظر وقایع می‌باشد آمده است حتی حقوق شهروندی برای اقلیت‌های مذهبی نیز به رسمیت شناخته شده و در قالب قرارداد ذمه اقلیت یهودی، مسیحی، زرتشتی با حقوق مساوی با مسلمین شروع به زندگی با قوانین مدون و متعالی با حضور معصوم نمودند. حضرت علی بن ابیطالب که در تمام سالهای ابتدایی ظهور اسلام، اولین مرد مسلمان و کاتب وحی نبوی، دلیرترین جنگجو، عادلترین قاضی و صاحب هرگونه کرامتی که به ذهن بشر برسد از کودکی توسط پیامبر گرامی اسلام تربیت شده است. هنگام دست بردن به قلم و ثبت مکنونات قلبی و مکتوبات اجتماعی سیاسی در جهان اسلام که بعدها پس از گردآوری این مکتوبات توسط مرحوم سید رضی رحمت‌الله نام نهج البلاغه به آن داده شد، در بسیاری از خطبه‌های خود نسبت به شرح و توضیح و اعطای حقوق شهروندی در اسلام پرداخته است. قبل از ورود به شرح حقوق شهروندی در نهج البلاغه ذکر این نکته ضروری می‌نماید بعد از جمع شدن انصار و مهاجرین در شهر مدینه و هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه اولین مکتوب حقوق شهروندی اسلام در قالب قانون اساسی مدینه توسط پیامبر گرامی در پنجاه ماده تهیه و امور مختلفی را در بر گرفت از تبیین قواعد جنگ و صلح و دفاع تا امور رفاهی مردم در قانون اساسی مدینه در نظر گرفته شد. اصلی‌ترین اصول و اساسی‌ترین قواعد در اسلام که توسط پیامبر گرامی از روز اول بیان

گردید و در همه حال و هر مکان نسبت به آن تاکید شده است برابری و برادری تمام مسلمانان و یکسان بودن همه ی انسانها میباشد. رنگ پوست، نژاد، قبیله و هرگونه وجه تمایز دیگری در انسانها باعث اختلاف در رتبه و مقام هیچ کس نبوده و همه ی انسانها در پیشگاه خداوند متعال و در روی زمین با هم برابرند و آنچه که باعث بالا رفتن ارزش مسلمانان در پیشگاه خداوند میگردد درجه ی ایمان آنهاست. همانگونه که پروردگار در کتاب خود قرآن کریم آورده است: ان اکرمکم عندالله اتقى کم.

مبحث اول: مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه

مبنای کرامت انسانی تنها پاسخی است که میتوان به این سوال داد. مبانی حقوق شهروندی در کلام امیرالمومنین کدام است؟ پاسخی که امروزه و در قرن بیست و یکم، کشورهای به ظاهر مترقی به دنبال آن هستند ولی غافل از اینکه کرامت انسانی در یک نظام الهی به منصفه ی ظهور میرسد و در مکاتب اومانیستی و انسان محور کرامات انسانی بطور ناخودآگاه بر مبنای مادیات تعریف کرده و شکل میگیرد و بر فرض اعطای حقوق شهروندی نیز پوسته ای زیبا اما بدون هویت و خالی از مسائل اخلاقی خواهد بود. اما بعد...

امیرالمومنین انسان بماهو انسان را به صرف انسان بودن مهمترین عامل بهره مندی از حقوق شهروندی دانسته و حاکم اسلامی را خادم مسلمین میدانند. حضرت علی پس از انتخاب مالک اشتر، به فرمانداری یکی از مناطق سرزمین اسلامی نامه ای به ایشان نوشته و در آن گرانبهاترین راهنماییها را مینماید. در یک بررسی دقیق نسبت به متن نامه مورد نظر خطاب قرار دادن مردم توسط حضرت علی (ع)، مشخص میگردد از کلمات ناس و رعیت و عامه و عباد الله استفاده نموده است و معانی آن به ترتیب عبارتست از مردم، شهروند، همگان و بندگان خدا. البته امام همام از عباراتی نظیر لک فی الخلق استفاده نموده که همگی بیانگر درک یک موضوع میباشد که انسان بما هو انسان مد نظر امام مسلمین بوده و سنجش ایشان بدون در نظر گرفتن ملیت و رنگ پوست قوم و قبیله، دین و مذهب بوده و اعطای حقوق شهروندی را با وجود آن میسور دانسته است. از بررسی کتاب ارزشمند نهج البلاغه

استنباط می‌گردد مبنای اعطای حقوق مردم با به عبارتی حقوق شهروندی را مواردی به شرح ذیل تشکیل می‌دهند از جمله اول- وحدت و انسجام، دوم- انصاف و برابری، سوم- پاسخگو بودن و پذیرش مسئولیت به طور متقابل چهارم- شناسایی حقوق و تکالیف و رعایت آنها، پنجم- همه چیز بر مدار قانون باید باشد، ششم- رعایت حقوق مردم و بذل محبت، هفتم- آگاهی دادن به مردم و افزایش میزان مشارکت ایشان

گفتار اول- وحدت و انسجام

وحدت و انسجام در میان مسلمین همواره از مهمترین خاستگاه‌های اولیا امر در اسلام بوده و خداوند رحمان و رحیم نیز همواره در کتاب آسمانی تو صیه به آن در پناه خداوند نموده است. آنجا که می‌فرماید به ریسمان الهی چنگ زده و متفرق نشوید. بر همین سیاق حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در قسمتی از نامه شماره ۵۳ خویش به مالک اشتر مینویسد: ای مالک، بدان مردم از گروه‌های گوناگون تشکیل شده اند که هر قسمت، قسمت دیگر را کامل میکند و هیچ گروهی از سایرین بی نیاز نیستند. همچنین در خطبه ۹۲ نهج البلاغه بیان میدارد بنگرید در سایه ی وحدت، چگونه نعمتهای الهی، بالهای کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه را برایشان روان ساخت و تمام برکات آیین حق آنها را در بر گرفت. در میان نعمتها غرق شدند و در خرمی زندگانی، شادمان گردیدند.

گفتار دوم- انصاف و برابری

انصاف، شرط عدل است و جهت برپایی عدالت وجود انصاف از شرایط اساسی و زینت حاکم اسلامی می باشد. خداوند متعال نیز در قرآن کریم همواره به قضاوت نمودن منصفانه امر نموده و تاکید کرده است. برابری نیز همانگونه که بیان شد اولین شعار پیامبر گرامی اسلام بوده که بسیاری از انسانهای با انصاف با شنیدن آن جذب اسلام شده و مسلمان گردیده اند. برابری و برادری بدون اهمیت دادن به قوم و قبیله و نژاد و رنگ پوست و

غیره تا ابد شعار و پرچم دین اسلام خواهد بود و علی بن ابیطالب، خلیفه بر حق پروردگار در ارض و سماوات نیز بر همین مبنا در نامه شماره ۵۳ خطاب به مالک اشتر بیان نموده است نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود و از جانب افراد خاص خاندانت و از جانب رعایایی که به آنها علاقه مندی از صاف به خرج ده که اگر چنین نکنی ستم نموده ای.

گفتار سوم- پاسخگو بودن و پذیرش مسئولیت به طور متقابل

در خصوص اینکه مردم و دولت یا حاکم اسلامی نسبت به یکدیگر دارای حقوق و تکالیفی میباشند و حق و تکلیف دو روی یک سکه میباشد که بر گرده ی هر شهروندی وجود خواهد داشت و تنها صاحب حق بدون تکلیف خداوند یکتا نیباشد بسیار سخن گفته شده است. حضرت علی در خطبه ۱۹۷ میفرماید: از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید که شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان، شهرها و آبادی ها هستید. زیرا از همه چیز حتی خانه ها و حیوانات بازپرسی خواهید شد.

همچنین در نامه پنجم خود به فرماندار آذربایجان به نام اشعث بن غیث مینویسد همانا پست فرمانداری برای تو وسیله ی کسب آب و نان نیست. بلکه امانتی بر گردن توست و آنکه تو را به آن کار گمارده نگرهبانی امانت را به عهده ات گذارده است و نسبت به آنکه فرادست تو شمرده میشود باید پاسخگو باشی.

گفتار چهارم- شناسایی حقوق و تکالیف و رعایت آنها

در دیدگاه الهی که در مکتب امیرالمومنین علی (ع)، تبیین گردیده است حاکمین اصلی در جامعه اسلامی، همانا مردم مسلمان میباشد. چنانکه از خطبه ۱۳۹ ایشان بر می آید: بیعت شما مردم با من بی مطالعه و ناگهانی نبود. کار من و شما یکسان نیست. من شما را برای خدا میخواهم و شما من را برای خودتان میخواهید. پس ای مردم مرا برای اصلاح خود یاری کنید. فرازی از نهج البلاغه که بحث شناسایی حقوق و تکالیف و رعایت آنها را

به صراحت نشان میدهد در خطبه ۲۱۶ بیان شده. آنجا که میفرماید خداوند برای من بر شما به واسطه سرپرستی امورتان حقی قرار داده و در مقابل برای شما همانند آن حقی بر گردن من گذاشته است.

گفتار پنجم- همه چیز باید بر مدار قانون باشد

خطبه ۱۳۷ نهج البلاغه از بیانات امیرالمومنین بسیار رسا و گویا ست. عدالت، هر چیزی را در جای خود قرار میدهد و بخشش آن چیز را از جای خود خارج میسازد. عدالت تدبیر برای عموم مردم است و بخشش گروه خاصی را در بر میگیرد. پس عدالت شریف تر و برتر است و در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر بیان میدارد نیکوکار و بدکار نزد تو منزلت یکسان نداشته باشند چرا که این تساوی در برخورد با هر دو گروه اهل احسان را به خوبی بی رغبت مینماید و اهل زشتکاری را بر بدکاریشان آموخته میکنند. با هر گروهی آنگونه رفتار کن که خود را بر آن ملزم ساخته است. آنچه مهم است قانون مداری و عدالت پیشه کردن در رفتار و کردار میباشد. و چه زیباست زمانی که قانون مداری و عدالت پیشگی توسط حاکم اسلامی انجام پذیرد و شهروند جامعه اسلامی نیز در تکلیف و حقوق متقابل خود قانون مدار و عدالت پیشه باشد و این منویات را از توصیه های حضرت علی (ع)، به دست آورده به سیاق راهنماییهای ایشان عمل نماید.

گفتار ششم- رعایت حقوق مردم و بذل محبت

حضرت علی (ع)، پر کردن قلب و دل را از مهربانی و خالی کردن محبت و مهربانی را در رفتار با مردم از بالاترین کرامات انسانی دانسته و معتقد است و به ما می آموزد که با مردم با مهربانی رفتار کن تا با تو با مهربانی رفتار کنند. و در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر مینویسد ای مالک قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان مباش که خوردن ایشان را غنیمت بشماری زیرا آنها دو گروه بیش نیستند. یا برادران دینی تو اند و یا انسانهایی همچون تو. گاه از آنها لغزش و خطا سر میزند

ناراحتی هایی به آنها عارض می‌گردد به دست ایشان عمدا یا بطور اشتباه کارهایی انجام میشود. در این موارد از عفو و گذشت خود آن مقدار به آنها عطا کن که دوست داری خداوند از عفوش به تو عنایت کند.

گفتار هفتم- آگاهی دادن به مردم و افزایش میزان مشارکت مردم

امیرالمومنین در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر مینویسد برای مراجعان خود وقتی مقرر کن و به نیاز آنها شخصاً رسیدگی کن و مجلس عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده و درهای آنرا به روی هیچ کس نبند و بخاطر خداوندی که تو را آفریده تواضع کن و همچنین مبادا احتجاب تو با شهروندان به درازا کشد. آگاهی یافتن مردم یا به عبارتی شهروندان جامعه اسلامی در مرام و عقیده الهی علی (ع)، آنقدر مهم بوده و از جایگاه بالایی برخوردار است که هنگامیکه ایشان جامعه را در غفلت و ناآگاهی میبیند صبر پیشه نموده و بیست سال از حق خود در میگذرد. حقی که تو سطر خداوند یکتا اعطا شده است. به دلیل ناآگاهی مردم و برای آگاه نمودن همان مردم سالها ترک مینماید. جریان ثقیفه رقم میخورد. به دلیل ناآگاهی مردم امام (ع) صبر میکند به دلیل آگاه نمودن مردم و این صبر را زینت میبخشد با مهربانی و گذشت و راهنمایی و هدایت مستمر مردم. در کنار حاکمان وقت که توسط مردم انتخاب میگردند و انسجام و وحدت مسلمین را آنقدر محترم میشمرد که ظلمهایی که به ایشان و خاندان عترت پیامبر می‌گردد را صبورانه به جان خریده و برای آگاه کردن مردم و بالا بردن میزان مشارکت آگاهانه مردم چه رنجها که به جان نمیخورد.

فصل سوم

حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی (ره)

فصل سوم - حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی

مشهورترین تقسیم در باب عناصر حقوق شهروندی، اقسام سه گانه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که در نظام حقوقی غرب مطرح شد. حقوق مدنی ناظر است بر حق آزادی، برابری و مساوات در قبال قانون و ممنوعیت تبعیض و حمایت از اشخاص (شهروندان) در برابر اقدامات غیرقانونی دولت. حقوق سیاسی به حقوقی اطلاق می شود که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک حکومت ضروری است از قبیل حق انتخاب کردن و شدن، آزادی اجتماعات عمومی، آزادی احزاب و انجمن ها و ...

حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی که به عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می گیرد از قبیل عدالت اجتماعی (برابری در فرصت ها) حق برخورداری از یک استاندارد معین آموزشی (تعلیم و تربیت)، حق کار کردن، استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و سایر خدمات اجتماعی. تقسیم بندی فوق که محصول نظریات اندیشمندان غربی در سده‌های اخیر است اگر چه دارای جامعیت نسبی است اما به نظر می‌رسد با توجه به خصیصه مدنی الطبع بودن انسان و موضوعیت پیدا کردن مفهوم شهروندی در دل اجتماع و ارتباط شهروندان با یکدیگر و همچنین با دولت، تمامی اقسام ذکر شده در باب حقوق شهروندی به یک حق باز می‌گردد و آن هم حقوق مدنی است که سه حق «آزادی، عدالت اجتماعی و امنیت» شاخه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند و سایر حقوق مطرح در باب شهروندی به یکی از این سه حق باز می‌گردد.

مبحث اول - آزادی و اقسام آن

آزادی از مهم‌ترین ارزش‌های جامعه مدرن است و علی‌رغم جذابیت، مقبولیت و رونق فراوان آن در ادبیات

سیاسی و حقوقی سه قرن اخیر در مورد مفهوم و مفاد آن برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

پیش از پرداختن به مفهوم آزادی ذکر این نکته لازم است که منظور از آزادی مورد بحث، آزادی در قلمرو سیاسی - اجتماعی و به تعبیر بهتر آزادی حقوقی است و نباید آنرا با آزادی فلسفی (تکوینی)، اخلاقی و عرفانی خلط کرد.

در آزادی حقوقی سخن از هیأت حاکم یا قانون و مجری قانون است که تا چه حد می‌توانند آزادی افراد را در عرصه‌های مختلف زندگی تحدید نمایند .

به تعبیر دیگر از نظر حقوقی، شخصی آزاد تلقی می‌شود که در فکر و اعتقاد و بیان اندیشه‌ها و عقاید و نیز در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تابع اراده آزاد خویش باشد.

واژه آزادی دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است از نظر سلبی آزادی مترادف با نبود مانع و فقدان محدودیت است براین اساس آزاد کسی است که اگر میل و قدرت و ذکاوت انجام کاری را داشته باشد با مانع رو به رو نشود. از نظر ایجابی آزادی عبارت است از توان انتخاب و تصمیم‌گیری به اختیار خویش و به دور از فشار نیروهای خارجی، این مفهوم از آزادی به حاکمیت فرد بر خویشتن باز می‌گردد. با این توصیف باید گفت آزادی مورد بحث در نظام حقوقی بیشتر بیانگر وجه سلبی آزادی است؛ بنابراین مفهوم سلبی آزادی به معنای نبود هر قید و بندی است. از نظر امام آزادی جزء اولین حقوق مردم است و موهبتی است از جانب ذات باریتعالی و حکومت‌ها نمی‌توانند این حق را نادیده بگیرند. امام در مقام یک فیلسوف الهی و رهبری عالم، آزادی را عطیة خداوند و به تبع آن حق دخالت در آزادی بشر را منحصر به ذات مقدس حق می‌داند

ایشان اولین مرحله شکل‌گیری تمدن را آزادی ملت‌ها قلمداد کرده‌اند و مملکتی که فاقد آزادی است را فاقد تمدن می‌دانند. امام آزادی را امری واضح و بی‌نیاز از تعریف می‌دانستند و آن را از بنیادهای اسلام و بهترین نعمت داده شده به بشر از جانب خدای تعالی می‌شمردند. پس از برر سی مفهوم آزادی و آشنایی با دیدگاه‌های امام در این رابطه، اقسام و ابعاد آن را که از اهمیت شایانی برخوردار است مورد تفقه و بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول- آزادی اندیشه

آزادی اندیشه طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حق هر فردی از افراد بشر به شمار می‌رود و تحت هیچ عنوانی قابل نقض نیست با مراجعه به منابع اسلامی اعم از قرآن و روایات می‌توان دریافت که آزادی اندیشه از ویژگی‌های خاص دین اسلام است و در زمره بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عبادت‌ها قرار داده شده است.

در آیات متعدد قرآن و روایات، سخن از تفکر، تعقل و تفقه آمده است. «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام: ۵۰) در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «لإعبادة مثل التفكير»

البته مرز آزادی اندیشه از دیدگاه اسلام بی‌قید و شرط نیست بلکه تا جایی است که به کفر و الحاد نگراید و به همین جهت است که در متون دینی، روایاتی به چشم می‌خورد که انسان را از اندیشه در آنچه که به دوری از خدا می‌انجامد، منع کرده است.

امام در خصوص آزادی اندیشه انسان کامل را کسی می‌دانند که با برهان، اعتقادات خود را اظهار کند و دلالت آیه «لَا كِرَاهَ فِي الدِّينِ» را بر منع تحمیل عقاید به افراد می‌دانستند. البته از نظر ایشان آزادی عقیده تا جایی ادامه دارد که سبب اضرار به جامعه و آحاد مردم نشود و اگر به قصد توطئه باشد قطعاً محدود خواهد شد در مواد یک تا شش فرمان هشت ماده‌ای امام نیز، خطاب به مسئولین قوه قضائیه و دستگاه‌های اجرایی، حقوق مردم مورد تأکید قرار می‌گیرد.

گفتار دوم- آزادی مذهب

آزادی مذهب به این معنی است که هر کس آزاد است هر مذهبی را که می‌خواهد انتخاب کند و بر طبق آن عمل نماید و هیچ کس نمی‌تواند او را در مورد پذیرش مذهب خاصی اجبار نماید همچنین هر فردی حق دارد که بدون هرگونه محدودیت و اجباری مذهب خود را تغییر داده و مذهب جدیدی برای خود انتخاب نماید.

دین مجموعه‌ای از آموزه‌ها و معارف علمی و عملی است که از سوی خداوند متعال برای کمال انسان نازل شده و دینداری، اعتقاد و ایمان قلبی به آن آموزه‌ها و معارف است.

واضح است که اعتقاد به هر مذهبی و باور آن از امور قلبی و درونی است و اکراه و اجبار در آن راه ندارد. آیه شریفه قرآن به وضوح مبین این مطلب است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶). لذا نمی‌توان از راه اجبار، ایمان و اعتقاد به دین را در قلب مردم به وجود آورد یا عقیده و ایمان را از صفحه قلب زدود، این یک واقعیت تکوینی است و به هیچ وجه قابل انکار نیست و حکم تشریحی مذکور در آیه فوق تصدیق کننده وجود این واقعیت است. از این رو دینداری، یعنی گرایش آزادانه و فارغ از اجبار به دین و پذیرش آن براساس آگاهی و اختیار .

در اسلام حقوق اقلیت‌ها همواره مورد احترام و توجه بوده و آنان نیز همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شدند. از دیدگاه امام خمینی نیز اقلیت‌های دینی حقوق ویژه‌ای خواهند داشت: «اسلام بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است بهره‌مند شوند ما به بهترین وجه از آنها نگهداری می‌کنیم در جمهوری اسلامی (حتی) کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند!»

گفتار سوم- آزادی بیان

از دیگر اقسام آزادی حقوقی، حق آزادی بیان است. آزادی بیان و ابراز آزادانه عقاید و افکار در زمینه‌های مختلف علمی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و ... موجب برخورد افکار و آرا و رونق گفتگو و نقد و بررسی است و علم و اندیشه جز در بستر این چالش‌ها و کشاکش‌ها شکوفا نخواهد شد. از سوی دیگر در رابطه مردم و حکومت،

^۱ دانشنامه امام خمینی، جلد دوم، جمعی از محققین

آزادی بیان موجب اصلاح ساز و کارهای حکومت، جلوگیری از فساد و کژروی مسئولان و بهبود اوضاع جامعه می‌شود.

جامعه‌ای که بیان و ابراز عقیده در آن ممنوع یا محدود شود به استبداد و اختناق دچار می‌شود و در مقابل جامعه‌ای که مردم از آزادی بیان — در حدود منطق و شرع — برخوردار باشند به رشد و تعالی دست می‌یابد.

از نظر اسلام ابراز و بیان واقعیات چه در قلمرو مادی و چه در قلمرو معنوی نه تنها آزاد است بلکه کسی که اطلاعی از حقایق داشته باشد و قدرت بیان آنها را در خود احساس کند و با این وجود ساکت بماند و مردم را از دریافت آن حقایق محروم کند مسئول است و عقوبت خواهد شد.

به هر حال، واضح است در جایی که گستردگی آزادی بیان منجر به ضرر جامعه یا حقوق افراد شود به هیچ وجه مورد پذیرش اسلام نیست و بر آن حد و مرز ترسیم شده است مواردی از قبیل اضلال، دروغ، غیبت، تهمت و... نه تنها مجاز نیست بلکه محکوم شده و در مواردی مستوجب عقاب دنیوی و اخروی است.

در رابطه با این حق امام می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود. مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند. هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است. البته ایشان حق ابراز عقیده را تا جایی که به منافع کشور ضرر نرساند بلامانع می‌دانستند.

^۱ حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۳۲، ۱۳۹۱

گفتار چهارم-آزادی سیاسی

آزادی سیاسی که در بعد حقوق سیاسی نیز می‌تواند مطرح شود عبارت است از آزادی افراد در قانونگذاری و انتخابات. در نظام توحیدی اسلام منشأ اصلی قدرت سیاسی خداوند متعال است، مالکیت مطلق و حقیقی مخلوقات از آن او و حاکمیت، منحصر در اراده لایتنیر او است و فقط کسانی را که او تعیین می‌کند حق حکومت دارند. بر این اساس حقی که مردم در اداره امور جامعه خود دارند در حقیقت ناشی از همین حاکمیت الهی است. به بیان دیگر خداوند انسان‌ها را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و به آنها حق تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود را داده اما اعمال و اجرای این حق در چهارچوب تعیین شده و با رعایت شرایطی صورت می‌گیرد که صاحب اصلی حق مقرر کرده است.

مبحث دوم-حق عدالت اجتماعی

از عالی‌ترین مفاهیم بشری که اساس آموزه‌های پیامبران الهی است، عدالت می‌باشد؛ عدالت عامل تعادل همه ارزش‌ها بالاخص ارزش اقتصادی است و ملاک تحقق آن در نظام اسلامی، «میزان» بیان شده است. وجود عدالت منجر به شکوفایی استعدادها، ریشه‌کنی فقر و فحشا، دوام حکومت‌ها و اطاعت مردم از دولتمردان می‌شود. عدالت از ریشه «عدل» است و در تفکر عام به معنای مساوات و برابری است و لیکن در واقع به معنی تقسیط بر اساس راستی و کمال است.

در آیات متعددی از کتاب قرآن به اهمیت اقامه عدالت در بین مردم اشاره شده به طوری که یکی از اهداف اصلی بعثت انبیا اقامه عدل بیان شده است. همچنین از اوصاف ثبوتی ذاتی خداوند متعال، عدالت است و انسان نیز از ابتدای تاریخ نسبت به این ارزش والا نوعی شیفتگی و دل‌بستگی خاص داشته است.

اساساً از رموز موفقیت اسلام و گسترش وسیع آن در کمتر از نیم قرن، تأکید بر عدالت و نفی هرگونه تبعیض بود. در آیات متعددی نیز مؤمنان سفارش به اقامه عدالت شده‌اند.

سیره معصومین، نیز کاملاً مطابق با آیات قرآن بوده است. از حضرت علی(ع) نقل شده که ایشان بهترین و برترین سیاست را عدل می‌دانند.

امام خمینی در تعریف عدالت می‌فرمایند: «عدالت عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط. و آن از امهات فضایل اخلاقیه است.

اقامه عدل و انصاف در جامعه مورد تأکید امام بود ایشان هدف از اسلام را اقامه حکومتی عدل گستر می‌دانستند و حکومت اسلامی را حکومت عدل معرفی می‌کردند و همواره بر مسئولیت حاکم در رسیدگی به امور فقرا، مساکین و از کارافتادگان تأکید می‌نمودند.

مبحث سوم- حق امنیت

منظور از حق امنیت این است که «فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید و سایر مجازات‌های غیرقانونی و خودسرانه یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی و فحشا و غیره مصون و در امان باشد»^۱ این حق همچون سپری حمایتی برای همه انواع آزادی‌های شخصی تلقی می‌شود.

۱- طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۲

امام، امنیت را لازمه همه امور مربوط به سعادت دنیوی می دانستند و تأمین و حفظ آن را از تکالیف دولت اسلامی می شمردند. در جایی می فرمایند: «در محیط اسلام و مملکت اسلامی رعب نیست، و در محیط طاغوتی رعب است» ایشان در ماده (۷) فرمان هشت ماده‌ای برای تأمین امنیت شهروندان هرگونه رفتار خارج از قاعده دولت را محکوم کرده و آنرا ممنوع اعلام می کنند.

از حق امنیت که به عنوان حق بنیادین مطرح است سه حق مهم دیگر منتزع می شود که هر یک به جهت اهمیتی که دارند به طور جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند:

گفتار اول - حق حیات

حق حیات یکی از بنیادی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق انسان‌هاست. تلاش برای زنده ماندن و دفاع در مقابل تهدیدات و خطرهای جانی، هم در میان انسان‌ها و هم در میان حیوانات امری غریزی و طبیعی است، اما موضوع زندگی و مصونیت آن در مورد انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا از سویی انسان، برخوردار از نیروی اندیشه و قدرت گزینش و قابل عهده‌داری تکالیف و بهره‌مندی از حقوق فردی و اجتماعی است و از دیگر سو، همانندی منافع، محدودیت امکانات و مرزناپذیری خواسته‌ها زمینه برخورد افراد و تجاوز به حیات یکدیگر را افزایش داده است.

حق زندگی یکی از حقوق فطری و طبیعی انسان شمرده شده است و اساس تمام حقوق انسانی به شمار می‌رود؛ زیرا همه حقوق، بسته به وجود خود شخص است و بدون او مفهومی ندارد. به موجب این حقوق، هیچ فرد، گروه و حکومتی نمی‌تواند این موهبت خداداد را از انسان سلب کند و به انسان آسیب وارد سازد.

لذا دولت‌ها مکلفند از حق حیات تمام شهروندان به طور برابر و بی‌کمترین تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، تابعیت، مذهب، جنسیت و ... پاسداری و حمایت کنند.

از نظر اسلام، زندگی انسان دارای ارزش و احترام خاصی است و هیچ کس بدون مجوز شرعی، حق تجاوز و تعدی به زندگی دیگران را ندارد. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...» (اسراء: ۳۳). «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مائده: ۳۲).

حفظ حیات و بهره‌مندی از زندگی هم حقی برای انسان‌ها محسوب می‌شود و هم تکلیفی شرعی، زندگی از نظر اسلام، ودیعه‌ای است الهی که هیچ کس حق تعرض به آن را ندارد و به همین دلیل «خودکشی» در اسلام ممنوع اعلام شده و موجب عذاب الهی است.

مبدأ حق زندگی و احترام به حیات انسان، زمان آغاز شخصیت جسمانی او یعنی زمان انعقاد نطفه است و از این زمان تا لحظه مرگ، حیات انسان مورد احترام و مصون از تعرض است؛ از این رو، از نظر فقها سقط جنین از زمان انعقاد نطفه، حرام و موجب دیه است.

بنابراین جز در موارد قانونی، هیچ فرد، گروه یا نهاد دولتی و غیردولتی حق تعرض به جان افراد را ندارد، اما زندگی انسان تا آنجا دارای احترام است که وی نیز این حق را برای دیگران محترم بشمارد و ارزشمندترین گوهر وجود، یعنی کرامت و شرافت انسانی را زیر پا نگذارد در غیر این صورت، گاه اقتضا می‌کند جهت حفظ سلامت جامعه و مصلحت عموم، درخت فساد از ریشه برکنده شود و افزون بر آن عبرتی نیز برای دیگران فراهم آید. براین اساس نسبت به حق حیات موارد حق قصاص، مجازات اعدام و دفاع مشروع استثنا شده‌اند.

گفتار دوم- حق حریم خصوصی

از جمله حقوقی که از شخصیت معنوی انسان حمایت می‌کند و در آرامش زندگی و امنیت خاطر انسان نقش مؤثری دارد حق تمتع از حریم خصوصی و مصونیت آن از تعرض دیگران است. همه انسان‌ها مایلند در حریم خصوصی خود استقلال داشته باشند و از تعرض دیگران مصون بمانند. حق حریم خصوصی به معنای اختیار تصمیم‌گیری و آزادی اراده انسان در همه ابعاد زندگی خصوصی و مصون بودن شخص از دخالت دیگران در این حریم است. به موجب این حق، هرگونه تفتیش و تجسس درباره وضع جسمانی، احوال شخصی و سایر امور او، استراق سمع، گفتگوهای خصوصی فرد و ضبط آن، گرفتن عکس شخص یا مونتاژ و انتشار آن، بازگشایی نامه‌ها و مکاتبات شخصی و سایر روش‌های مداخله در زندگی خصوصی افراد ممنوع و مغایر با حق آزادی وی است.

در این باره امام می‌فرماید:

نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم، نباید هم آنها خیال کنند که خیر، دیگر گذشت مسائل، هر کاری می‌خواهیم بکنیم؛ یک دغدغه درست کنند. اگر اطلاع پیدا شد صحیح که عشرتکده در یک جایی هست، یک جایی میکند هست، یک جایی قمارخانه هست، اینها همه‌شان باید جلوگیری بشود. و اگر کسی بیرون هم آمد و یک کاری را، اگر خلاف بود انجام داد، آن هم باید جلوگیری بشود!

بر این اساس امام به وجود حریم خصوصی برای شهروندان معتقد بودند، اما بر مبنای مقررات نشأت گرفته از وحی الهی حدود آن را مضیق می‌کردند و اخلاق عمومی را در این رابطه لحاظ قرار می‌دادند. در واقع نگاه ایشان در رابطه با حریم خصوصی هم بعد فردی را دربرمی‌گرفت و هم بعد اجتماعی آن را مهم‌ترین بعد اندیشه امام در حوزه حریم خصوصی را می‌توان در فرمان هشت ماده‌ای ایشان مورد بررسی قرار داد. این فرمان در جهت جلوگیری از اقدامات خارج از ضوابط قانونی و خود سرانه بعضی از افراد تندرو صادر شد و طبق آن تجسس از

^۱ اعظمی، علی اصغر و سلیمانی، بیژن، قضا و قضاوت از دیدگاه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰

گناهان غیر و کشف و فاش ساختن اسرار مردم جرم محسوب شده و شنود تلفن و ضبط صوت دیگران ممنوع اعلام شده است.

در این فرمان امام بر احساس آرامش و امنیت مردم تأکید می‌کنند و قوه قضائیه و دولت را در پشتیبانی از این امر توصیه می‌نمایند.

امام تجسس در حریم خصوصی افراد را تنها در صورت قطع و یقین از وجود مفسده مجاز می‌دانستند آن هم در صورتی که قبل از اقدام مسئولان، حکم قضایی صادر شده باشد.

مصونیت زندگی و حریم خصوصی افراد نیز در مواردی که نظم عمومی و امنیت جامعه اقتضا می‌کند محدود می‌گردد. برای مثال اگر کشف جرم یا متهم، متوقف بر بازرسی اشیای خصوصی افراد باشد تفتیش و بازرسی آن جایز است و بازرسی اماکن و اشیای فقط در صورتی اجازه داده می‌شود که حسب دلایل جرم وجود داشته باشد علاوه بر این، بازرسی اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم و نیز ملاحظه و تفتیش مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم تنها در صورت ضرورت، در حد نیاز و با ضوابط خاصی صورت می‌گیرد. کنترل تلفن افراد نیز فقط در مواردی که به امنیت کشور مربوط است یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضرورت دارد جایز است. تجسس و تفتیش در اسناد خصوصی افراد و مداخله در زندگی خصوصی دیگران جز در مواردی که در قانون پیش‌بینی شده، جرم محسوب می‌شود و مستوجب مجازات است.

سیره نظری و عملی امام خمینی نسبت به قانون و قانونگرایی، چه در دوران مبارزات و چه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بر محور حفظ فضیلت، عزت و کرامت انسانی و عدم تجاوز حکومت و عوامل آن بر حریم خصوصی افراد مردم بود. لذا در طول حیات خویش بارها در سخنرانی‌ها و پیام‌ها و فرامین مختلف بر آن تأکید نموده و رهنمودهای لازم را ارائه کرده‌اند

دیدگاه حضرت امام در موضوع حفظ حریم خصوصی افراد که منبعث از دیدگاه اسلام و قرآن است در آثار مکتوب و غیر مکتوب ایشان به صراحت دیده می شود و اختصاص به زمان و مقطع خاصی ندارد. البته کامل ترین و جامع ترین نظرات ایشان در این موضوع در پیام ۸ ماده‌ای آمده است. با کمی بررسی در آثار حضرت امام به ویژه «صحیفه امام» خواهیم دید، توجه و دقت در حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی افراد ریشه در سیره نظری و عملی امام دارد و از محکمت و ثبوت اندیشه اوست. اگر فقط مقطع پس پیروزی انقلاب را در نظر بگیریم، خواهیم دید؛ هنوز چند ساعتی از پیروزی انقلاب نگذشته، یعنی صبح روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، در پیامی خطاب به مردم و جوانان انقلابی دستور می دهند:

« افرادی از دشمن که به عنوان اسیر در اختیار شما قرار می گیرند، هرگز مورد خشونت و آزار قرار ندهید.

همچنان که سنت اسلامی است به اسیران محبت و مهربانی کنید. »

یا اینکه دو روز پس از پیروزی انقلاب، ۲۴ بهمن ۵۷، باز طی پیامی به ملت ایران تأکید می کنند کسی با نام

انقلابی گری و حزب الهی و جهت انتقام از وابستگان رژیم شاه و اعیادی او حق ورود به منازل را ندارد:

به خانه های مردم هجوم نبرید و احیاناً باعث ناراحتی خانواده ها نشوید. و در ادامه می فرماید: «از شما

فرزندان عزیز می خواهم از این به بعد بدون کسب اجازه از دولت قانونی به خانه هیچ کس حمله نکنید و کسی را

از پیش خود توقیف ننمایید... کیفر مجرمان نباید بدون نظم و حساب و توسط افراد غیر مسئول انجام گیرد.»

با وجود وضعیت انقلابی جامعه و اقتضائات هر انقلابی که در آن ممکن است تندروی ها و برخوردهایی

از طرف انقلابیون صورت گیرد، و علی رغم کارشکنی های دشمنان و مخالفان و احزاب و گروه های مختلف باز

حضرت امام دست از رویه قانونگرایی و حفظ حقوق شهروندی و حریم خصوصی مردم برنداشته و دو هفته پس از

^۱ دانشنامه امام خمینی، جمعی از محققین، جلد یک

^۲ حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۵۸ ص ۱۳۹۱

پیروزی انقلاب، پیش از ترک تهران و عزیمت به قم، (۹ اسفند ۱۳۵۷) در یک پیام ۱۴ ماده‌ای خطاب به ملت ایران می‌فرماید:

به تمام اعضای کمیته‌ها و زندانبانها حکم می‌کنم که با زندانیان - هر که باشد- به طور انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است و به بستگان زندانیان در روز معینی با مقررات، اجازه ملاقات دهند.^۱

مضافاً اینکه جهت حفظ و صیانت از حق و حقوق مردم و گرفتن بهانه از بعضی از جوانان انقلابی و جلوگیری از احساساتی شدن آنان می‌فرماید:

من توصیه می‌کنم حتی نسبت به کسانی که به من اهانت نموده‌اند نباید تعرض شود.^۲

در بخشی دیگر از بیانات خود به صفات و اخلاق و نوع برخورد انقلاب و انقلابیون اشاره کرده و تذکر می‌دهند: حالا که ما انقلاب کردیم باید هرج و مرجی باشیم؟! خوب، انقلاب کردیم؛ انقلاب که نباید هرج و مرج باشد. انقلاب روی موازین اسلام باید باشد. نباید ما یک کلمه «انقلاب» بگذاریم و هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم بگوییم که انقلابی است! انقلابی یعنی چه؟ مگر اسلام عوض می‌شود در انقلاب؟! اسلام همان اسلام است.

با همه دستورات و تأکیدات حضرت امام و دقت و پیگیری سایر مسئولین نظام، باز تخلفات و بی‌قانونی‌هایی انجام می‌گرفت. حتی از ناحیه بعضی ارگان‌ها و نهادهایی که خود باید مجری فرامین امام باشند. لذا حضرت امام با اطلاع یافتن از بعضی تخلفات به ویژه در حوزه امور قضایی، پیام موسوم به «فرمان هشت ماده‌ای» را در ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۶۱ صادر کردند.

^۱ کرامت انسان در اندیشه و سیره امام، جمعی از نویسندگان، جلد یک
^۲ همان .

پس از صدور، جهت اجرائی و عملی شدن آن طی حکمی، ستادی را متشکل از سران نهادهای اجرایی و قضایی تشکیل داده و مأمور پیگیری این فرمان می‌کنند. ترکیب اعضای ستاد نشان می‌دهد. حضرت امام این فرمان را فقط برای زندانیان و محکومان صادر نکرده، بلکه مقصود ایشان رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی کلیه آحاد ملت است.

زمینه‌ها و علل صدور چنین فرمانی خود نیازمند بررسی و تحلیل مستقلی است، اما به جرأت می‌توان گفت؛ برخی عملکردهای افراطی و دخالت حکومت و نهادهای تازه تأسیس حکومتی در حریم خصوصی شهروندان از عمده عوامل آن بود.

اموری را که حضرت امام در این فرمان مورد توجه قرار داده‌اند، به طور خلاصه عبارت از:

۱- تهیه قوانین شرعی، قانونگذاری در خصوص آنها و سپس طی نمودن تشریفات ابلاغ بخصوص در رابطه با

مباحث قضایی

۲- دوری از اشکال تراشی‌های جاهلانه و معیار قرار دادن حال فعلی اشخاص در رسیدگی به صلاحیت افراد.

۳- صدور احکام اسلامی با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از هیچ مقامی.

۴- ممنوعیت ارگان‌های حکومتی در رفتار غیراسلامی با مردم.

۵- ممنوعیت توقیف و احضار بدون حکم قاضی هرچند به مدت کوتاه. چنین عملی جرم و موجب تعزیر

شرعی خواهد بود.

۶- ممنوعیت دخل و تصرف و توقیف و مصادره اموال منقول و غیرمنقول افراد بدون حکم حاکم شرع آن

هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۷- ممنوعیت ورود به خانه یا مغازه یا محل کار اشخاص بدون اذن صاحب آنها.

۸- ممنوعیت جلب، تعقیب، مراقبت، اهانت و اعمال غیرانسانی- اسلامی نسبت به دیگری به نام کشف جرم

یا ارتکاب گناه.

۹- گوش کردن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه.

۱۰- شنود گذاشتن و تجسس از گناهان و دنبال اسرار دیگران بودن برای کشف گناه و جرم، هرچند گناه

بزرگ باشد.

۱۱- فاش کردن اسرار دیگران حتی برای یک نفر.

حضرت امام بعد از بر شمردن موارد فوق درانتهای پیام خود بار دیگر تأکید می‌کنند: «قابل قبول نیست که

به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود.»

ایشان در این فرمان نزدیک به بیست مورد از حقوق شهروندی را در رابطه با شهروندان مورد توجه و اشاره

قرار داده و بر لازم‌الاجرا بودن آن تأکید ورزیدند و در این راستا هیأت‌هایی تشکیل داده و فرامین و نامه‌های

زیادی مرقوم کردند.

نهایتاً پس از پیگیری مستمر ۶ ساله حضرت امام در تاریخ ۶۸/۲/۱۵ دقیقاً یک ماه قبل از رحلتشان با اعلام

ادامه داشتن اختیارات هیأت تشکیل شده برای اصلاح امور زندان‌ها و عفو زندانیان، درخواست عفو را به رئیس

دیوان عالی کشور واگذار می‌نمایند. این نامه حضرت امام که از آخرین مکتوبات ایشان می‌باشد، نشان از دغدغه

جدی آن پیر فرزانه در خصوص رعایت حقوق شهروندی مردم دارد.

با بررسی بیانات و نظرات حضرت امام به نظر می‌رسد دیدگاه ایشان بر ضرورت و لزوم محترم شمردن

احترام، شئون و حقوق افراد جامعه مسلمین و کتمان اسرار و حفظ اعراض آنان می‌باشد. هرگز نباید حقوق افراد

و آبروی آنان با استراق سمع و شنود، تفتیش و تجسس، افشاگری و... مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد، در ارتکاب و

انجام این کارها، هیچکس نمی‌تواند به بهانه مأمور و معذور و یا عضویت در دستگاه امنیتی برای خود عذر شرعی درست نموده و دست به چنین اعمالی بزند. چون بر مأموران امنیتی و اطلاعاتی نیز جایز نیست در امور شخصی مردم دخالت نمایند، مگر اینکه به مصالح و مقتضای نظام و مردم برگردد که مقدار و نحوه آن را هم قانون تعیین می‌کند.

گفتار سوم - حقوق قضایی

تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم که از وظایف مهم حکومت شمرده می‌شود از یک سو به معنای به رسمیت شناختن این آزادی‌ها و تدوین قوانین و مقررات بر اساس آنهاست و از سوی دیگر مستلزم پیش‌بینی ابزارها و ساز و کارهایی است که آن حقوق و آزادی‌ها را تضمین و از تعرض و تجاوز به آن جلوگیری نماید. برای تضمین آزادی‌ها و حقوق اساسی و پاسبانی از حقوق شهروندان نهادهایی مانند قوه قضائیه تشکیل شده و اصول و قواعدی نیز برای تسهیل و تسریع در اجرای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان مقرر گردیده است. برای جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق شهروندی افراد، مقرراتی از قبیل استحکام امر قضاوت و حفظ استقلال قضاوت پیش‌بینی شده است. در فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی، از میان مصادیق حقوق شهروندی بیشتر از همه حقوق قضایی شهروندان مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. ایشان در ماده (۱) دقت در بررسی صلاحیت قضات و دادگاه‌ها را مایه حفظ حقوق مردم و در ماده (۲) استقلال و اقتدار قضات در صدور رأی را زمینه ساز آرامش قضایی جامعه برمی‌شمرند در مواد (۴) و (۵) فرموده‌اند:

هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است... هیچ کس

حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی!

در ادامه در ماده (۶) فرمان نیز می‌فرمایند:

هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد^۱

می‌توان گفت علت اصلی صدور فرمان هشت ماده‌ای امام جلوگیری از تندروی‌هایی بود که امنیت اجتماعی افراد را دچار خدشه و تزلزل می‌کرد این فرمان منشور کاملی در جهت حفظ حقوق شهروندی است و بر اسلامی شدن قوانین و عملکرد قوه قضائیه و ارگان‌های اجرایی تأکید دارد. از منظر امام خمینی شرط تشکیل اجتماع مترقی و متمدن، رعایت و اجرای حقوق شهروندی افراد است. تا زمانی که نیازهای اساسی و اولیه بشر مورد حمایت قرار نگیرند بشر نمی‌تواند به تعالی بیانیدشد.

ایشان بر این عقیده بودند که حقوق شهروندی هدیه‌ای از جانب پروردگار یکتاست به افرادی که در دل اجتماع و تحت لوای حکومت واحدی زندگی می‌کنند و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات رسمی و...

^۱ دانشنامه امام خمینی، جلد دو، جمعی از محققین

^۲ اعظمی، علی اصغر و سلیمانی، بیژن، قضا و قضاوت از دیدگاه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰

نمی‌تواند افراد را از این حق طبیعی خود محروم سازد و تفاوت در نوع نژاد، جنس، زبان، دین، اندیشه و... تأثیری در کیفیت و کمیت این حقوق ندارد و همه افراد علی‌رغم تمام تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی آنها از این حقوق برخوردارند.

مبحث سوم- حقوق شهروندی یکتاپرستان از دیدگاه امام خمینی

گفتار اول- زندگی کردن در رفاه و امنیت

امام خمینی در خصوص زندگی یکتاپرستان در حکومت اسلامی تصریح میکنند که معتقدند آنها نیز میبایست همچون سایر افراد جامعه در رفاه روزگار بگذرانند به نحوی که از جهت احساس آرامش و بهره‌مندی از امنیت تفاوتی میان ایشان و سایرین نباشد:

این نهضت امیدوارم که برای همه مذاهب، اقلیتهای مذهبی، که در ایران زندگی می‌کنند برای همه خیر آورده باشد. ما برای اقلیت مذهبی احترام قائل هستیم. اینها اهل ملت ما هستند، اهل مملکت ما هستند. و من امیدوارم که حکومت عدل اسلامی برای آنها بسیار خوب باشد و آنها در پناه اسلام با زندگی مرفه، آزاد و به طور صحیح این جا زندگی بکنند.^۱

امام همواره تاکید میکنند که عدالت اجتماعی اقتضا میکند یکتاپرستان نیز در کنار سایرین از امکانات فراهم شده توسط حکومت بهره ببرند.

^۱ کرامت انسان در اندیشه و سیره امام خمینی، جلد یک، جمعی از نویسندگان ص ۷۵

ایشان جریان قانون گذاری در جمهوری اسلامی را بدین سمت رهنمون می کنند که باید در جهت رفاه و آسایش برای زندگی شایسته یکتاپرستان قدم بردارد:

مجلس جمهوری اسلامی، همان سان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می نماید، برای رفاه و آسایش اقلیتهای مذهبی، که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند، اقدام و فعالیت می نماید، و اساساً، آنان با مسلمانان در صف واحد و برای کشور خدمت می کنند و در صف واحد از تمام ارزشها و مآثر آن برخوردار می باشند.

گفتار دوم- آزادی انجام مناسک دینی و مدنی

همانگونه که شرح آن رفت بیانات امام مشحون از عباراتی است که تصریح میکند شرایط یکتاپرستان در جامعه اسلامی میبایست آزاد باشند و فارغ از فشار و محدودیت مناسک خویش را انجام دهند.

تمام اقلیتهای مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند. همه اقلیتهای مذهبی در اسلام محترم هستند. همه گونه آزادی برای انجام فرایض مذهبی خود دارند. ما با هیچ بشری ضدیت نداریم. آنان ایرانی اند و مثل سایر ایرانیان همه گونه حق دارند. باید غرب متوجه باشد که اسلام نسبت به اقلیتهای مذهبی بسیار با احترام رفتار می کند. من بارها گفته ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام می دهند و ما موظفیم از آنان نگهداری نماییم.^۲

^۱ داستانی بیرکی، علی، آزادی در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰
^۲ حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام،

گفتار سوم- آزادی بیان

آزادی بیان از مهمترین حقوق شهروندی و همچنین از اهم موارد حقوق بشر است. این امر در خصوص یکتاپرستانی نیز که در جامعه اسلامی زیست میکنند مجری است. شایان ذکر است این مهم زمانی بالفعل خواهد شد که این امکان از طریق دادن تربیون و فضاهای ارتباطات اجتماعی به منصفه ظهور برسد. امام خمینی بر این اساس تصریح مینماید: «اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیتهای مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند^۱». باید عنایت داشت که امام خمینی در بحث آزادی بیان بسیار فراتر از یکتاپرستان اندیشیده اند و حتی حق مذکور را برای کمونیستها نیز به رسمیت شناخته اند. امام خمینی در این خصوص میفرماید:

اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی، به اقلیتهای مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسانها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند^۲.

به طور کلی، می توان گفت اندیشه امام خمینی درباره حقوق شهروندان جامعه، که برگرفته از آموزه های اسلامی است، بر اساس شاخصهای کلان ذیل است:

-کرامت انسانی

-عدالت اجتماعی

-امنیت عمومی

^۱ دانشنامه امام خمینی، جلد دو، جمعی از محققین

^۲ داستانی بیرکی، علی، آزادی در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰ ص ۸۶

مبحث پنجم: حقوق شهروندی اقلیتهای دینی از منظر فقه امامیه

گفتار اول- مفهوم اقلیتهای دینی

یکی از مهمترین موضوعاتی که میتواند حکومت هر کشور را درگیر نماید و تا مرحله ی قانونگذاری پیش رود و قوه مقننه را با چالش مواجه سازد وجود اقلیتهای مذهبی و قومی و به رسمیت شناختن آنها در کشورهای مختلف با فرهنگها و سیاستهای متفاوت حاکمه است. وجود و شناسایی این اقلیتهای مستلزم بررسی های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، حقوقی، پراکندگی های جمعیتی و ... بوده و در حال حاضر در برخی کشورها به دغدغه ی عمده حال و آینده تبدیل گردیده است. موضوع وقتی با اهمیت تر می نماید که از یک طرف دغدغه اعمال عدالت حقوقی، اجتماعی، سیاسی و غیره برای اقلیتهای مطرح میشود و از سوی دیگر ترسیم جایگاه اکثریت و شرایط قوه حاکمه. که این امر موضوع وجود و شناسایی اقلیتهای در سایر کشورها را به ابزاری جدی در بررسی تحقق حقوق شهروندی تبدیل میکند.

در کتاب نور و هدایت قرآن کریم در خصوص پرداختن به این موضوع خداوند در آیه ۱۲۵ سوره نحل، پیامبر گرامی اسلام را به برخورد توأم با حلم و بردباری توصیه نموده و در آیه ادع الی سبیل ربک... به اعمال مهمترین اصل در تعاملات اجتماعی که همانا صبر و حلم است توصیه می نماید.

آنچه مسلم است در بحث اقلیتهای صرفا موضوع اقلیتهای مذهبی مد نظر نبوده و وجود اقلیتهای در یک جامعه از منظرهای متعدد از جمله اقلیتهای قومی، نژادی، دینی، اقلیتهای مهاجر و... میباشد که در کشوری شناسایی میگردند و به رسمیت شناختن حقوق اقلیتهای مزبور و احترام به افراد تشکیل دهنده ی این اقلیتهای از اهم تکالیف قدرت حاکم بر هر جامعه تلقی می گردد.

لذا به همین خاطر است که از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی توسط نبی رحمت، آنچه از احادیث و رفتار ائمه و قرآن کریم به عنوان منابع فقه امامیه با تکیه بر قول و فعل معصومین و کتاب و سنت و اجماع بر می آید

اینکه همواره حقوق اقلیتها در اسلام به رسمیت شناخته شده و در فضای احترام متقابل و در سایه ی حکومت اسلامی، کلیه اقلیتها به زندگی خویش پرداخته اند. مگر آنکه با انجام رفتارهای تفرقه انگیز و برانگیختن خصومتها موقعیت خود را در جامعه اسلامی از دست داده باشند.

در بررسی منابع اجتهادی و با عنایت به سنت رسول خدا، انعقاد چنین قراردادهایی در قالب پیمان ذمه، باعث ایجاد فضایی آرام و بستری امن در جهت تعامل و همزیستی مسالمت آمیز با سایر ادیان اهل کتاب شامل یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان می گردد.

ایشان با به رسمیت شناختن رفتارهای مذهبی اینگونه اقلیتها خصوصا در مباحثی چون نکاح، طلاق، احوال شخصیه و همچنین قواعد خانوادگی ایشان و احترام به اموال و حقوق مالی مکتسبه، تا آنجا پیش می روند که اقلیتها به سهولت امکان انجام شعائر مذهبی خاص خود را نیز در جامعه اسلامی پیدا کردند. بنابراین تردیدی نیست که بهترین روش برخورد با اقلیتهای دینی و مذهبی در زمان پیامبر اسلام به منصفانه ظهور رسید و میبایست مبنایی برای انجام و عمل منویات اسلام در آینده در حکومتهای اسلامی باشد.

شایان ذکر است پیمان ذمه نیز تا زمانی که اقلیتهای مزبور به پیمان و عهدشان پایبند باشند معتبر بوده و در صورت نقض عهد و پیمان بلافاصله خود را از معیت حکومت اسلامی خارج می نمایند. و عامل وفاداری به عهد و پیمان باعث برخورداری از حقوق و منافع حاصله از پیمان ذمه منعقد، تلقی میگردد. امام زین العابدین (ع) در این باره فرمودند: "حق اهل ذمه اینست که آنچه را خداوند از ایشان قبول کرده بپذیری، مادام که آنها در پیمان با خداوند وفادارند. مبادا بر ایشان ستمی روا داری."

فقه امامیه اثنی عشری حقوق اقلیتها را در حکومت اسلامی در دو بخش کلی ذیل مباحث حقوقی الزامی و قطعی و حقوق توافقی و غیر قطعی به رسمیت شناخته است و اقلیتهای تحت حمایت حکومت اسلامی با انعقاد قرارداد ذمه از حقوق الزامی و قطعی بهره مند میگردند و حقوق توافقی و غیر قطعی آنگونه که از نامش پیداست

ارتباطی به قرارداد ذمه نداشته و بسته به شرایط حادث شده بنا بر مصالح مسلمین مورد توافق حاکم اسلامی واقع می‌گردد.

در جوامع امروزی موضوع اقلیتها و حقوق آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و همواره سازمانها و گروه‌هایی در راستای حمایت از این اقلیتها بوجود آمده و یا در حال تکوین است. فلذا برخورد های سیاسی، اجتماعی، بشردوستانه و حتی گاهی در جهت بهره برداریهای غیرقانونی و نامتعارف این اقلیتها مورد استفاده و یا سوء استفاده قرار می‌گیرد. به هر روی آنچه مهم خواهد بود وجود یک تعریف جامع و مانع از اقلیت است. چرا که این واژه همواره از عبارتهای پر کاربرد در ادبیات حقوقی اعم از داخلی و خارجی یا بین المللی بوده. بنظر میرسد چنین تعریفی تا کنون به عمل نیامده و میبایست برای درک معنا و مفهوم واژه اقلیت ابتدا در خصوص ملاک‌هایی که میتواند با صفت قرار گرفتن برای عده کمی از مردم در یک جامعه ایشان را دارای ویژگیهای یک دسته اقلیت سازد، تمرکز نمود. قدر متیقن در این موضوع آنست که گونه ای از ناهمگونی با اکثریت جامعه در قالب دین، مذهب، نژاد، رنگ پوست، زبان، قومیت و یا انگاره‌هایی از قبیل مهاجرت میتواند عده ای از افراد را در قالب یک اقلیت در جامعه اکثریتی نمایاند.

گفتار دوم - حقوق اقلیتها در پرتو قرارداد ذمه

قرارداد ذمه عهد و پیمانی است که فیما بین حاکم اسلامی از یکطرف و اقلیت یهودی، نصرانی و زرتشتی از سوی دیگر منعقد گردیده و در این عهد و پیمان کفار ذمی ملتزم به رعایت شرایطی می‌گردند که از آنها به شرایط ذمه تعبیر میشود. و در مقابل در پناه حاکم و حکومت اسلامی از مزایای مساوی با مسلمانان بهره مند گردیده و تحت حمایت حاکم اسلامی قرار می‌گیرند. بر این اساس میتوان نتیجه گیری نمود که پیمان ذمه عقدی است از عقود که نیازمند ایجاب و قبول بوده و میان حاکم اسلامی با اهل کتاب یا همان کفار ذمی منعقد می‌گردد.

فلذا محتاج رعایت شرایط صحت عقد نیز میباشد. پرداخت جزیه و عدم انجام اموری که منافی امنیت مسلمین و جامعه اسلامی باشد و همچنین التزام عملی به احکام قضایی دین مبین اسلام و شرع مقدس از ارکان عقد ذمه محسوب گردیده و اخلال و تحقق وقفه در آنها باعث میگردد تا عقد و پیمان ذمه ابطال گردیده و آثار آن شامل حال طرف اقلیت نگردد. از نگاهی واقع بینانه در حقیقت با پیمان ذمه اقلیت ها واجد حقوق شهروندی شده و به این دلیل هیچ مسلمانی و یا حاکم اسلامی حق تعرض به ایشان را نخواهد داشت. برخی از آثار پیمان ذمه به شرح ذیل است:

بند یک- مصونیت امنیتی

بنظر میرسد از اصلی ترین و اساسی ترین آثار پیمان ذمه که شامل حال اقلیتهای مذهبی یهودی، مسیحی، زرتشتی میگردد ایجاد امنیت و صلح و آرامش در جهت استیفای حقوق شهروندی میباشد که میتوان از آن به عنوان مصونیت امنیتی یاد کرد. تعهدی که حاکم اسلامی در مقابل انجام تعهدات اقلیتهای مذهبی به ایشان میدهد در برابر اصلی ترین تعهد ایشان یعنی پرداخت جزیه میباشد. شایان ذکر است اخذ جزیه در جامعه اسلامی از اهل ذمه، در واقع نهادی است مانند اخذ خمس و زکات و مالیات اسلامی که شهروندان مسلمان میپردازند. همانطور که مالیات اسلامی صرف آبادانی و تضمین امنیت جامعه اسلامی میگردد جزیه نیز از اقلیتهای مذهبی اخذ و صرف ایجاد موارد پیش گفته میگردد. در واقع اخذ هزینه در برابر تحت الحمایگی و تقدیم امنیت اقلیتها قرار گرفته است.

بند دو- امنیت مالی اهل ذمه

در شرایط پیمان ذمه مواردی وجود دارد که برخی از آنها مانند دادن جزیه و پای بندی به احکام مسلمین و جامعه اسلامی و متعرض نشدن به اموال مسلمانان اهمیت والایی دارد. در این خصوص همچنین مطرح گردیده

ایشان نباید مرد و زن مسلمان را گمراه سازند یا اموال مسلمین را سرقت نمایند. نمیبایست به جاسوسان مشرکین در منازلشان پناه دهند و یا اسرار مسلمین را بر مشرکین فاش نمایند. از همه مهمتر آنکه از ارتکاب مواردی که در شریعت اسلام حرام است به نحو علنی و آشکار استتکاف نمایند. مواردی چون نوشیدن شراب، ازدواج با محارم و خوردن گوشت خوک و...

در مقابل آنچه برای اقلیتهای مذهبی در جامعه اسلامی به ارمغان می آید برخورداری از حقوق شهروندی مساوی با شهروندان مسلمان و حفظ حرمت جان و مال و ناموس اقلیتهای دینی در جامعه و همچنین دفاع از ایشان در برابر حمله بیگانگان و حفظ و حراست از آنهاست. این امر آنچنان از اهمیت برخوردار است که پیامبر گرامی اسلام ستم بر معاهدین را در حدی نکوهش میکند که ناقض روابط حسنه با ایشان را در روز قیامت طرف خود معرفی میکند تا مسلمین را از هرگونه تعرض بر اقلیتهای دینی منع نماید. فلذا کسی که از این دستورات تخطی نماید و مرتکب تعرضی شود قطعاً در جامعه اسلامی مجازات میگردد.

در باب تجارت نمودن با اهل ذمه نیز شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه مسلمان بودن طرف تجارت را شرط صحت تجارت مزبور ندانسته و اذعان نموده که تجارت با اهل ذمه مطابق قواعد و شرایط اسلامی آزاد است.

بند ۳- آزادی مذهبی و امکان اقامه شعائر دینی و داشتن معابد

در زمینه اعطای آزادی های مذهبی اقلیتهای در پناه قرارداد ذمه، نگاهی به چند آیه از قرآن لازم و ضروری مینماید. آنجا که خداوند در آیه ۱۲۶ سوره بقره میفرماید: بگوئید ما به خدا ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اخلاف آنان نازل گشته و نیز به آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگار داده شده است و در میان آنان فرقی قائل نمیشویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم. و همچنین در آیه ۲۸۵ سوره بقره میفرماید: پیامبر به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورد و مومنان نیز

همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و گفتند ما میان هیچ یک از پیغمبران خدا فرق نمی گذاریم. و همه یک زبان و یک دل در قول و عمل اظهار کردند که ما فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم. پروردگارا آموزش تو را می خواهیم و میدانیم که بازگشت همه بسوی توست^۱.

و همچنین در سوره آل عمران آیه ۵۰ خداوند میفرماید: و نیز در حالیکه تورات را تصدیق مینمایم آمده ام تا برخی چیزها که بر شما حرام شده حلال کنم پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید. همچنین در بسیاری آیات و روایات دیگر ادیان و کتب الهی دیگر مورد شناسایی قرار گرفته و بنابر آنچه از قرآن مستفاد میگردد فرقی میان ادیان الهی و پیامبران خدا وجود نداشته و همگی از یک سرچشمه نشأت میگیرند. فلذا در زندگی اجتماعی پیروان مذاهب یا به بیان دقیق تر در بررسی موقعیت اقلیت های مذهبی در جامعه و حکومت اسلامی از نظر آزادیهای مذهبی و امکان اقامه شعائر دینی چنانکه علاوه بر قرآن از سنت رسول الله نیز بر می آید چنین نقل شده زمانی که مسیحیان نجران در مسجدالنبی در حال مذاکره با پیامبر بودند زمان عبادت ایشان فرار سید و ایشان خواستند تا به مراسم مذهبی و نماز و عبادت خویش بپردازند و حضرت نسبت به ایشان اجازه داده و آنها به عبادت پرداختند.

همچنین با نگاهی به آیات قرآن در خصوص محترم بودن معابد و صومعه ها و کلیساها در کنار مساجد مسلمین بیان میدارد نزد پروردگار صومعه و کلیسا و کنیسه که نام خداوند در آن بسیار زیاد برده میشود محترم بوده و حاکم اسلامی نیز در قرارداد ذمه به آن احترام گذاشته و حق داشتن معابد برای اقلیت های دینی را محترم شمرده است. صاحب شرایع مینویسد اگر معابد اهل ذمه از قبل وجود داشته باشد نباید تخریب شود و در صورتیکه خراب شد اگر در زمین خود شان بوده باشد ترمیم آن اشکالی ندارد. نظر محقق حلی نیز در این خصوص چنین بیان شده است: ساختن کلیسا و کنیسه در بلاد اسلامی جایز نیست و اگر ساخته شود باید خراب

^۱ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵ ترجمه تفسیر شریف صافی، جلد یک، ص ۹۲

شود. اما اگر قبل از فتح بوده باقی گذاشتن آن اشکال ندارد. در هر حال از نظر حقوق انسانی و احتراماتی کتاب الله و سنت پیامبر به این گونه آزادیها گذاشته اند بنظر میرسد ذیل قرارداد ذمه احترام گذاشتن به آزادیهای مذهبی و اقامه شعائر دینی و داشتن معابد جهت انجام امور دینی اشکال و ایرادی نداشته و عموم فقهای امامیه نیز در نظریات و فتاوی خود یا محترم شمردن آن حق برپایی مراسم و شعائر دینی و داشتن معابد را به اقلیتهای دینی داده اند. البته بدیهی است فرق ضاله از اقلیت های دینی جدا بوده و فرق ضاله با فرض انتساب خود به ادیان الهی نباید امکان اقامه شعائر خود ساخته و ایجاد انحراف در جامعه را داشته باشند. ورود در بحث فرق ضاله و تفاوت میان آنها با اقلیتهای دینی مستلزم ورود به مباحثی میباشد که از حوصله ی این مقال خارج است.

بند ۴- استقلال قضایی

در قرآن کریم در آیات بسیاری از این موضوع یاد شده و پیامبر گرامی اسلام را مخیر دانسته در اینکه میان اهل ذمه حکم نموده و داوری نماید یا اینکه از این کار امتناع ورزد و بیان داشته در صورت قبول داوری بر عدل حکم نماید. که خداوند عدالت پی شگان را دوست دارد. آیه ۴۲ سوره مائده بر این امر صحه میگذارد. به بیان دیگر میتوان وجود حق استفاده از محاکم اسلامی را در رفع ترافعات اقلیتهای دینی از اینگونه آیات استخراج نمود. قدر متیقن اینست که اقلیتهای میتوانند در خصوص رفع تنازعات و مشکلات فیما بین خود هنگامی که دو طرف دعوی ذمی باشند به محکمه اسلامی رجوع نمایند یا به محکمه خاص خود مراجعه نمایند. اما در صورت رجوع به محکمه اسلامی نیز این حق به حاکم اسلامی داده شده که یا قبول نموده و به عدالت حکم نماید و یا اینکه امتناع نموده و به محکمه خاص خودشان رهنمون گردد. همچنین مورد دیگر جاییکه یکی از طرفین دعوی مسلمان بوده و طرف دیگر ذمی باشد که در اینصورت قطعاً محکمه اسلامی صالح به رسیدگی بوده و حکم خواهد نمود. همچنین در فرض رسیدگی به موضوعات احوال شخصیه اهل کتاب از جمله وصیت، ارث، ازدواج، طلاق، نسب

^۱ محقق حلی، ۱۴۱۶ قمری، ۱۸۷

و غیره در عمل به دین خود مراجعه و محکمه اختیار تام داشته و حق استقلال قضایی را دارا میباشند. موضوع دیگر در مسائل قضایی در رسیدگی و انجام اموری که در شرع مقدس اسلام و در جامعه اسلامی جرم تلقی شده و بعضاً در اهل ذمه ایراد و اشکالی ندارد مانند شرب خمر یا خوردن گوشت خوک که در اینگونه موارد نیز بنابر قاعده عدم تعرض در صورتیکه اهل ذمه در داخل منازل خود و بدون تجاهر و استعمال در منظر عام اقدام نمایند کسی حق تعرض به ایشان نداشته و در صورتیکه از این خط عبور نموده و عمل منافی عفت یا عملی که در جامعه اسلامی حرام دانسته شده را در منظر عام انجام دهد قطعاً تعزیر خواهد شد.

بند ۵- حق آزادی

برخورداری از آزادی برای اقلیتهای دینی در پرتوی قرارداد ذمه ذیل سه موضوع آزادی مسکن، آزادی بیان و آزادی عقیده بررسی شده و در خصوص هر یک اشاره به موارد و آیات قرآن و روش سنت رسول الله جهت درک قواعد و احکام خاصه ضروری می نماید.

حق مسکن

از حقوقی که اهل ذمه، پس از انعقاد پیمان ذمه با حاکم اسلامی به دست آوردند حق انتخاب و آزادی در انتخاب محل سکونت خود در هر نقطه از بلاد اسلامی میباشد. چه بصورت دائمی یا موقت و یا استفاده و بهره مندی از مالکیت چندین ساختمان جهت سکونت به شرط رعایت دو موضوع اول ساختمانها و عمارتهایی که توسط اهل ذمه ساخته میشوند بلندتر از منازل و عمارتهای مسلمین نباشد. ثانیاً در اماکن مقدس مسلمین سکونت نگزیده و در مساجد و حرم امن الهی وارد نشوند. در پاسخ به این سوال که فردی ذمی ساختمانی را از مسلمانی خریده است بلندتر از منازل مسلمین بوده حکمش چیست بیان گردیده که خالی از اشکال است. اما چنانچه قصد بازسازی داشت نباید بلندتر از منازل مسلمین بسازد.

حق آزادی عقیده

آیه ۱۰۷ سوره انبیا و آیه ۹۹ سوره یونس همچنین آیه ۹۵ سوره آل عمران و موارد متعدد دیگری دلالت بر این موضوع داشته و دارد که با فشار و زور نمی توان عقیده مردمان را عوض کرد. چرا که حق آزادی در انتخاب عقیده با انسان است اما در محدوده پیمان ذمه، اهل کتاب متعهد میگردند تا مسلمین را گمراه نکرده و متعرض دین و عقایدشان نگردند و به طریق اولی حق تبلیغ دین خود را در جامعه اسلامی نداشته و نباید باعث ایجاد شبهه برای مسلمین گردند.

حق آزادی بیان

بنظر میرسد در حق آزادی بیان و عقیده حکم و قواعد و آثار ناشی از پیمان ذمه مشابه بوده و همانگونه که خداوند در قرآن کریم انسان را مختار و آزاد در انتخاب عقیده و بیان دانسته اهل ذمه نیز مجبور به رعایت تعهدات خویش تحت پیمان ذمه بوده و حق ایجاد گمراهی با بیان و عقیده خویش برای مسلمین را نداشته و ندارند. فلذا میتوان به یک قاعده کلی آزادی بیان و عقیده رسید بدین مضمون که اهل ذمه تا حدی که مسلمین زن و مرد را از دین شان گمراه نکنند حق آزادی بیان و عقیده داشته و این حد را حاکم اسلامی باید با درایت و تیزبینی و هوشمندی درک نموده و به مرور زمان ترسیم نماید. بدیهی است این ترسیم از طریق قانونگذاری به منصف ظهور خواهد رسید.

بند ۶- برخورداری از عدالت اجتماعی

برخورداری از عدالت اجتماعی اهل ذمه در حق استفاده ایشان به طور مساوی با مسلمین از تک تک مواردی که تاکنون بیان شده محقق میگردد و تحقق این امر به اجرای هرچه دقیق تر پیمان ذمه و ریز بینی حاکم اسلامی برمیگردد.

بند ۷- حقوق مالی و اقتصادی

اهل ذمه بدون هیچ گونه محدودیتی حق تجارت و بازرگانی با هم کیشان خود و مسلمین را دارند و ضمن استفاده مساوی از حقوق شهروندی می بایست جزیه سالانه خود را پرداخت نمایند.

بند ۸- حقوق شخصی و مدنی

بهره مندی از حقوق مدنی و اهلیت تمتع و استیفا از حقوق مدنی موضوعی است که به راحتی ذیل پیمان ذمه برای اهل کتاب در سایه زندگی در جامعه اسلامی پدید آمده و همانطور که یک شهروند مسلمان حق تمتع و استیفا از حقوق مذکور را دارد یک فرد اهل کتاب نیز در سایه عقد ذمه و تا زمانی که پیمان شکنی صورت نپذیرفته باشد امکان بهره مندی از این حقوق را خواهد داشت. البته باید ذکر نمود که اهل ذمه می توانند از کلیه حقوق بهره مند گردند به جز آنچه شرع مقدس ممنوع نموده است. مانند ازدواج اهل ذمه با زنان مسلمان که جایز نبوده مگر اینکه ایشان به دین اسلام مشرف گردند. و هم چنین است حق استفاده از سایر حقوقی که جمیع افراد مسلمان در قالب قراردادهای جمعی بهره مند میگردند مانند بیمه های اجتماعی و سایر قراردادهای مشابه که حق بهره مندی از آنها برای اهل ذمه نیز فراهم میباشد.

بند ۹- آزادی فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی

همانگونه که سابقا نیز اشاره گردید فقهای امامیه در مکتوبات و اجتهادات خود در باب تجارت و تجارت کردن با اهل ذمه، مسلمان بودن طرف تجارت را شرط صحت تجارت ندانسته اند و بنابر این فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی با اهل ذمه طبق قواعد و شرایط اسلامی آزاد اعلام گردیده است. مگر در مواردی که موضوعا حتی برای مسلمین تجارت کالای خاصی مانند گوشت خوک یا شراب ممنوع بوده باشد که در اینصورت برای اهل ذمه نیز

ممنوع دانسته شده است یا بستن قراردادهایی برای دائر کردن مراکز فسق و فجور یا شراب فروشی بر خلاف پیمان ذمه بوده و باعث از بین رفتن پیمان شده و اهل ذمه را مسئول و ناقض عهد معرفی می نماید. تجارت در فقه امامیه به انواعی تقسیم بندی گردیده است از جمله تجارت حرام، تجارت مستحب، تجارت مکروه و تجارت واجب. در تجارت حرام که عبارتست از کسب کردن با کالاهای حرام و تجارت مباح که انجام آن وجه رجحانی ندارد و تجارت مکروه که کسب کردن با کالاهای مکروه می باشد و تجارت مستحب و تجارت واجب. بنظر میرسد تجارت حرام مانند خرید و فروش اعیان نجسه، آلات لهو و لعب، بت، صلیب، آلات و وسایل قمار، فروختن سلاح به دشمنان اسلام و کلیه مبادلات ربوی و... میتواند قطعا موضوع تجارت ممنوع برای اهل ذمه بوده باشد که به طریق اولی برای مسلمین نیز ممنوع بوده و از نظر شرع حرام و از منظر حکومت اسلامی جرم تلقی میگردد.

فصل چهارم

حقوق شهروندی

در بیانات آیت الله هاشمی شاهرودی

فصل چهارم - حقوق شهروندی در بیانات آیت الله هاشمی شاهرودی

حقوق شهروندی، از نگاه این مرجع عالیقدر تنها مقید و محدود به دستگاه قضایی نیست و وظیفه همه ارگانها، نهادهای نظام اسلامی و همه ی قواست. فلذا در این خصوص رهنمودهای ارزشمندی ارائه داده اند که ذیلاً به بررسی اهم این موارد پرداخته میشود:

مبحث اول - لزوم حفظ حقوق شهروندی در تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی، قضایی

حکومت نباید تحت عنوان امنیت، عدالت را نادیده بگیرد و آن را قربانی نماید. حقوق شهروندی که در رابطه شهروندان و حاکمیت شکل میگیرد نمیبایست در میان تشریفات اداری و تکالیف کلان مدیریت جامعه از بین برود. متأسفانه به دلیل اینکه در مقام اجرا به مقررات و ساختارهای مناسب توجه نشده و این موضوع از اولویتی که انتظار می رود برخوردار نبوده، آنچنان که شایسته است به این امر پرداخته نشده. گرچه در این راستا نمیتوان تخلف برخی مجریان را نیز از نظر دور داشت.^۱

وجود بهداشت قضایی، تضمین کننده رعایت حقوق شهروندی خواهد بود. دادستان و مدعی العموم، میبایست مدافع اصلی حقوق شهروندی باشد. عدم وجود بازداشت انفرادی، لزوم رعایت حقوق زندانیان، تغییر ساختار زندانها و حتی تعطیل کردن آنها، تاکید بر استفاده از مدل کیفرهای تامینی و اجتماعی و تعزیرات اسلامی، ممنوعیت شکنجه و زندان زدایی از اهم مواردی است که در این خصوص مطرح گردیده.

مضافاً اینکه تاکید بر حق دفاع متهم از خود، حق طرفین دعوا در برگزاری جلسات عادلانه، لزوم رعایت آداب واحکام اسلامی و حقوق شهروندی در مراحل مختلف جلب و بازجویی، عدم حجیت اقراری که از شکنجه اخذ گردد، همگی بر لزوم رعایت حقوق شهروندی در موارد پیش گفته صحه میگذارد.

^۱ گزیده بیانات آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۱۳

در این راستا اجرای مجازات قانونی وظیفه دستگاه قضایی است نه بیش از آن. کسی که مرتکب بزه گردیده در حد همان بزه مجازات می‌شود و باید بقیه حقوق او محفوظ باشد و هتک حرمتی نسبت به او یا خانواده اش صورت نگیرد.

لزوم جبران خسارتها و ضرر و زیان‌های وارده به افراد در صورت خطای مقام قضایی و اهتمام به حفظ مالکیت خصوصی افراد در پرونده‌های مطروحه از مواردی است که بی‌تردید موجبات رعایت بیشتر حقوق شهروندی را فراهم خواهد کرد.

رعایت اصل تساوی سلاحها نیز خود از جمله مواردیست که مصداق بارز رعایت حقوق شهروندی تلقی می‌گردد.

مبحث دوم- نقش شهرداریها در حفظ حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، آنگونه که از نامش آشکار است ارتباط خاصی با سیستم اداره کننده شهر دارد. چنانچه در شورای شهر و شهرداری، وضع قوانین و مقررات به درستی صورت پذیرد و برنامه ریزی‌های دقیقی انجام شود، بسیاری از مشکلات حوزه حقوق شهروندی به نحو بهتر و عادلانه‌تر که هدف نظام اسلامی است حل و فصل خواهد شد. گرچه تحقق این امر نیاز به همکاری دستگاههای دیگر همچون دستگاه قضایی، وزارت مسکن، آموزش و پرورش و دستگاههای اجرایی دیگر دارد. برای نمونه سیاستهای کلی شهرسازیها، حقوق شهروندی در شهرها و مخصوصاً کلان شهرها، زمینها و سندهاییکه صادر می‌گردد و کیفیت صدور آنها، حاشیه نشینی‌ها، زمین خواری، تخریب فضای شهرها، محیط زیست، مالکیت‌های عمومی و خصوصی اموال منقول و غیر منقول، خیابانها و مکانهای عمومی، بهداشت شهر و... همه از جمله مواردی است که مستلزم تصویب قوانین کارآمد و راهکارهای

سازنده و سپس اراده را سخ در اجرا خواهد بود تا ضمن حفظ حقوق عامه امکان برخورد با نقض کنندگان حقوق شهروندی نیز فراهم شود.^۱

فلذا آنچه از گزیده بیانات این عالم بزرگوار استنباط می‌گردد اینست که با عنایت به توسعه روز افزون حقوق شهروندی میبایست توجهی بیش از پیش به این حقوق معمول گردد. امروزه دایره حقوق شهروندی گسترده تر شده و حتی برخورداری یک ملت از صنعت و علم هم جزئی از حقوق شهروندی تلقی می‌گردد. دستگاهها و نهادهای مختلف حکومت میبایست در حفظ حقوق شهروندی، همکاری نمایند. مضافاً اینکه باید عزم ملی در حفظ حقوق و کرامت انسانی در عمل رعایت شود و از مرحله ی قانون نویسی فراتر رود. باز بودن باب اجتهاد و ضرورت پاسخگویی به شبهات مطروحه در خصوص حقوق شهروندی نیز این امکان را فراهم میکند که چشم اندازهای جدیدی که نیاز به حکم فقهی دارند نیز موضوع استنباط قرار میگیرند و خلاهای احتمالی موجود قابل رفع خواهد بود. بعلاوه نهادهای مردمی نیز میبایست در زمینه حقوق شهروندی احیا و فعال شوند. در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیتها، که تهاجمات سیاسی بیشتر است میبایست با پاسخ علمی، فنی و مطابق موازین حقوقی قابل فهم برای جهان مدرن امروز، شبهات را برطرف ساخت.

آسیب شناسی حقوق شهروندی در ایران و پیشنهادات

نخستین و بنیادی ترین گام در مسیر حل یک مساله، شناخت دقیق ابعاد مختلف آن است. اذعان بسیاری از کار شناسان، صاحب نظران و نخبگان سیاسی-اجتماعی به وضعیت غیرمطلوب رعایت حقوق شهروندی در

^۱ گزیده بیانات آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۵۶

کشور و اهتمام دولت در ارتقای استانداردهای این حقوق، ضرورت بررسی آسیب شناسانه این موضوع از جنبه های گوناگون را تقویت کرده است. در زمینه آسیب شناسی حقوق شهروندی مولفه های متعددی مورد توجه قرار گرفته است :

۱- با وجود اینکه حقوق ملت ایران در اصل ۳ و فصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به رسمیت شناخته شده است، اما بسیاری از کارشناسان بر این باورند که در قانون اساسی، حقوق شهروندی با توجه به تعاریف ویژه آن به صورت صریح تبیین نشده است. از دید این صاحب نظران، تفاوت در ماهیت دو مفهوم ملت و شهروند نیازمند به رسمیت شناختن حقوق شهروندی به مثابه حقوقی مجزا از حقوق ملت است .

آنچه در اصل ۳ و فصل ۳ قانون اساسی بیان شده است، در رابطه با کلیت حقوق ملت بوده و حقوق شهروندی شهروندان ایرانی را مطرح نمی کند. برخی معتقدند که حقوق ملت به حقوق جمعی مردم اشاره دارد، در حالی که حقوق شهروندی ناظر بر حقوق تک تک افراد جامعه در برابر دولت ها است که به واسطه مساله تابعیت موضوعیت می یابد .

۲- با فرض تناظر نسبی و وجود مشترکاتی بین مولفه های حقوق ملت و حقوق شهروندی، به باور برخی صاحب نظران، طرح موارد کلی و مشخص نکردن مصداق ها در مورد حقوق مردم در بسیاری از موارد، موجب تشریح نشدن حقوق تک تک افراد جامعه شده و زمینه های تضییع حقوق شهروندان را فراهم آورده است .

۳- مساله دیگری که بسیاری از صاحب نظران از آن به عنوان یکی از موانع جدی تحقق حقوق شهروندی نام می برند، شرط ها و قیدهای کلی است که به دنبال بسیاری از بندها و مواد قانونی آورده شده است. به عنوان نمونه در اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبرات تلگرافی و تلکس، سانسور و مخابره نکردن و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون .

همچنین اصل بیست و ششم می گوید: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند.

از نظر کارشناسان حقوقی قیودی چون مگر به حکم قانون یا در صورتی که مخل مبانی اسلام نباشد که مصداق های مشخصی برای آن ها تعریف نشده، امکان تفسیر به رای و احتمال تضییع حقوق شهروندان را فراهم می کند.

۴- نبود ضمانت های اجرای کارآمد، یکی دیگر از آسیب های حقوق شهروندی در ایران است. در برخی از موارد به دلیل وجود مکانیسم ها و ضمانت های اجرای ناکارآمد، فرد نمی تواند حق پایمال شده خود را استیفا کند.

۵- آگاه نبودن شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف خود، یکی دیگر از دلایل پایین بودن استانداردهای حقوق شهروندی در کشور ما است. شهروندانی که نمی دانند از چه حقوقی برخوردارند، فرصت دفاع از آن را نیز از دست می دهند. علاوه بر این مطالبه نکردن حق از سوی شهروندان، خود زمینه پایمال شدن آن را فراهم می آورد. عامل سازنده و نیروی پیش برنده حقوق شهروندی، مردم هستند. این مردم هستند که مطالبه خود از حاکمان را مطرح می کنند و آنها را با نیروی اجبار کننده و نامحسوس افکار عمومی به سمت احترام به حقوق شهروندی شان سوق می دهند.

۶- فعال نبودن تشکل ها و نهادهای مدنی که خود می توانند حقوق مردم را در قالب فعالیت های جمعی سازمانمند مطالبه و از مردم دفاع کنند، یکی دیگر از مشکلات پیش روی تحقق حقوق شهروندی در جامعه است. یکی از دلایل اجرا نشدن قوانین مربوط به حقوق ملت ضعف تشکل های مردم نهاد است.

در جوامعی مانند ایران دولت قدرتمند است و نهادهای مدنی یا جمعیت هایی وجود ندارند که بتوانند حقوق ملت را مطالبه کنند. در نتیجه حقوق شهروندان در کتاب قانون نوشته می شود، اما اجرا نمی شود. در حالی که در جوامع توسعه یافته، دولت به واسطه زنده و فعال بودن نهادهای مدنی، به چالش کشیده می شود.

پیشنهادات و راهکارهای افزایش استانداردهای حقوق شهروندی

۱- نخستین راهکار در زمینه ارتقای حقوق شهروندان، به رسمیت شناختن آن است. تفکیک حوزه های مربوط به حقوق شهروندی از حقوق ملت از نخستین گام های مهمی است که به نظر می رسد میبایست در پیمودن آن اهتمامی ویژه داشت.

تدوین منشور حقوق شهروندی می تواند شهروندان و حقوق آنها را از هویت مشخص و مجزایی در دولت و در مراحل بعدی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برخوردار کند. بدیهی است وظایف گسترده تری برای دولت در زمینه تحقق حقوق شهروندی وجود دارد. دولت در قبال حقوق شهروندی چهار وظیفه عمده دارد که عبارتند از: شناسایی و اعلام، ترویج و آموزش، اجرا و ایفا و نظارت و پایش. البته مردم وظیفه نظارت و پایش را از طریق خود و حلقه های واسط اعمال می کنند. قوه قضاییه هم وظیفه احقاق و استیفای حق را بر عهده دارد.

۲- دومین راهکار مشخص کردن گستره حقوقی است که از آن به عنوان حقوق شهروندی نام برده می شود.

مشخص کردن دایره شمول حقوق شهروندی و مصداق های آن، گام مهمی در مسیر شناسایی این حقوق محسوب میشود. بدین معنا که باید به طور دقیق تکالیف شهروندان در قبال یکدیگر، تکالیف شهروند در قبال دولت و تکالیف دولت در قبال شهروند، به صورت موردی در اسناد حقوقی بیان شود.

۳- به زعم بسیاری از حقوقدانان در صورتی که قیدهای کلی مطرح شده در پایان برخی از اصل های فصل سوم قانون اساسی، بویژه در مباحث مربوط به آزادی ها، به صورت دقیق و مصداقی مطرح و تعیین شوند، راه گریز ناقضان حقوق ملت سد خواهد شد. یکی از مهمترین راهکارهای برطرف کردن این کاستی تشریح دقیق موارد و مصداق های این قیود کلی است. باید به صورت دقیق و موردی تصریح شود که چه مواردی در چارچوب مخالفت با موازین اسلامی می گنجد .

۴- ایجاد ضمانت های اجرایی متقن و موثر، می تواند در تحقق این مهم نقش برجسته ای ایفا کند که البته ایجاد ضمانت اجرای قوی به همکاری قوای مقننه، مجریه و قضاییه نیازمند است .

ایجاد ساز و کارهای تنبیهی برای خطاکاران نیز می تواند به عنوان عنصری بازدارنده، از تضییع حق شهروندان جلوگیری کند.

۵- دولت باید برای تحقق حقوق شهروندی ساختاری جدید تعریف کند. اجرا و پیگیری حقوق شهروندی باید در قالب و معاونت جدیدی برای ریاست جمهوری با نام □ معاونت حقوق شهروندی □ تعریف و تعیین شود و رئیس جمهور نیز مسوولیت نظارت و اجرای حقوق شهروندی را برعهده بگیرد.

۶- افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به حقوق شهروندی، در افزایش سطح مطالبات حق طلبانه و در نتیجه افزایش سطح استانداردها تاثیر بسزایی دارد .

تربیت شهروندان مسوول و کارآمد و بالا بردن سطح آگاهی شهروندان نسبت به حقوق قانونی و مشروع خود، در زمره مسوولیت ها و وظایف رسانه ها و نهادهای آموزشی است و برنامه ریزی کلان و بلند مدتی را می طلبد .

۷- فراهم آوردن زمینه ها و حمایت های لازم بویژه در حوزه حقوقی برای ایجاد و فعالیت نهادهای مدنی، گروه ها، تشکل ها، انجمن ها و ... می تواند موجب احقاق حقوق شهروندان شود.

این نهادها از سویی نیز می توانند بخشی از مسوولیت تربیت شهروندان کارآمد را بر عهده گیرند. تشکل های مردم نهاد از سوی دیگری می توانند در قالب فعالیت های سازمان یافته در مطالبه حقوق شهروندان نقش موثری ایفا کنند. همچنین نقش این گروه ها در فرهنگ سازی و نهادینه کردن مبحث حقوق شهروندی قابل انکار نیست.

۷- ارتقای استانداردهای حقوق شهروندی در جامعه مستلزم همکاری میان سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است. تصویب قوانین از سوی مجلس و ابلاغ آن به کلیه نهادها و سازمان های حکومتی و نه فقط بخش های دولتی، اجرایی کردن قوانین توسط دولت به موازات ضمانت های اجرایی قوی از سوی قوه قضاییه که پیشتر بدان اشاره شد، می تواند تا اندازه زیادی راهگشای تحقق حقوق شهروندی باشد.

بسیاری از منتقدان بر این باورند که منشور حقوق شهروندی فقط برای نهادها و دستگاه های دولتی لازم الاجرا بوده و بُرد چندانی نخواهد داشت. این در حالی است که این منشور می تواند به صورت لایحه به مجلس ارایه و با همکاری قوه مقننه به قانونی فراگیر بدل شود.

اگر چنین تحولی اتفاق بیفتد، این قانون برای تمام دستگاه ها و نهادهای حکومتی لازم الاجرا شده و عمومیت می یابد. این مهم همانطور که گفته شد به تحقق همکاری میان سه قوه نیاز دارد.

۸- در سطحی بالاتر ایجاد مصالحه تعاملی میان دولت و ملت از مهمترین گام ها در رعایت حق و انجام تکلیف شهروندان و دولت در قبال هم می باشد.

البته حقوق شهروندی (از قبیل حقوق زنان، حقوق اقلیت ها، حقوق زندانیان، آزادی مطبوعات و ...) شامل شاخه ها و موارد متعددی در حوزه های حقوق مدنی، سیاسی و قضایی است که تحقق هر یک از آنها به مطالعه دقیق آسیب ها و راهکارهای همان حوزه منوط و در این زمینه بررسی های دقیق و جزئی الزامی است .

به رغم راهگشا بودن راهکارهای عمومی که از آن یاد شد، باید در هر حوزه ویژه کارشناسان در مراحل برنامه ریزی، قانونگذاری، اجرا و نظارت بطور دقیق آسیب ها و چالش ها را شناسایی کرده و راهکارهای عملی و مختص به تحقق حقوق شهروندی در آن حوزه را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

افزون بر پیشنهادات پیش گفته تلاش در جهت حل موارد آتی الذکر نیز در جهت ارتقای حقوق شهروندی در ایران با توجه به اسلامی بودن حکومت و جامعه متمر ثمر خواهد بود:

۹- توجه به سنت های الهی اجتماعی حاکم بر جوامع و برنامه ریزی در راستای اجرای آن قوانین .

۱۰- تدوین قوانین جامع و کاملا روشن در زمینه حقوق شهروندی اسلامی ایرانی و پیش بینی ضمانت اجراهای لازم به منظور تضمین اجرای آن.

۱۱- فرهنگ سازی و آموزش حقوق شهروندی اسلامی نسبت به مجریان و آحاد مردم از مسیر جوامع فرهنگی آموزشی- پژوهشی از ابتدا در مدارس - رسانه های جمعی و دانشگاه ها و کاهش حساسیت های اختلاف برانگیز لازم است.

۱۲- تعامل قوای حاکمه و مراکز تاثیرگذار جهت اجرای صحیح و پایش و نظارت دستگانهای پیش بینی شده به منظور آسیب شناسی و تکمیل و رفع موانع موجود و احتمالی.

۱۳- فرهنگ سازی لازم جهت مشارکت فعالانه مردم در زمینه ی حقوقی و تعهدات شهروندی و بیان اهمیت آن.

۱۴- آشنایی و تبیین مبانی حقوق شهروندی اسلامی، راه های توسعه و ارتقاء بخشی آن.

۱۵- ایجاد یک حرکت دو سویه از بالا به پایین یعنی فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان جامعه از

یک طرف و حرکت از پایین به بالا یعنی مشارکت و فعالیت های شهروندان به صورت موثر.

۱۶- افزایش سطح آگاهی جامعه از طریق آموزش های لازم در زمینه مباحث حقوقی، برنامه ریزی جامع و

نقش راهبردی، جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی، تعلیم نیروهای پاسخ گو در مقابل مردم و

بالا بردن ظرفیت ها در امور شهروندی از جمله راهکارهای اجرایی است.

۱۷- ایجاد اطمینان و اعتماد در احاد جامعه از مسیر اجرای عدالت قضایی نسبت به مدیران خاطی در

زمینه های مختلف به خصوص در زمینه ی فساد اقتصادی.

نتیجه گیری

حقوق شهروندی به عنوان یکی از بارزترین مصادیق حقوق بشر پس از طی نمودن مسیر دشوار گذشته تا نائل شدن به نقطه ی اوج خود فاصله زیادی دارد. آنچنان که بررسی شد مشهورترین تقسیم در باب عناصر حقوق شهروندی، اقسام سه گانه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که در نظام حقوقی غرب مطرح شد. حقوق مدنی ناظر است بر حق آزادی، برابری و مساوات در قبال قانون و ممنوعیت تبعیض و حمایت از اشخاص (شهروندان) در برابر اقدامات غیرقانونی دولت. حقوق سیاسی به حقوقی اطلاق می شود که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک حکومت ضروری است از قبیل حق انتخاب کردن و شدن، آزادی اجتماعات عمومی، آزادی احزاب و انجمن ها و ...

حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی که به عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می گیرد از قبیل عدالت اجتماعی (برابری در فرصت ها) حق برخورداری از یک استاندارد معین آموزشی (تعلیم و تربیت)، حق کارکردن، استحقاق بهره مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و سایر خدمات اجتماعی. هرچند منابع نوشته و عرفی و دکترین های متعدد بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی صحنه میگذارد لکن در مرحله ی اجرا با موانع بسیاری مواجه است. تلاش دولتها برای حذف تدریجی این موانع در روند قانونگذاری هایشان مشهود است اما بدیهی است تحقق آرمانهای شهروندان تا اجرای کامل حقوقشان به عزمی راسخ تر نیازمند میباشد. آنچنان که به نحو مبسوط بررسی گردید مبانی و مصادیق حقوق شهروندی در کشور ما هم به لحاظ ملی و هم در بعد دینی، بسیار غنی است. از ابتدای دوران باستان خط نگاره های هخامنشیان و الواح حقوق بشری کشف شده بر این حقوق تاکید نموده و پس از ظهور اسلام نیز بر آنها مهر تایید زده شد. بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی فرمانهایی مثل منع برده داری و به اسارت گرفتن، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و ... در اسناد

به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است. دین اسلام نیز به جهت شناخت دقیق از ابعاد وجودی انسان، قوانینی را ملحوظ نموده که همواره پویا و کارآمد است، بسیاری از آیات شریف قرآن، نحوه رفتار پیامبر و ائمه، کتب گرانقدری چون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه مشحون از عباراتی است که بر رعایت حقوق شهروندی تأکید دارد و مصادیق آنرا برمی شمرد. از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی توسط نبی رحمت، آنچه از احادیث و رفتار ائمه و قرآن کریم به عنوان منابع فقه امامیه با تکیه بر قول و فعل معصومین و کتاب و سنت و اجماع بر می آید همواره حقوق اقلیتها در اسلام به رسمیت شناخته شده و در فضای احترام متقابل و در سایه حکومت اسلامی، کلیه اقلیتها به زندگی خویش پرداخته اند. مگر آنکه با انجام رفتارهای تفرقه انگیز و برانگیختن خصومت ها موقعیت خود را در جامعه اسلامی از دست داده باشند. زیرا دولت اسلامی، مشروعیت قدرت خود را از خداوند میداند، در وهله اول، خود را به او پاسخگو دانسته و ملزم به اجرای احکام و دستورهای الهی در تمامی عملکرد مدیریتی خود میداند. در دین اسلام، برای تضمین رعایت حقوق شهروندی به دو شیوه کنترول بیرونی و درونی (لحاظ کردن صفات معین برای حاکم اسلامی شامل تقوا، عدالت و...) توجه شده است، میتوان گفت کنترول بیرونی بدون اتکا بر کنترول درونی به طور کامل مؤثر نخواهد بود، زیرا این امکان وجود دارد که نیروهای کنترول کننده و کنترول شونده، همراه شوند و با کمک یکدیگر در جهت سوء استفاده از قدرت پیش روند.

از جمله مهمترین نتایج این نگرش در بحث حقوق شهروندی، این است که باید چارچوبهای اصلی حقوق شهروندی، برآمده از عقاید، احکام و اخلاق اسلامی باشد، چراکه مشروعیت بخشی به حقوق از آن خداوند تلقی میگردد. همچنین، التزام و رعایت حقوق شهروندی توسط حاکم اسلامی، امری کاملاً مرتبط با مشروعیت قدرت اوست، چراکه واضع این حقوق، خداوند متعال است و نقض آن موجب زوال صفاتی چون عدالت و تقوا میشود.

این نگرش خلا وجود ضمانت اجرای مناسب و مستحکم در رعایت حقوق شهروندی را تا حد زیادی برطرف می سازد. زیرا آنچه آنرا که شرح آن رفت بحث ضمانت اجرای رعایت حقوق شهروندی موضوعی است که مغفول

واقع شده. هدف از نگارش قوانین، اجرای آنهاست. بنظر میرسد تا زمانیکه شرایط لازم جهت بهره مندی حقوق شهروندی از ضمانت اجرای مناسب فراهم نشود نمی توان نتایج مثبت آنرا لمس نمود. بررسی های صورت گرفته بر این امر تصریح میکند که قرآن و منابع دینی و اسلامی رعایت کرامت و سایر حقوق شهروندی را از عوامل اعتلای بعد معنوی انسان تلقی میکنند و حکومت های اسلامی را به رعایت این حقوق سفارش نموده اند. فقه انسان را یک موجود مکلف و موظف دانسته و رسالت شهروندی را در ادای تکلیف خلاصه میکند. فقها معتقدند نظام اجتماعی و سیاسی چنانچه بر اساس فقه اسلامی استقرار یابد آن جامعه شاهد احقاق حقوق شهروندان خواهد بود.

چنانکه به نحو مبسوط بررسی شد در حقوق ایران موضوع حقوق شهروندی به لحاظ وجود منابع قانونی با نقضانی مواجه نیست. قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران تحت فصل جداگانه ای با عنوان حقوق ملت سعی در تشریح و تشریح حقوق مردم و مسئولیتهای ایشان در روابط دوجانبه با دولت نموده است. با این توضیح که قانونگذار با در نظر گرفتن حقوق و در برابر آن مسئولیت برای دولت و ملت، روابط متقابلی را برای هر دو آنها رقم زده و بیان نموده است. حق و تکلیف دو روی یک سکه میباشند که در جوامع بشری همواره مورد توجه قانونگذاران بوده و در مکاتب فکری نیز حق و تکلیف همواره بیان کنندگی نوعی توازن اجتماعی بوده و دارای کارکردهای عملی جهت دستیابی به شرایط همواره بهتر بوده است. بنابر قانون اساسی ایران و در ذیل فصل حقوق ملت افراد حقیقی که تابعیت ایرانی دارند از حقوق شهروندی بهره مند بوده و به عبارتی حقوق شهروندی، سبب میشود یک شهروند از تمامی حقوق شهروندی برخوردار گردد. سند چشم انداز و قانون آزادیهای مشروع و آیین نامه اجرایی آن و سپس تدوین منشور حقوق شهروندی گامهای متعددی بوده که در حوزه قانونگذاری در این خصوص برداشته شده است. البته شایان ذکر است که منشور علی رغم اینکه در بسیاری موارد تکرار مواد قانون اساسی است بعنوان منبعی که بصورت خاص در حوزه حقوق شهروندی تدوین شده تا زمانیکه بصورت قانون تصویب نشود کارایی لازم را نخواهد داشت. فلذا بنظر میرسد آنچه اهمیت دارد استفاده از

کارایی قوانین موجود در بهبود وضعیت حقوق شهروندی شهروندان است. و این امر بی شک به بحث وجود ضمانت‌های اجرایی کارآمد در این خصوص بر می‌گردد. تا این اصول و قواعد هم در خصوص اقلیتها و هم در رابطه با اکثریت جامعه مراعات گردد. زیرا رعایت این حقوق به نحوی که بررسی شد در موضوع اقلیتها نیز لازم الاجراست. بی تردید با تطبیق نظرات پیش گفته با موازین حقوقی امروزی و ارتقای استانداردهای حقوق شهروندی در جامعه از طریق همکاری میان سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه. تصویب قوانین از سوی مجلس و ابلاغ آن به کلیه نهادها و سازمان‌های حکومتی و نه فقط بخش‌های دولتی، اجرایی کردن قوانین توسط دولت به موازات ضمانت‌های اجرایی قوی از سوی قوه قضاییه که پیشتر بدان اشاره شد، می‌تواند تا اندازه زیادی راهگشای تحقق حقوق شهروندی باشد.

بدیهی است در اینصورت و با آموزش همزمان شهروندان در جهت نهادینه کردن قوانین موجود در این زمینه شرایط حقوق شهروندی روز به روز متریقی‌تر خواهد بود. به نحوی که شهروندان در پرتوی رعایت اصول و حقوق شهروندی ناشی از دین مبین اسلام و قوانین مصوب کشور در رفاه و آرامش مضاعف زیست نمایند.

منابع و مأخذ:

کتاب:

- ۱- قرآن کریم .
- ۲- نهج البلاغه .
- ۳- گزینه بیانات حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی، پیرامون حقوق شهروندی، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل البيت عليه السلام، چاپ اول ۱۳۹۵
- ۴- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، دفتر نشر نوید اسلام، ترجمه تفسیر شریف صافی، جلد یک، ۱۳۸۵
- ۵- آذرداد، لادن، جایگاه حقوق شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران: انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۸۹.
- ۶- آفنداک، خلیل، (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی و قضایی، مجموعه مقالات حقوق شهروندی، ۱۳۸۵.
- ۷- داستانی بیرکی، علی، آزادی در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰
- ۸- حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق در اندیشه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۱
- ۹- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
- ۱۰- اردبیلی، محمد علی و امیر ارجمند، اردشیر و قاری سید فاطمی، سید محمد و جاوید، محمد جواد، اقتراح: چپستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه قانون، تهران: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.
- ۱۱- اسماعیلی، رضا، انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲۰، ۱۳۸۰ش.
- ۱۲- اعلامیه حقوق انسان و شهروند فرانسه.

- ۱۲- افلاطون، جمهوریت، ترجمه فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
- ۱۳- الجزائری، أبوبکر جابر، ایسر التفاسیر الکلام العلی الکبیر، بیروت: الدعایه و الاعلان، ۱۴۱۰.
- ۱۴- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳.
- ۱۵- بشیریّه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۹.
- ۱۶- جاوید، محمد جواد، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی؛ تحلیل مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران: نشر گرایش، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۷- جعفری، محمد تقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفری، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ۱۹- جوادى آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی برجا، ۱۳۶۹.
- ۲۰- خوئینی، غفور، توسعه پایدار و حقوق شهروندی، تهران: معاونت آموزش دادگستری، ۱۳۸۹.
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ۲۲- سید رضی، نهج البلاغه، به ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، ۱۳۸۲.
- ۲۳- شیرویی، ستار، حقوق شهروندی عناصر و موانع آن در ایران، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۹۲/۱۲/۳.
- ۲۴- مصدری افشار، غلامحسین، فرهنگ فارسی امروز، تهران: نشر کلمه، ۱۳۶۹.
- ۲۵- صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسرين، فرهنگ فارسی امروز، تهران: نشر کلمه، ۱۳۶۹.
- ۲۶- طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- ۲۷- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه کتاب المکاسب، تحقیق: شیخ عباس محمد آل صباغ القطیفی، بیروت: دارالمصطفی للاحیاء التراث، ۱۴۲۳.
- ۲۸- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۲۹- غفاری، غلامرضا، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیراز، ۱۳۸۸.
- ۳۰- فراهیدی، ابو عبدالرحمن الخلیل بن أحمد، کتاب العین، تحقیق مهدی المخرومی و ابراهیم السامرای، ایران: موسسه الدار الهجره، ۱۴۰۹.
- ۳۱- کامیار، غلامرضا، حقوق شهروندی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲ش.
- ۳۲- کاستلز، استفان و دیوید سون، آ، مهاجرت و شهروندی، مترجم: فرامرز تقی لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
- ۳۳- مارسل، برازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مویری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- ۳۴- محسنی، فرید، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۶ش.
- ۳۵- مرادخانی، احمد، سنت های اجتماعی الاهی در قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه)، ۱۳۸۶ش.
- ۳۶- مصباح یزدی، محمد تقی، کاوشها و چالش ها، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۰ش.
- ۳۷- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه جهانی حقوق بشر، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، تهران: جهادسازندگی، مقدمه، ۱۳۷۲.

۳۸- میر موسوی، سید علی و حقیقت، سید صادق، مبانی حقوق بشر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.

۳۹- میر موسوی، سید علی، اسلام، سنت، دولت مدرن، نوسازی، دولت و تحول در اندیشه سیاسی معاصر شیعه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.

۴۰- واحد نیشابوری، ابن الحسن علی بن احمد، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.

۴۱- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه وزام، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰.

۴۲- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.

۴۳- امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱) *تحریرالوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ اول.

۴۴- (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.

۴۵- (۱۳۸۲) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم.

۴۶- (۱۳۸۱) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.

۴۷- قراملکی، محمدحسین. (بهار ۱۳۸۱) *حقوق متقابل مردم و حکومت*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.

۴۸- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۷) *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

۴۹- قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۸۳) *اسلام و حقوق بشر*، تهران: نشر سایه، چاپ اول.

۵۰- لوئیز، ویرث. (۱۳۵۸) *شهرگرایی شیوه‌ای از زندگی*، تهران: نشر ایران.

۵۱- مجلسی، محمدباقر. (بی تا) *بحار الانوار*، قم: انتشارات المعارف الاسلامیه.

۵۲- منصور، سیدمهدی. (۱۳۸۰) *حقوق و مبانی و فلسفه آن*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه

معاصر.

مقالات :

۱- اسان، مصطفی، حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران، مجله

حقوق بشر، شماره ۶، ۱۳۸۷

۲- پروین، فرهاد، حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی،

شماره ۷۲، ۱۳۸۷

۳- محسنی، فرید، عبداللهی، حسین نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام

حقوقی اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۴۶

۴- جاوید، محمد جواد، صادقی، محمد، شفیع زاده، مصطفی، نسبت «تکالیف طبیعی» و «تکالیف

شهروندی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، ۱۳۹۱

۵- رحیمی نژاد، اسماعیل، نگرش اسلامی به کرامت انسانی، مجله معرفت حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۰.

۶- سلطانی، سید ناصر، حقوق اجتماعی یا شهروندی؟ نمونه ای از آشفتگی مفاهیم در نظام حقوق ایران،

مجله مجلس و راهبرد، شماره ۱۱، ۱۳۸۵

۷- شریعت، فرشاد، امر سیاسی و حقوق شهروندی در فلسفه سیاسی غرب، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره

اول

۸- فلاح زاده، علی محمد، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.

۹- گرجی، ابوالقاسم، حق و حکم و فرق میان آنها، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱، ۱۳۶۶

۱۰- ملنیان، غلامرضا، دین و مبانی حقوق بشر، تقابل با همگرایی، قم: همایش بین المللی حقوق بشر و دین،

۱۳۸۶

۱۱- افزلی، دکتر سول و مهدی حسام، حقوق شهروندی در ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره -

۲۸۰-۲۷۹، آذر و دی ۱۳۸۹.

۱۲- ایمانی سطوت، علی. (زمستان ۱۳۸۵) «حقوق شهروندی در حکومت نبوی»، *مجله حکومت اسلامی*،

شماره ۴۲.

۱۳- درویشی، فرهاد. (پاییز ۱۳۸۹) «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات*

راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳.

۱۴- سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۷۹) «حق حیات»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۱ و ۳۲.

۱۵- نوابخش، مهرداد. (بهار ۱۳۸۵) «بررسی مفهوم شهر و شهروند از دیدگاه جامعه شناسی»، *مجله جامعه*

شناسی، شماره ۵.

۱۶- احمدزاده، سیدمصطفی. (بهمن و اسفند ۱۳۸۴) «حقوق شهروندی»، *مجله اندیشه*، سال یازدهم،

شماره ششم

قوانین :

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲- منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ۱۳۹۵

۳- قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱، نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۴۹ - ۱۳۸۳/۳/۲

۴- فرمان هشت ماده ای امام خمینی سال ۱۳۶۸

۵- قانون برنامه چهارم توسعه

منابع انگلیسی :

1. Cornell Law School. 2011. Cornell Law School, Accessed December 2011. <http://www.lawschool.cornell.edu/>.
2. Evans, D. 2011. Consuming Conventions: Sustainable Consumption, Ecological Citizenship and the Worlds of Worth". Journal of Rural Studies. No27.
3. McEwan, C. 2005. "New Spaces of Citizenship? Rethinking Gendered Participation and Empowerment in South Africa." Political Geography 25: 969-991.
4. Official Foreign Policy Statements. 2012. France Diplomatie. Retrieved Feburary 2012. From <http://www.diplomatie.gouv.fr/en/>
5. Rubagurya, C. M. & Afitska, Q. & Clegg, J. & Kiliku, P. 2011. "A three-tier citizenship: Can the state in Tanzania Guarantee Linguistic Human Rights?" International Journal of Educational Development. Vol 31, No 1.

6. Wearing, M. 2011. "Strengthening Youth Citizenship and Social Inclusion Practice — The Australian case: towards Rights Based and Inclusive Practice in Services for Marginalized Young People". Children and Youth Services Review. No 33.

جداول و پیوست‌ها:

ارتباط با مفهوم شهروندی	مفاد کلی قانون	اصول قانون اساسی
حقوق شهروندی در تمامی زمینه‌ها، شامل آزادی‌های سیاسی، اجتماعی مشارکت در تعیین سرنوشت و ایجاد امنیت قضایی و تأمین حقوق همه افراد اعم از زن و مرد و تساوی عمومی در برابر قانون و آموزش رایگان	وظایف اصلی دولت	اصل ۳
شرکت شهروندان در امور شهر از طریق شوراهای	اتکاء امور کشور به آرای عمومی	اصول ۶ و ۷
برخورداری از حقوق فرهنگی	زبان و خط رسمی کشور برخوردار از حقوق فرهنگی	اصل ۱۵
تصریح برخوردار از حقوق شهروندی مساوی	حقوق ملت، حقوق مساوی مردم تصریح برخوردار از حقوق شهروندی مساوی ایران، از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد	اصل ۱۹
توجه به ابعاد حقوقی مختلف افراد	تصریح برخوردار از حمایت قانونی توجه به ابعاد مختلف حقوقی افراد ۲۰ و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و	اصل ۲۰
انجمن‌ها و نهادهای مردمی	آزادی احزاب، جمعیتها، انجمن‌های انجمن‌ها و نهادهای مردمی ۲۰ سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی	اصل ۲۱
وثیقه حفظ حقوق شهروندی	اصل برائت	اصل ۲۷
نحوه تعامل حقوق شخصی افراد و حقوق عمومی	حفظ حقوق جامعه و منافع عمومی	اصل ۴۰
حقوق اصلی شهروندان	شغل، آموزش، مسکن، تأمین اجتماعی، تعیین محل اقامت، حق تابعیت، حق مالکیت و حق کسب و کار	اصول ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۲۹، ۳۳، ۴۱، ۴۶
توجه به مالکیت شهروندان در شهر	احترام به مالکیت شخصی مشروع افراد	اصل ۴۷

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب حقوق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲ - محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یامناهی فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸ - بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹ - هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰ - تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱ - پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده موردبررسی احتراز گردد.

۱۲ - پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبیه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴ - از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاههایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، بامتخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳، ۲، ۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵

شماره: ۱۶۶۴۵/ ۸۳ ، ۱۳۸۳/۱۲/۲۳

ماده ۱- برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، « هیئت نظارت مرکزی» موضوع بند ۱۵ این قانون مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه تشکیل می شود.

تبصره ۱- رئیس قوه قضائیه ریاست هیئت نظارت مرکزی را برعهده دارد. که می‌تواند آن را به یکی از معاونان خود واگذار کند.

تبصره ۲- از سایر مسئولین ذیربط حسب مورد پس از موافقت رئیس قوه قضائیه دعوت به عمل می‌آید.

ماده ۲- وظایف هیئت نظارت مرکزی به شرح زیر است:

الف - نظارت بر حسن اجرای قانون یاد شده در کشور و ایجاد رویه واحد؛

ب - اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات؛

ج - بررسی گزارش هیئتهای نظارت و بازرسی استانها و ارزیابی چگونگی اجرای قانون؛

د- اعزام گروههای بازرسی فوق العاده به دستگاههای مشمول این دستورالعمل؛

ه- ارسال شکایتها و گزارشهای واصله به مرجع مربوط و پیگیری آنها تا رسیدن به نتیجه؛

و- پیشنهاد تشویق و تنبیه براساس گزارش هیئتهای بازرسی؛

ز - تهیه گزارش در خصوص روند اجرای قانون در کشور هر سه ماه یک بار؛

ح - ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر ۶ ماه یکبار به مردم.

ماده ۳- دبیرخانه هیئت نظارت مرکزی در حوزه دفتر رئیس قوه قضائیه تشکیل و دبیر هیئت از میان

دارندگان پایه ۸ قضایی و بالاتر با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

تبصره - دبیرخانه هیئت نظارت مرکزی نسبت به انتشار عکس و هویت نقض کنندگان حقوق

شهروندی پس از قطعیت یافتن احکام آنان در رسانه‌های گروهی، جراید کثیرالانتشار و پایگاه (سایت) اطلاع

رسانی اقدام می‌نماید.

ماده ۴— در مرکز هراستان، هیئتی مرکب از حداکثر پنج نفر قاضی دادگستری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دفتر بازرسی کل کشور و نماینده دادسرای انتظامی قضات بعنوان « هیئت نظارت و بازرسی استان » تشکیل می‌شود.

تبصره - رئیس کل دادگستری استان ریاست هیئت نظارت و بازرسی استان را برعهده دارد.

دبیرخانه این هیئت در حوزه ریاست کل دادگستری استان تشکیل می‌شود.

ماده ۵- اعضای هیئت نظارت و بازرسی به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان، حسب مورد پس از هماهنگی با رئیسان مستقیم آنها با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند.

ماده ۶- رئیس کل دادگستری استان با مشورت اعضاء هیئت برنامه نظارت و بازرسی دوره‌ای شش ماهه استان را تنظیم و به هیئت نظارت مرکزی اعلام می‌کند.

ماده ۷- رئیس هیئت نظارت و بازرسی استان اعضاء هیئت را در گروه‌های دو یا سه نفره با حکم مأموریت به مراجع قضایی، انتظامی و سایر دستگاههای مشمول این دستورالعمل اعزام می‌نماید.

ماده ۸- وظایف گروه‌های نظارت و بازرسی به شرح زیر است:

الف - انجام بازرسیهایی که رئیس کل دادگستری استان به آنها محول می‌کند و تکمیل پرسشنامه‌هایی که به این دستورالعمل پیوست است؛

ب - رسیدگی به گزارشها و شکایتهای مربوط به قانون یاد شده که رئیس کل دادگستری استان به آنها ارجاع می‌کند؛

ج - ارائه پیشنهاد تشویق و تنبیه و اصلاح روشها.

ماده ۹ - گروه‌های نظارت و بازرسی با حضور در محل مأموریت و ملاحظه پرونده‌ها، دفاتر و پیشینه‌های قضایی و اداری، بازدید از بازداشتگاهها و زندانها و مصاحبه با افراد و بررسی اقدامهایی که به منزله ضابطه قوه قضائیه انجام می‌شود، چگونگی حفظ و رعایت حقوق شهروندی را بررسی کرده و گزارش لازم را طبق مفاد این دستورالعمل تهیه می‌کنند.

ماده ۱۰ - گروههای نظارت و بازرسی می‌توانند با کلیه افراد بازداشت شده و زندانی و سایر افرادی که لازم بدانند، ملاقات و مصاحبه کرده و از پرونده‌ها، دفاتر و تمامی پیشینه‌های قضایی و اداری مربوط به موضوع رونوشت و تصویر تهیه کنند.

ماده ۱۱ - تعداد و چگونگی پرونده‌هایی که گروههای نظارت و بازرسی انتخاب می‌کنند، بر اساس روش آماری‌ای است که دبیرخانه هیئت نظارت مرکزی تدوین و ابلاغ می‌کند.

ماده ۱۲ - گروههای نظارت و بازرسی گزارش خود را در دو نسخه به رئیس کل دادگستری استان ارائه می‌کنند. رئیس کل دادگستری استان ضمن اتخاذ تدابیر لازم برای رعایت آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و جلوگیری از نقض آن، یک نسخه از گزارش را به دبیرخانه هیئت نظارت مرکزی قوه قضائیه می‌فرستد.

ماده ۱۳ - در صورتی که گروههای نظارت و بازرسی در جریان رسیدگی به گزارش یا شکایتهای ارجاع شده، از موارد دیگر نقض قانون یادشده آگاه شوند، باید مراتب را فوراً به صورت مکتوب به رئیس کل دادگستری استان گزارش کنند.

ماده ۱۴ - گروههای نظارت و بازرسی در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی از قبیل بازداشت غیر قانونی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر افراد به گونه‌ای که ادامه آن آثار جبران ناپذیری در پی داشته باشد، باید بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کنند. اعلام گروه نظارت و بازرسی

در این گونه موارد حکم گزارش موثق را داشته و مقامهای قضایی یادشده مکلف به رفع اثر از نقض حقوق شهروندی اند.

ماده ۱۵- در صورتی که گزارش گروههای نظارت و بازرسی متضمن اعلام جرم یا تخلف انتظامی و اداری باشد، رئیس کل دادگستری استان حسب مورد موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضایی یا اداری صلاحیت دار و یا دادستان انتظامی اعلام می کند. رئیس کل دادگستری استان موضوع را تا حصول نتیجه و اعلام به هیئت نظارت مرکزی پیگیری می نماید.

تبصره - رسیدگی به موارد پیش گفته در مراجع قضایی و انتظامی با رعایت الویت خواهد بود.

ماده ۱۶- دادپاران دادسرای انتظامی قضات، بازرسان قضایی سازمان بازرسی کل کشور، رئیسان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در استانها و هریک از قضات دادسراها و دادگاهها که از نقض حقوق شهروندی به تناسب وظایف محوله آگاه شوند، موظفاند با قید فوریت رئیس کل دادگستری استان و یا هیئت نظارت مرکزی را با فرستادن گزارش کتبی آگاه کنند.

ماده ۱۷- تشکیل هیئتهای نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی مانع وظایف دادستانهای عمومی و انقلاب و نظامی از حیث نظارت بر عملکرد ضابطان نیست و دادستانها و قضات دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی موظفاند در صورت مشاهده نقض آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی، طبق ماده ۱۴ این دستورالعمل اقدام کرده و رئیس هیئت نظارت و بازرسی استان را نیز به طور کتبی از موضوع آگاه کنند.

ماده ۱۸- در تهران، سایر مراکز استانها و شهرستانها، شعبههایی از دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی و دادگاههای جزایی عمومی، دادگاههای کیفری استان و دادگاههای نظامی را حسب مورد رئیس کل دادگستری و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان برای رسیدگی به جرمهای موضوع این قانون تعیین می کنند و رسیدگی به پروندههای مربوط فقط در همان شعبهها انجام می شود.

تبصره - رئیس کل دادگستری استان مشخصات این شعبه‌ها را به دبیرخانه هیئت نظارت مرکزی ارسال می‌نماید.

ماده ۱۹ - کلیه مراجع قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضائیه، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذیربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و مکلف به رعایت و همکاری در اجرای آن‌اند.

ماده ۲۰ - این دستورالعمل در ۱۹ ماده و ۵ تبصره به همراه سه پرسشنامه در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و برای اجرا به مراجع ذیربط ابلاغ می‌شود.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی (اعلامیه قاهره)

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم»
(قرآن کریم)

دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را بر عهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمانها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داد، و با تصدیق رسالت محمد صلی الله علیه و آله که خداوند ایشان را به هدایت و آیین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان و شکننده ای برای طاغوت‌ها و مستکبران گردانیده است، پیامبری که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و

هیچ اولویتی برای کسی بر دیگری جز در تقوا قائل نشده ، و فاصله ها و اکراه را از میان مردم برچید ، مردمی که خداوند آنان را از روح واحد آفریده است.

و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده است ، عقیده ای که بشریت را فرا خواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قائل نشوند واحدی را به عنوان خدا به جای الله نگیرند ، عقیده ای که پایه راستین آزادی مسئولانه بشریت و حیثیت آنان را پی ریزی کرده و رهایی انسان از بردگی را اعلان نموده است .

و برای تحقق اموری که در شریعت جاودان اسلامی آمده است از جمله پاسداری از دین و جان و خرد و ناموس و مال و نسل ، و دیگر امتیازات چون جامعیت و میانه روی در کلیه مواضع و احکام ، این شریعت معنویات و ماده را با هم در آمیخت و عقل و قلب را هماهنگ ساخت و میان حقوق و وظائف موازنه به وجود آورد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی به وجود آورد و معیارهای قسط را میان طرفهای ذیربط برقرار کرد تا این که نه طغیانی باشد و نه زیانی .

ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید ، تمدنی که می تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم بپیوندند . لذا از چنین امتی امروزه انتظار می رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه حلهایی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد .

و به جهت ایفای سهم خود در تلاشهای بشری که مربوط به حقوق بشر است - حقوقی - که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است .

با اعتقاد به این که بشریتی که در بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش می باشد.

و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادیهای عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است، پس هیچ احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتابهای خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله ی او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی بعمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آنها، مسؤولیت دارد. بدین جهت، دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد زیر را اعلام می نمایند.

ماده یک: الف) بشر به طور کلی، یک خانواده می باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت برابرند بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می باشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوبترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به هم نوع خود است. و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.

ماده دوم: الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومتها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزیی گردد، ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جائیکه خداوند مشیت نماید، وظیفه ای شرعی می باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

ماده سوم: الف) در صورت بکارگیری زور یا کشمکش های مسلحانه، نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته اند همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت وهر مجروح و بیماری حق مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا را مبادله و فیما بین خانواده هایی که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهایی بعمل آید.

ب) قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دامها یا تخریب ساختمانها و مؤسسات کشور دشمن به وسیله ی بمباران یا موشک باران و غیره؛ جایز نمی باشد.

ماده چهارم: هر انسانی، حرمتی دارد و می تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

ماده پنجم: الف) خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشویی اساس ایجاد آن می باشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمی توان از این حق آنان، جلوگیری کند.

ب) جامعه و دولت موظف است موانع را از فرا راه ازدواج برداشته و راههای آن را آسان و از خانواده حمایت به عمل آورد.

ماده ششم: الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسؤولیت نگهداری آن، از وظائف مرد می باشد.

ماده هفتم: الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت های ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج) بر طبق احکام شرع، فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

ماده هشتم: هر انسانی از لحاظ الزام والتزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می گیرد.

ماده نهم: الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد.

ب) حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاههای تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می نماید، برای تربیت کامل و

متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به گونه ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود .

ماده دهم : اسلام دین فطرت است ، و بکار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد ، جایز نمی باشد .

ماده یازدهم : الف) انسان آزاد متولد می شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد ، مگر خدای تعالی .

ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است ، شدیداً تحریم می شود و ملت‌هایی که از آن رنج می کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند . همه دول و ملل نیز موظف اند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر استعمار و اشغال یاری نمایند . همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند .

ماده دوازدهم : هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود . و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند ، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود . با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد .

ماده سیزدهم : کار ، حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است ، تضمین کند . و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که هم مصلحت خود وهم مصلحت جامعه بر آورده شود . هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره کشی کرد یا به او زیان رساند ؛ و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن ، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می کند سریعاً دریافت

نماید و نیز حق استفاده از مرخصی ها و پاداشها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون این که به نفع طرفی عدول کند ، دخالت نماید .

ماده چهاردهم ، انسان ، حق دارد کسب مشروع بکند ، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران و ربا شدیداً ممنوع می باشد .

ماده پانزدهم : الف) هر انسانی حق مالک شدن از راههای شرعی را دارد و می تواند از حقوق مالکیت به گونه ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند ، برخوردار باشد و نمی توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه .

ب) مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع .

ماده شانزدهم : هر انسانی حق دارد از ثمره دست آوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد ، و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید ، مشروط بر این که آن دست آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد .

ماده هفدهم : الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری های اخلاقی به گونه ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد ، زندگی کند ، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند .

ب) دولت و جامعه موظف اند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود ، فراهم نمایند .

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می شود تضمین نماید .

ماده هجدهم : الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش ، در آسودگی زندگی کند . ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود .

ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد ، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود .

ماده نوزدهم : الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند . در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند .

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه ، حقی است که برای همه تضمین شده است .

ج) مسؤولیت در اصل شخصی است .

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت .

ه) متهم ، بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد .

ماده بیستم : دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید ، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع . و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه ای حقارت آمیز یا سخت ، یا منافی حیثیت انسانی ، رفتار کرد . همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت

وی و مشروط بر این که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد . همچنین ، تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه ای را بدهد ، نیز جایز نمی باشد .

ماده بیست و یکم : گروگانگیری به هر شکل و به خاطر هر هدفی ، ممنوع است .

ماده بیست و دوم : الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد .

ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهدی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند .

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود ، ممنوع است .

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد ، جایز نیست .

ماده بیست و سوم : الف) ولایت ، امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع است ، زیرا حقوق اساسی از این راه تضمین می شود .

ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید . همچنین او می تواند پستهای عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود .

ماده بیست و چهارم : کلیه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند ، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است .

ماده بیست و پنجم : شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است .

منشور حقوق شهروندی :

مقدمه

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده رئیس جمهور نهاده است. رئیس جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را به مثابه برنامه و خط‌مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می کند.

این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت» ، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است.

مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، گردد.

الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی

ماده ۱- شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آن‌ها سلب کرد مگر به‌موجب قانون.

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

ماده ۳- حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۴- حق کودکان است که صرف نظر از جنسیت به طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

ماده ۵- حقتوان خواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۶- شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند. دولت همه امکانات خود را برای تأمین شرایط لازم جهت بهره‌مندی از این حق به کار می‌گیرد و بامفاسد اخلاقی از جمله دروغ، ریا، تملق، نابرداری، بی تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه می‌کند.

ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۷- شهروندان از کرامت انسانی و تمامیمزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۸- اعمال هرگونه تبعیضاروا به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیضاروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری‌کند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به‌ویژه آن‌هایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل‌قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

ماده ۱۰- توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.

ماده ۱۱- زنان حق‌دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

پ- حق آزادی و امنیت شهروندی

ماده ۱۲- آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان م‌صون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳- هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴- شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.

ت- حق مشارکت در تعیین سرنوشت

ماده ۱۵- شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه‌ها اعمال کنند.

ماده ۱۶- شهروندان برای مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (ازجمله یارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند این‌ها)، بهره‌مندی از کمک‌های مردمی و سایر روش‌های

تأمین هزینه‌های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت‌دار، از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۱۷- تصمیمات، اقدامات یا اظهارات مقامات و مسئولان دولتی، عوامل اجرایی و نظارتی و مأمورین نظامی، انتظامی و امنیتی پیش از انتخابات، در جریان بررسی شرایط نامزدهای انتخاباتی و پس از انتخابات باید کاملاً شفاف، بی‌طرفانه و قانونمند باشد به‌گونه‌ای که حتی شائبه تقلب یا تخلف، یا حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۱۸- صداوسیما و همه رسانه‌هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می‌کنند، باید بی‌طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر

ماده ۱۹- شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه‌ی قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.

ماده ۲۰- حق شهروندان است که امور اداری آن‌ها با رعایت قانون، بی‌طرفانه و به‌دوراز هرگونه منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی، رابطه خویشاوندی، گرایش‌های سیاسی و پیش‌داوری، در زمان معین و متناسب رسیدگی و انجام شود.

ماده ۲۱- حق شهروندان است که چنانچه تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضائی صالح، تقاضای احقاق حق کنند.

ماده ۲۲- حق شهروندان است که از تصمیمات و اقدامات اداری که به‌نوعی حقوق و منافع مشروع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آگاه شوند.

ماده ۲۳- مقامات و مأموران اداری باید در روابط خود با شهروندان پاسخگو و قابل‌دسترس باشند و چنانچه درخواستی را رد کنند باید حسب تقاضا، به‌صورت مکتوب پاسخ داده و حداکثر راهنمایی را در چارچوب صلاحیت‌های خود ارائه نمایند.

ماده ۲۴- حق شهروندان است که از دولت‌تیرخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راست‌گویی، درستکاری، امانت‌داری، مشورت، حفظ بیت‌المال، رعایت حق‌الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، شتاب‌زدگی، خودسری، فریبکاری، مخفی‌کاری و دست‌کاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات خود، عذرخواهی از مردم در قبال خطاها، استقبال از نظرات مخالفین و منتقدین و نصب و عزل بر مبنای شایستگی و توانایی افراد باشد.

ج- حق آزادی اندیشه و بیان

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب در صدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.

چ- حق دسترسی به اطلاعات

ماده ۳۰- حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز جامعه می‌باشند.

ماده ۳۱- حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

ماده ۳۲- کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیراخلاقی، خشونت‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

ح- حق دسترسی به فضای مجازی

ماده ۳۳- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.

ماده ۳۴- حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند.

ماده ۳۵- حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی برخوردار باشند.

خ- حق حریم خصوصی

ماده ۳۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

ماده ۳۷-تفتیش، گردآوری، پردازش، به کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نامبر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است مگر به موجب قانون.

ماده ۳۸-گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.

ماده ۳۹-حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آن‌ها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصراً در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آن‌ها را افشا کند.

ماده ۴۰-هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.

ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

د- حق تشکل، تجمع و راهپیمایی

ماده ۴۳- شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.

ماده ۴۴- حق شهروندان است که در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون مشارکت مؤثر داشته باشند.

ماده ۴۵- فعالیت‌های مدنی در حوزه‌های حقوق شهروندی حق هر شهروند است. سازمان‌های مردم‌نهاد باید حق دسترسی به اطلاعات و دادگاه صالح را برای دادخواهی در مورد نقض حقوق شهروندی داشته باشند.

ماده ۴۶- حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آنها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.

ذ- حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد

ماده ۴۷- حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

ماده ۴۸- حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت‌وآمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به موجب قانون این حق محدود شده باشد.

ماده ۴۹- حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محل مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

ماده ۵۰- اتباع ایرانی‌در هر نقطه از جهان حق دارند از خدمات و حمایت‌های حقوقی، کنسولی و سیاسی دولت ایران بهره‌مند شوند.

ر- حق تشکیل و برخورداری از خانواده

ماده ۵۱- حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

ماده ۵۲- حق شهروندان است که از امکانات آموزشی، مشاوره‌ای و پزشکی لازم در امر ازدواج بهره‌مند باشند.

ماده ۵۳- حق شهروندان است که از تدابیر و حمایت‌های لازم برای تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده، تسهیل ازدواج مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی برخوردار شوند.

ماده ۵۴- حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵- حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آن‌ها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

ز- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه

ماده ۵۶- حق شهروندان است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی، دسترسی داشته باشند. هیچ کس را نمی توان از این حق محروم کرد.

ماده ۵۷- اصل بر براءت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی شود مگر این که اتهام او در دادگاه های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بیطرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت زمان معقول و بدون اطاله دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.

ماده ۵۸- حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرایند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه ای و کلا حمایت خواهد شد.

ماده ۵۹- اصل، برگزاری علنی محاکمات است و شهروندان حق دارند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند. موارد استثنائاً به حکم قانون می باشد.

ماده ۶۰- شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدش های به شأن، حرمت و کرامت انسانی

آن‌ها وارد شود. هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست.

ماده ۶۱- محاکمه شهروندانی که با اتهامات سیاسی یا مطبوعاتی مواجه می‌باشند صرفاً در دادگاه‌های دادگستری، به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه انجام می‌شود. انتخاب اعضای هیئت منصفه باید تجلی وجدان عمومی و برآیند افکار و نظرات گروه‌های اجتماعی مختلف باشد.

ماده ۶۲- حق شهروندان است که از بازداشت خودسرانه و بازرسی فاقد مجوز مصون باشند. هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خانواده و بستگان افراد در معرض اتهام و بازداشت ممنوع است.

ماده ۶۳- حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره‌مند شوند.

ماده ۶۴- بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند.

ماده ۶۵- تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌های کیفری، حقوقی، اداری و مراجع شبه قضایی بر اساس معیارهای قانونی، حق شهروندان است.

ماده ۶۶- حق همه بازداشت‌شدگان موقت و محکومان است که پس از پایان بازداشت یا اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین شده ممنوع است.

ماده ۶۷- دولت با همکاری سایر قوا و مراجع حاکمیتی برای ارتقای نظام حقوقی ایران و ایجاد الگوی کارآمد، با تأکید بر رعایت حقوق دادخواهی، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.

ژ- حق اقتصاد شفاف و رقابتی

ماده ۶۸- شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادهای پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی

به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

ماده ۶۹- حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.

ماده ۷۰- حق شهروندان است که به صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی و از جمله اطلاعات مربوط به برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مطلع شوند.

ماده ۷۱- دولت فضای قانونمند، شفاف و رقابتی منصفانه را برای انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان و امنیت سرمایه‌گذاری آن‌ها تضمین می‌کند.

ماده ۷۲- دولت به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، شرایط لازم در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم را برای حضور فعالان اقتصادی

ایران در بازارهای جهانی، حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پول‌شویی و قاچاق کالا و ارز فراهم می‌کند.

س- حق مسکن

ماده ۷۳- حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۴- دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌نماید.

ش- حق مالکیت

ماده ۷۵- حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

ماده ۷۶- انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آن‌ها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند.

ص- حق اشتغال و کار شایسته

ماده ۷۷- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۸- شهروندان از حق فرصت برابر در دسترس به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

ماده ۷۹- حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰- حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند باشند.

ماده ۸۱- شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۲- به‌کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص، شایستگی و توانمندی‌های متناسب با شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرایند گزینش ممنوع است.

ماده ۸۳- حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۴- اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنا که در جهت منافع و مصالح آنان باشد صرفاً به حکم قانون مجاز می‌باشد.

ض- حق رفاه و تأمین اجتماعی

ماده ۸۵- آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

ماده ۸۶- حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود.

ماده ۸۷- حق شهروندان است که در صورت بیکاری ناخواسته، طبق قانون از حقوق بیمه بیکاری برخوردار

شوند.

ماده ۸۸- حق شهروندان روستانشین و عشایراست که حسب مورد از حقوقی چون توسعه روستایی، بیمه و

تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۸۹- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی

داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

ماده ۹۰- حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از

زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

ماده ۹۱- حق شهروندان است که از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر

و روان‌گردان برخوردار باشند. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی،

امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمینی برخوردار می‌شوند.

ماده ۹۲- حق جامعه ایثارگران و خانواده‌های معظم آنان است که به‌طور خاص از تمهیدات ضروری برای توانمند سازی فردی و جمعی برای حضور و مشارکت مؤثر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۹۳- دولت از حقوق بیمه شدگان حمایت می‌کند و اینحمایت شامل تضمین فضای رقابتی، نظارت بر فعالیت بیمه گران و نهادهای بیمه‌ای، تنظیم روابط بیمه‌گر و بیمه‌گزار و بهبود سازوکارهای رسیدگی به دادخواهی بیمه‌شدگان و سایر ذی‌نفعان می‌باشد.

ماده ۹۴- شهروندان حق دسترسی به کالاهای و خدمات استاندارد را دارند به‌گونه‌ای که بهداشت یا سلامت آن‌ها را با مخاطره مواجه نکند.

ط- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی

ماده ۹۵- برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ حق شهروندان است.

ماده ۹۶- تنوع و تفاوت‌های فرهنگی مردم ایران به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب هویت ملی مورد احترام است.

ماده ۹۷- شهروندان فارغ از تفاوت‌های قومی و مذهبی از حق ارتباطات بین فرهنگی برخوردارند.

ماده ۹۸- دولت مکلف به حفظ و حراست از میراث تمدنی و فرهنگی و حفظ آثار، بناها و یادبودهای تاریخی صرف نظر از تعلق آنها به گروه‌های مختلف فرهنگی است.

ماده ۹۹- شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکل‌ها، انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.

ماده ۱۰۰- فعالان عرصه‌های هنری حق دارند در فضای غیرانحصاری آزادانه فعالیت کنند. دولت موظف است تدابیر لازم برای جلب مشارکت رقابتی بخش خصوصی در مراحل تولید و عرضه آثار هنری را فراهم کند.

ماده ۱۰۱- شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند.

ماده ۱۰۲- شهروندان در انتخاب نوع پوشش خود متناسب با عرف و فرهنگ اجتماعی و در چارچوب موازین قانونی آزاد هستند.

ماده ۱۰۳- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکل‌ها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.

ظ- حق آموزش و پژوهش

ماده ۱۰۴- شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.

ماده ۱۰۵- همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقا را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند این‌ها باشد.

ماده ۱۰۶- جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهار نظر آزادند و آن‌ها را نمی‌توان به‌صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و موأخذه قرارداد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آن‌ها اقدام کنند.

ماده ۱۰۷- دانشگاه باید مکانی امن برای استادان و دانشجویان باشد. مسئولان دانشگاه باید برای تضمین امنیت دانشجویان اهتمام جدی ورزند. رسیدگی به تخلفات از ضوابطی دانشجویان باید با رعایت حق دادخواهی،

اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به مراجع صالح مستقل و بی طرف و با رعایت حق دفاع و تجدیدنظرخواهی، در حداقل زمان و بدون تأخیر، مطابق با مقررات انجام شود.

ماده ۱۰۸- حق دانش آموزان است که از آموزش و پرورش شی برخوردار باشند که منجر به شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی و احترام به والدین و حقوق دیگران، هویت فرهنگی، ارزش‌های دینی و ملی شود و آن‌ها را برای داشتن زندگی اخلاقی و مسئولانه توأم با تفاهم، مسالمت، مدارا و مروت، انصاف، نظم و انضباط، برابری و دوستی بین مردم و احترام به محیط زیست و میراث فرهنگی آماده کند.

ماده ۱۰۹- حق دانش آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورد احترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰- هیچ کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

ماده ۱۱۱- توان خواهان باید به تناسب توانایی از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلولیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.

ع- حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار

ماده ۱۱۲- حفاظت از محیط‌زیست - که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط‌زیست مقابله می‌کند.

ماده ۱۱۳- هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۱۴- هرگونه اقدام به‌منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی خواهد بود.

ماده ۱۱۵- دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد

نمود. حق شهروندان است که از مزایا و منافع فن‌آوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

غ- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

ماده ۱۱۶- حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند. دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفتمان صلح، صیانت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند.

ماده ۱۱۷- دولت برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود.

ماده ۱۱۸- شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند.

ماده ۱۱۹- دولت موظف است با برنامه‌ریزی‌های لازم و تخصیص منابع کافی در جهت بازدارندگی راهبردی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور اقدامات لازم به ویژه تجهیز و تقویت نیروهای مسلح را به عمل آورد.

ماده ۱۲۰- شهروندان حق دارند از آموزش دفاعی لازم برخوردار باشند. دولت با برنامه‌ریزی و تخصیص

امکانات لازم نسبت به تقویت بنیه دفاعی و بسیج عمومی اقدام می‌نماید.

سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی

۱. رئیس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار

ویژه‌ای را تعیین می‌نماید. پی‌شنهاد برنامه و خط‌م‌شی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه است.

۲. دستگاه‌های اجرایی تابع قوه مجریه موظف‌اند با هماهنگی دستیار ویژه در حدود صلاحیت‌های قانونی

خود، با جلب مشارکت مردم، تشکل‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی، ضمن جمع‌بندی و مدون سازی حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی، در حوزه مسئولیت‌ها و اختیارات خود و شناسایی موارد نقض حقوق شهروندی، تدابیر و اقدامات قانونی لازم را برای تحقق این حقوق به‌ویژه از طریق تدوین و اجرای برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌سازی و تقویت مفاهمه، گفتگو و تعامل در حوزه عمومی انجام دهند.

۳. دستگاه‌های تابع قوه مجریه موظف‌اند برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی مربوط به خود را ظرف مدت

شش ماه از انتشار این منشور تهیه و در اختیار دستیار ویژه ریاست جمهوری قرار دهند و هر سال گزارش ادواری

پیشرفت‌ها، چالش‌ها، موانع و راه‌حل‌های پیشنهادی برای ارتقاء و اجرای حقوق شهروندی را در حوزه مسئولیت خود ارائه و از طریق اصلاحات نهادی و ساختاری، برای تحقق حقوق شهروندی مندرج در این منشور اقدام کنند.

۴. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آشنایی هرچه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی، ترتیبات لازم را اتخاذ می‌نمایند.

۵. رئیس‌جمهور هر ساله گزارش پیشرفت‌ها و راه‌کارهای رفع موانع تحقق حقوق شهروندی را به ملت ارائه و در صورت نیاز، منشور را روزآمد می‌کند.

Abstract

In term of law, all individuals are equal before the law and from the human point of view, nothing will cause the superiority in order to meet certain social and political consideration it is possible to separate the court to dealing with allegation or the judges may have some authorities to personalize the penalties.

However, it must be kept in mind that the difference in the place and time of inquest wouldn't cause a change in description and nature of the issue, nor is it in effect.

Defending all these right is the duty of the community, because when person accept social life, he has passed the maximum use of his rights and accept the rule of collective life .of course these conscious limitation creates the expectation from governments that don't constrain the rights of citizens without any justification and respect to right.

Supportive laws must be so robust that citizens don't have anxiety to change because of changing political, social or economical and cultural circumstances.

In Iran, the constitution with the holy Islamic law, as we will describe, Expanded to include and confirm the human (citizenship) right and emphasize on fundamental human rights.

Although in other codes the legal protection and guarantee are expressed, there isn't appropriate accuracy in implementation of many principles. If there was an attempt it will be eliminate the existing insufficiency and a faired social life would appear.

The present paper seeks to investigate legal condition and compare comparisons of Islamic jurisprudence with emphasis on main sources such as Quran, Nahj al-Balaghah, trying to be an attempt to find missing circles and promote the standard of living of the citizens in according with these principles.

Keywords: citizenship. citizenship rights. Islamic jurisprudence



Department of Law

PhD thesis on public law

**Comparative study of government's assignments to citizenship rights
in Iranian law and Islamic jurisprudence**

Supervisor

Ahmad Asadian Ph. D

Advisors

Nader Mardani Ph.D

By

Khodabakhsh Avareh

November 2018